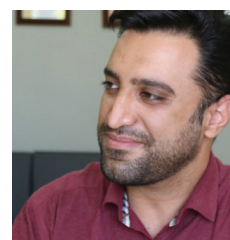
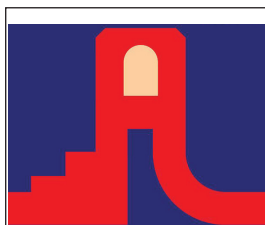


توان‌یاب

سال بیستم شماره ۸۱
(پاییز ۱۴۰۰)

۲	سرمقاله
	گزارشی از مراسم برخط روز جهانی:
۳	افراد دارای معلولیت؛ فرصت‌های برابر
	در گفت‌وگو با سرپرست واحد اشتغال مجتمع رعد، بررسی شد:
۶	آموزش‌ها در پروژه کارساز مطابق با نیاز بازار است
	محمدرضا دشتی
۹	بازده کار سازمانی در گروهی فهم متقابل در محیط کار است
	کتابون تاج بخش:
۱۲	برای گسترش این فعالیت نیاز به همکاری افراد داوطلب داریم
	بنیان‌گذار شرکت چکاوک شهر:
۱۴	با ایده آل‌هایمان فاصله داریم
	رئیس هیات مدیره مجموعه رئیس:
۱۷	مشتاق همکاری با دوستان توانیاب هستیم
	موسس رستوران دست:
۲۰	خودباوری واقع‌گرایانه از اصول لازم برای ورود به بازار کار است
۲۳	چالش‌های اشتغال افراد دارای معلولیت
	مدیر روابط عمومی شرکت فیروزه:
۲۶	از همکاری با توانیابان استقبال می‌کنیم
۲۹	حمایت شغلی در خانواده
۳۰	یلدا
۳۱	دل نوشته
	مدرس کلاس موتیف بافی:
۳۲	تفاوت بین مربی و هنر جو فقط در تکرار آن کار است
	با وجود بیکه ویلچر جزئی از وجود مادرم است:
۳۴	آنچه می‌بینم توانمندی‌های فراوان اوست
	مدیرعامل مجتمع آموزشی و نیکوکاری رعد کرمان:
۳۸	شعار ما پیشگیری از ناتوانی و افزایش توانمندی توانیابان است
	گفت‌وگو با کارآفرین و مدیرعامل شرکت گیتی‌گیت (gitygit):
۴۱	به من برنامه‌نویس یک انگشتی می‌گویند
۴۳	مشاهیر دارای معلولیت
۴۴	سلامت
۴۷	زهمه
۴۸	معرفی کتاب
۴۸	در رعد چه خبر



صاحب امتیاز:
مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
مدیر مسئول:
دکتر قاسم صالح‌خو
سردبیر:
دکتر مریم رسولیان
شورای سیاست‌گذاری:
صدیقه اکبری، محمود توسلی،
دکتر محمد کمالی، دکتر مجید
میرخانی، دکتر نرگس شفاوردی،
دکتر مجتبی کامیاب، لیلا انگوتی،
محمدرضا دشتی
دبیر تحریریه:
هاله باستانی
مدیر اجرایی:
رضا سخن‌سنج
همکاران این شماره:
سهیلا علیخانی، افسانه عسگری،
نازنین رحیم‌زاده
گرافیک: پرویز مقدم
طراح جلد: یاسمن روشنی تبریزی
صفحه‌آرایی: سمانه فطرس
عکاس: نگین موسوی پورمهرام
ویراستار انگلیسی: مهرابه عمرانی
مترجم انگلیسی: علی مجتهدزاده

نشانی دفتر نشریه: شهرک غرب
فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان پیروزان
جنوبی، پلاک ۷۴
کد پستی: ۱۴۶۶۶ صندوق پستی:
۱۴۴-۱۴۶۶۵
شماره تماس: ۸۸۰۸۲۲۶۶
۸۸۰۷۶۳۲۶
info@raad-charity.org
www.raad-charity.org

توان‌یاب از دریافت مقالات و دیدگاه‌های صاحب نظران استقبال می‌کند. مقالات ترجمه شده همراه با کپی اصل مقاله ارسال شود. مقالات ارسالی پس فرستاده نمی‌شود. توان‌یاب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است

توضیح: نشریه توانیاب به علت مشکلاتی که در شروع اپیدمی بیماری کرونا با آن روبرو شد نتوانست طبق روال قبلی منتشر شود و شماره بهار و تابستان در یک شماره به چاپ می‌رسد.



سرمقاله

بر طبق نظریات آبراهام مازلو، روانشناس انسان‌گرا، زمانی میل به خودشکوفایی در انسان ظهور پیدا می‌کند که نیازهای اساسی‌تر او برآورده شده باشد. وقتی که نیازهای قدرتمندی چون امنیت، معیشت، عشق و عزت‌نفس ارضا شوند، تمایل فرد برای ابراز خلاقیت بروز پیدا می‌کند. سطح اول هرم مازلو، نیازهای فیزیولوژیکی و فیزیکی است. زمانی که نیازهای فیزیکی بر طرف شد، فرد تمرکز خود را بر تامین امنیت که سطح دوم هرم است می‌گذارد. تامین امنیت نه فقط امنیت فیزیکی که به معنای سلامت روان، رفاه عمومی و امنیت از بی عدالتی و استرس است. نیازهای سطح سوم، حول محور تعاملات اجتماعی و نیاز به وابستگی است. اگر این نیازها برآورده نشود، افراد در معرض افسردگی و انزوا قرار می‌گیرند. اشتغال یکی از نیازهای اساسی انسان است که هم به عزت نفس و تامین امنیت او کمک می‌کند و هم به سلامت روان او از طریق افزایش تعاملات اجتماعی.

بنیانگذاران رعد سی و هفت سال قبل که هنوز کشور درگیر جنگ تحمیلی با کشور عراق بود، با تشخیص همین نیاز، به فکر تاسیس نهادی برای آموزش‌های منجر به اشتغال افرادی که در جنگ دچار معلولیت می‌شوند، افتادند. رعد تاسیس شد و کم‌کم، دامنه آموزش‌ها و فعالیت‌هایش گسترش یافت. دامنه گروه هدف (افراد دارای معلولیت) هم به تدریج گسترده شد و همه افراد دارای معلولیت‌های جسمی و حرکتی را در بر گرفت. از آن زمان تاکنون، بسیاری از هنرجویان آموزش دیده جذب بازار کار شده‌اند و ارتباطات رعد با کارفرماها و کارآفرینان هم روز به روز بیشتر شده است. اشتغال برای افراد دارای معلولیت، که جمعیت قابل توجهی از جامعه را شامل می‌شوند، امری حیاتی است که همه ارکان جامعه باید در رفع موانع و ایجاد فرصت‌های مناسب آن بکوشند. توجه به موضوع اشتغال و زمینه‌سازی برای آن، باید در افراد از دوران کودکی آغاز شود؛ و نیز بستر کاری مناسب برای آن در جامعه شکل بگیرد. آموزش‌ها باید به توانایی افراد و آماده کردن آن‌ها متناسب با استعدادها و ظرفیت‌هایشان معطوف باشند. آموزش بایستی کودکان و نوجوانان را برای ایفای نقش اجتماعی، متناسب با استعدادها و ظرفیت‌هایشان، آماده نماید. این استعدادها هم ظرفیت‌های روحی و هم ظرفیت‌های جسمی را شامل می‌شوند، و اگر در هر یک از این موارد کاستی‌هایی وجود داشته باشد، آموزش‌ها هم باید متناسب با این کاستی‌ها و جبران آن‌ها شکل بگیرند. این‌ها توجهاتی بودند که متولیان موسسه رعد به تدریج آشنایی‌های بیشتری نسبت به آن‌ها به دست آوردند. در حال حاضر، متناسب‌سازی انتظارات کارفرمایان با ظرفیت‌ها و آمادگی‌هایی که کارآموزان در موسسه رعد به دست می‌آورند، جدی‌ترین دغدغه مربیان و حامیانی است که در این موسسه افراد دارای معلولیت را آموزش داده و حمایت می‌کنند.

این امیدواری وجود دارد که صاحبان مشاغل (و همه جامعه)، انتظارات واقع‌بینانه‌تری نسبت به افراد دارای معلولیت داشته و با انعطاف بیشتری این اقلیت (و همه اقلیت‌های) خود را پذیرا باشند.



گزارشی از مراسم برخط روز جهانی

افراد دارای معلولیت؛ فرصت‌های برابر

آرزوهایش سهیم کند. در ادامه موسیقی خوش‌نواى جنوبى که از صمیمت، یک‌رنگی و گرمای وجود مردم خوزستان حکایت داشت به احترام مهمان اهوازی برنامه فضا را پر کرد و هنوز از حال و هوای آن دیار دور نشده بودیم که استوره‌ای دیگر از سرزمین شرجی و آفتاب، اذهان را به سوی خود فرا خواند. او هاشمیه متقیان بود که چندی پیش با پرتاب ۲۴ متر و ۵۰ سانتی‌متریش، رکورد جهان را شکست و افتخار ایرانی بودن را به تمام هموطنان هدیه داد. او از سال‌ها تمرین و تلاشی گفت که برای ساختن فرصتی هر چند نابرابر برای خودش بوجود آورده، او از روستای کم‌برخوردار ملاحیه‌ی حومه اهواز گفت که به دلیل محرومیت از مناسب‌سازی، نتوانسته بسیاری از هاشمیه‌های ورزشی، هنری و تحصیلی دیگری را به جامعه معرفی کند. اما گفت که باید به افراد دارای معلولیت نگاه ویژه شود تا فرصت برابر بوجود بیاید، چون ممکن است قضاوت‌ها و رفتار مردم، توان‌بايان را از هدف و آرمانشان دور کرده آنها را به حاشیه ببرد. پیام مهندس احمد میرزاخانی، از بنیانگذاران و پدر معنوی مراکز رعد بر این تأکید داشت که فرصت برابر امتیازی نیست که ما به فرد دارای معلولیت می‌دهیم بلکه حقی است که باید

پس از ماه‌ها برنامه‌ریزی و همفکری، رویداد "افراد دارای معلولیت؛ فرصت‌های برابر" به دعوت مجتمع رعد و با حمایت انجمن‌های همکار، سازمان‌های مردم‌نهاد، اصحاب رسانه، شخصیت‌های علمی، فرهنگی، هنری و نیز استقبال مردم، عصر جمعه ۱۲ آذر به‌صورت آنلاین برگزار شد. به گزارش روابط عمومی مجتمع رعد؛ لباس‌های زیبا و خوش‌رنگ ایرانی گروه موسیقی "دستان گویا" در آغاز نگاه‌ها را به خود جلب کرد، آنگاه که در بی‌صداترین سبک اجرای موسیقی، دل‌انگیزترین نغمه را به گوش جان بینندگان رساند، وقتی که با حرکات دستانشان می‌گفتند: "شهیدان پیچیده در گوش زمان فریادتان" اوج پاکي و گنجینه معنوی یک ملت را به تصویر می‌کشیدند، سپس دوربین تصویر هنرمند نوجوانی را پخش کرد که از خوزستان تا تهران آمده بود تا با زبان لغزش قلم‌مو بر صفحه‌ی سفید کاغذ بگوید، می‌تواند برابری فرصت‌ها طلب کند. کوثر بوغمنه که چندی پیش هنردوستان عالم نقاشی او را در نمایشگاه پارآرت توکیو ۲۰۲۱ تحسین کردند، در رویداد رعد به محرومیت از تحصیل توسط آموزش و پرورش به خاطر اینکه با دستانش نمی‌تواند بنویسد، اشاره کرد اما این را نیز گفت که هر روز زندگیش یک تابلوی نقاشی است و تلاش می‌کند مردم را در امیدها و





در مدرسه استثنایی ثبت نام کردم و چون خواندن و نوشتن بلد بودم از پایه سوم درس را شروع کردم، مدرسه دانش‌آموز دختر نداشت و من در کلاس پسران درس خواندم. برای امتحان پایانی مجبور بودم روی نیکت‌های دسته‌دار بنشینم و زمانی که گفتم یک روزنامه پهن کنید تا روی زمین امتحان بدهم اول قبول نمی‌کردند تا اینکه با اصرار معلم رضایت دادند.

وی گفت: تا پیش از دیدن فیلم نوریکی ژاپنی، فکر می‌کردم فقط من در جهان چنین وضعیتی دارم اما وقتی با نوریکا که شرایط مشابهی با من داشت، آشنا شدم او الگوی زندگی من شد و متوجه شدم در جهان افرادی مانند من و حتی بدتر از من هم وجود دارند. من عقیده دارم، نصیحت کردن فایده‌ای ندارد، خود شخص باید بخواهد شرایط را تغییر دهد. تغییر واژه‌ها هم مشکلی را حل نمی‌کند و من با افتخار می‌گویم "من یک معلول هستم" پس ما باید شرایط را متناسب با نیاز و درخواست خودمان تغییر دهیم. ورزشکار و رکورددار دیگری که مهمان رویداد رعد بود در رشته تیراندازی، تپانچه بادی ۱۰ و ۵۰ متر صاحب ۵۴ مدال و عنوان قهرمانی آسیایی، جهانی و قهرمانی پارالمپیک است. ساره جوانمردی گفت: به خاطر مشکلات رفت و آمد و مسافت زیاد مجبور شدم دانشگاه را رها کنم. من هم مثل شما خیلی از کارها را نمی‌توانم انجام بدهم اما نمی‌گذارم این محدودیت‌ها مرا شکست بدهد، اگر در خانه‌ایمان بمانیم، چیزی عوض نمی‌شود، قانون داریم اما اجرا نمی‌شود، با توکل به خدا و تلاش باید شرایط را تغییر بدهیم و فرصت‌های برابر را خلق کنیم.

وی افزود: ورزش برای من یک هدف نبود، من برای شناخت جهان افراد دارای معلولیت ورزش را آغاز کردم چون تنها فرد معلول خانواده بودم و قبلش از ورزش معلولان تصویری نداشتم، چون مشکل من کوتاهی پایم هست در زنگ‌های ورزش گوشه‌ای می‌نشستم

ادا کنیم و رعد در ۳۷ سال گذشته توان‌یابان را از کنج خانه‌ها به سطح جامعه آورده و امروز تعدادی از آنها به مدیریت مالی یا اداری شرکت‌ها و کارخانجات معروف رسیده‌اند. او ادامه داد: امروز مراکز ۲۹ گانه رعد در سراسر کشور، تحصیلات رایگان دانشگاهی در مرکز آموزش علمی کاربردی رعد به علاوه آموزش و اشتغال آنلاین که حتی مناطق محروم را زیر پوشش قرار داده است، جلوه‌هایی از فرصت برابر محسوب می‌شود.

وقتی تصاویر سرو خوش قد و بالای تیم ملی والیبال نشست "مرتضی مهرزاد" پخش شد، اشتیاق شنیدن حرف‌های پسری دوست‌داشتنی در عمق وجود بینندگان جان گرفت اما وقتی مجری از او پرسید، آیا شما بلند قامت‌ترین ورزشکار والیبال نشسته‌ی جهان هستی؟ با صمیمیتی که همیشه از او سراغ داریم پاسخ داد: بله؛ خیلی هم اتفاق مهمی نیست. مرتضی گفت: نگاه مردم باعث شده بود از خانه خارج نشوم تا اینکه مربی تیم والیبال نشسته چالوس اتفاقی برنامه "ماه عسل" را می‌بیند و از من برای پیوستن به تیم دعوت کرد و من که تا آن زمان دستم هم به توپ والیبال نخورده بود، مسیر زندگیم عوض می‌شود.

او عقیده دارد، اتفاق افتادنی نیست، بچه‌های دارای معلولیت باید خودشان اتفاق را بسازند، اینکه می‌گویند: معلولیت محدودیت نیست، یک دروغ بزرگ است و من نمی‌دانم چه کسی این دروغ را گفته است، ولی عقیده دارم، معلولیت پایان آرزوها نیست و ما می‌توانیم زندگی خودمان را تغییر بدهیم. زهره اعتضادالسلطنه هنرمندی که عضو انجمن نقاشان با پا و دهان آلمان است و سال‌ها آموزش و تدریس را در کوله‌بار تجربیاتش دارد، گفت: در دوران کودکی هیچ مدرس‌های به خاطر اینکه دست ندارم و با پا مینویسم مرا ثبت نام نکرد، اما والدینم به‌خصوص مادرم کوتاه نیامدند و با سخت‌گیری مادر و معلمم، موفق شدم حروف الفبا را با پا بنویسم. بعد از مدتی





و از گوشه و کنار هم می‌شنیدیم که می‌گویند، این نمره‌ای که می‌گیری نمره ورزش نیست و مال خودت نیست. من برای پاک کردن آن ذهنیت، به ورزش رو آوردم و بعد متوجه شدم ورزش معلولان چه جهان پر تحرک و پر دامنه‌ای است. ابتدا با والیبال نشسته شروع کردم و سپس رشته انفرادی تیراندازی را انتخاب کردم و فکر می‌کنم به بهترین نحو این رشته را به سرانجام رساندم. من عقیده دارم نباید دنبال فرصت برابر بود، چون ایجاد نمی‌شود. باید به نیمه پُر لیوان فکر کرد، هر چقدر به نیمه خالی لیوان فکر کنیم، شرایط تغییر نخواهد کرد.

در بخش گفت و گو با صاحب‌نظران؛ دکتر محمد کمالی شخصیت برجسته سازمان‌های مردم‌نهاد، دکتر مریم رسولیان عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران و رئیس هیأت مدیره مجتمع رعده، دکتر احساس فیاضی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و شاهین طبری رئیس هیأت شرکت چارگون به‌صورت حضوری ابعاد گوناگون فرصت‌های برابر را مطرح کردند و مباحث جامعه فراگیر، نگاه عدالت‌محور، دسترسی به امکانات جامعه برای همه، بهره‌مندی از مساوات اجتماعی، استیگما و نشان‌دار شدن اشخاص متفاوت، نقش خانواده و حمایت‌های آنها، جهان مجازی و فرصت‌های ایجاد شده، محدودیت‌های ذهنی، دیده نشدن افراد دارای معلولیت در جامعه، عدالت استخدامی و ... مورد تبادل قرار دادند.

در بخش دیگر برنامه، پیام دبیرکل سازمان ملل متحد "آنتونیو گوترش" توسط محمد رجایی‌مقدم مسوول مرکز اطلاعات دفتر سازمان ملل در ایران قرائت شد که گفته است درک حقوق، توان و رهبری افراد دارای معلولیت، آینده مشترک ما را پیش خواهد برد در سر تا سر جهان، افراد دارای معلولیت و سازمان‌های نماینده آنان در حال انجام اقداماتی هستند تا این فراخوان را تحقق بخشند: "هیچ چیز در مورد ما، بدون ما."

بخش پایانی گفت و گوی رویداد با دعوت از مهمانان آنلاین ادامه پیدا کرد و مهندس احسان شاهرودی مدیرعامل شبکه ملی ناشنوایان ایران، اشکان آذرماسوله خبرنگار و تهیه‌کننده برنامه‌های رادیویی و زینب ناصری فعال اجتماعی افراد دارای معلولیت از طریق فضای مجازی به رویداد اضافه شدند و فرصت‌های برابر را از منظر رفتارهای نظام آموزشی با افراد نابینا و ناشنوا، امکانات کمک آموزشی از قبیل: کتاب‌های صوتی درسی، نرم‌افزار صفحه‌خوان و دیگر تکنولوژی‌ها، عدم ارتباط مؤثر افراد ناشنوا با جامعه و برعکس، معلولیت پنهان و رنج مضاعف ناشنوایان از دیده نشدن معلولیتشان را مورد بررسی قرار دادند.

یقیناً این رویداد فقط آشنایی مختصر با موضوع فرصت‌های برابر و اهمیت آن را متذکر شده است، اینکه فرصت‌های برابر بخشیدنی یا ساختنی است به نگرش افراد بستگی دارد اما نمی‌توان کتمان کرد که همه در ایجاد آن مسؤولیت و نقش داریم و بهتر است، سهم خود را آگاهانه بپذیریم.



امید قریشی، فارغ‌التحصیل رشته کارشناسی الکترونیک است و در حال حاضر به عنوان سرپرست واحد اشتغال و مشاور و تحلیل‌گر حوزه کسب و کار، در مجتمع رعد فعالیت می‌کند. با او درمورد پروژه کارساز که به بهانه شیوع پاندمی کرونا در رعد شروع شده به گفت‌وگو نشستیم.



در گفت‌وگو با سرپرست واحد اشتغال مجتمع رعد، بررسی شد

آموزش‌ها در پروژه کارساز مطابق با نیاز بازار است

کارساز ۱۴۰۰ مطرح شد، مدیر (ادمین) شبکه‌های اجتماعی بود. در پروژه کارساز ۱۴۰۰، بعد از فراخوان عمومی، متقاضیان از سراسر کشور نام‌نویسی و پس از طی روند مصاحبه، در دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و فشرده شرکت کرده و آماده ورود به حوزه اشتغال و معرفی به کارفرما شدند.

در مورد فرآیند کار، نحوه ثبت نام کارآموزان و محتوای آموزشی بیشتر توضیح دهید؟

فرآیند کار این گونه بود که در آغاز، شغلی را که همان مدیریت (ادمین) شبکه‌های اجتماعی است را انتخاب و وارد فرآیند تبلیغات و فراخوان شدیم. کارجویان از طریق پیام یا تماس تلفنی با ما مرتبط و پس از پر کردن فرم ثبت‌نام، وارد جریان مصاحبه آنلاین شدند. با ارزیابی پاسخ‌ها، به شناخت بیشتری از متقاضیان رسیدیم تا مشخص شود توانایی‌های اولیه برای وارد شدن به این شغل را دارند یا نه؟ افرادی که در مصاحبه

درآمد مدیر شبکه اجتماعی یک شرکت یا فروشگاه کوچک، حدود سه تا شش میلیون تومان در ماه است که یک کارآموز می‌تواند در نصف روز آن را انجام دهد

شوند. در پروژه کارساز ۱۴۰۰، فرآیند کاریابی تغییر کرد و پس از تشخیص مشاغل مناسب و به روز، آموزش‌هایی بر آن اساس طراحی شدند. این فرآیند براساس تشخیص نیاز بازار، آشنایی با توانایی‌های هر کدام از کارآموزان و درخواست کارفرمایان، شکل گرفت و تعدادی شغل بر همین اساس، انتخاب شدند. اولین شغلی که در

لطفا در ابتدا خودتان را معرفی کنید و بگویید از چه زمانی همکاری خود با رعد را آغاز کردید؟

امید قریشی، فارغ‌التحصیل رشته کارشناسی الکترونیک هستم و در حال حاضر به عنوان سرپرست واحد اشتغال و مشاور و تحلیل‌گر حوزه کسب و کار، در مجتمع رعد فعالیت می‌کنم. از آذر سال ۹۸ به‌طور رسمی همکاری خود را با رعد آغاز کردم ولی قبل از آن هم با مرکز همکاری‌هایی داشتم.

در مورد پروژه کارساز ۱۴۰۰ توضیح دهید؟

از زمان شیوع پاندمی کرونا مجتمع رعد به طرف آموزش‌های غیر حضوری و عبور از مرزهای جغرافیایی رفت. در حوزه اشتغال، چنین هدفی با طراحی پروژه کارساز ۱۴۰۰ دنبال شد. از سال ۹۴ اهداف رعد در حوزه اشتغال، براساس اشتغال حمایت شده تعریف شده بود که بر آن اساس، کارآموزان ساکن تهران با حمایت مربی شغلی، می‌توانستند شاغل



مورد تأیید قرار گرفتند، ثبت نام و برای شرکت در کلاس‌های آنلاین که از شانزده مرداد ماه شروع شد، معرفی شدند.

این آموزش‌ها در چه بازه زمانی ارائه شدند؟

طول این دوره‌های آموزشی ده هفته و در حدود صد ساعت آموزشی بود. تلاش داشتیم دوره‌ها جامع و کامل باشند و هر آنچه کارآموزان برای ورود به حوزه کار نیاز داشتند را به آنها ارائه دهند. تمرکز چنین دوره‌هایی، بر شبکه‌های اجتماعی و استراتژی‌های آنها بود اما با توجه به سلیقه کارفرما، علاوه بر آموزش شبکه‌های اجتماعی، آموزش گرافیک پایه را هم ارائه کردیم تا کارآموزان قادر شوند خودشان مطالب را ویرایش کنند. در این آموزش‌ها آنها فرایندهایی مثل؛ مصاحبه، فنون مذاکره، رزومه نویسی و... را هم یاد گرفتند که اگر در پایان دوره از طریق کارفرماها موفق به جذب نشدند، خودشان بتوانند مشاغل دیگری را دنبال کنند. کارآموزان محتوا نویسی را هم بطور تخصصی در این دوره آموختند. تلاش این بود که کارآموزان پس از پایان دوره، توانمندی‌هایی را کسب کرده باشند تا هر کارفرمایی ترغیب به جذبشان شود. برای افرادی هم که به مدل آزاد کاری (فری لانسرینگ) علاقه داشتند هم، یک دوره آموزشی دوهفته‌ای در نظر گرفتیم. خصوصاً اینکه در دوران همه‌گیری کرونا، تمایل و علاقه افراد به این نوع کار افزایش داشته‌است.

تمایل افراد به نوع کار در مصاحبه اولیه معلوم می‌شود؟

علاقه تعدادی از افراد در اولین مصاحبه مشخص می‌شد، ولی میل و علاقه واقعی آنها پس از پایان آموزش‌ها و توسط اساتید مشخص می‌شود. قالب اساتیدی که در این دوره تدریس می‌کنند، در بازار کار فعال هستند و شغل اصلی آنان آموزش نیست. بیشتر آنها کسانی هستند که در حوزه کسب و کار فعال هستند و بازار کار را بخوبی شناخته و بر این اساس، به بچه‌ها مشورت و راهنمایی می‌دهند که در کجا مشغول شوند که برایشان

هدف این است که بچه‌ها به استقلال برسند و برای رسیدن به استقلال، اولین قدم رسیدن به اشتغال است

حدی باشد که کارفرماها ترغیب به استخدام کارآموزان شوند. برای ارتقای کیفیت، علاوه بر نمره و نظر اساتید، کارآموزان در انتهای دوره، یک فعالیت عملی را هم با حداقل یک دوره سه هفته‌ای کارورزی در محیط واقعی تجربه می‌کنند.

از ارتباط با کارفرمایان بگوئید. چه کارفرماهایی برای همکاری با این پروژه اعلام آمادگی کردند؟

ارتباط با کارفرماها را قبل از شروع دوره کارساز ۱ آغاز کرده بودیم. در پروژه کارساز ۱۴۰۰، سه حامی اصلی به نام‌های؛ شیپور، اسنپ و چارگون داریم که رسماً برای جذب کارآموزان پس از مصاحبه و طی مراحل گزینش، آمادگی خود را اعلام کردند.

با بیش از ۱۰۰ کارفرما در این حوزه برای جذب کارآموختگان کارساز ۱ صحبت شده است و با توجه به توانایی کارآموختگان نسبت به مصاحبه توسط کارفرمایان اقدام شده است

طول دوره آموزش چه مدت است؟

دوره آموزش آدمین شبکه‌های مجازی، سه ماه است که شامل ده هفته کلاس و سه هفته کارورزی است. و همچنین دوره آموزش کارشناس مرکز تماس ۶ هفته است.

اطلاع‌رسانی در مورد این دوره‌ها چگونه بوده‌است؟

فراخوان دوره‌های کارساز ۱ و ۲ در اینستاگرام مجتمع رعد و در گروه‌های تلگرامی و واتس‌آپی که افراد دارای معلولیت عضو هستند، و همچنین توسط کانال‌های رسمی حامیان کارساز انجام شد. با سایر انجمن‌های حوزه معلولان نیز مکاتبه انجام گرفت.

در دوره‌های بعدی چه آموزش‌هایی مورد نظرتان است؟

از ابتدا بالغ بر پنجاه شغل مختلف را در نظر گرفتیم که از بین آنها دو شغل را برای کارساز ۱ و ۲ در سال جاری انتخاب کردیم. اولین کارساز، آدمین شبکه‌های اجتماعی بود، دومین کارساز، کارشناس مرکز تماس و ارتباط با مشتری است. کارساز ۳

مفید و منجر به اشتغال پایدار شود. مصاحبه‌ای که با کارجویان انجام می‌شود در چه زمینه‌ای است؟ این مصاحبه‌ها بیشتر یک مصاحبه روانشناختی است و بیشتر سوالات، حول محور شناخت روانی و شخصیتی افراد شکل می‌گیرد. تیم حرفه‌ای، سوالاتی را طراحی کرده تا بتوانیم براساس آن، افراد را پذیرش و در جای مناسب قرار دهیم.

آیا شرکت‌کنندگان باید از مهارت‌های اولیه‌ای برخوردار باشند؟

اولین شرط، علاقه‌مندی به این حوزه است. البته لازم است شناخت اولیه‌ای از شبکه‌های اجتماعی و مهارت استفاده از موبایل هوشمند و کامپیوتر را تا حدودی داشته باشند. داشتن کامپیوتر جزو ملزومات اساسی این دوره نیست و سعی شده از ابزارهایی که بتوانند روی موبایل نصب شوند، استفاده شود. کارجویانی که مایل به شرکت در این دوره‌ها هستند، باید از نظر سنی، پانزده سال به بالا باشند. شرکت در این دوره‌ها برای توانیابان رایگان است ولی قصد داریم که ظرفیت محدودی را هم به افراد غیرتوانیاب، اختصاص دهیم تا سطح علمی کلاس‌ها بالاتر رود. در کلاس‌های آنلاین، بستری فراهم شد تا کارآموزان مانند وقتی که در کلاس‌های حضوری بودند، با هم در ارتباط باشند. ظرفیت هر دوره، شصت نفر است که در دو کلاس ۳۰ نفره تقسیم شدند. نهایت تلاش ما این است که کیفیت آموزش‌ها به



در حال حاضر، ورود به چنین حوزه‌ای بسیار مناسب است. شناختی که من از کارآموزان رعد دارم این است که ذهن‌های خلاق و قدرت آنالیز و تجزیه تحلیل خوبی دارند. به موفقیت بچه‌های توانیاب در این حوزه بسیار امیدوارم.

و سخن آخر؟

من از دوستان توانیاب و دارای معلولیت می‌خواهم که وارد پروژه کارساز شوند. در هر حال کار کردن سخت است ولی استقلال مالی و شخصیتی که با کار کردن به دست می‌آورد، ارزش تحمل هر سختی را دارد. هدف ما این است که بچه‌ها به استقلال برسند و برای رسیدن به استقلال، اولین قدم کار کردن است. بچه‌ها باید از خود شناخت پیدا کرده و علاقتشان را بشناسند و از وارد شدن به حوزه اشتغال ترسند و بدانند که ما در کنارشان و حامی آنها هستیم. در پروژه کارساز تلاش ما این است که دوستان به نحو احسن آموزش ببینند و به جایگاهی برسند که کارفرما به دنبالشان باشد، نه این که آنها به دنبال کارفرما بگردند. لازم است که استقلال مالی داشته باشند و از وابستگی به خانواده خارج شوند. رسیدن به استقلال بسیار شیرین است و ما در واحد اشتغال مرکز رعد، در خدمت همه دوستان هستیم.

در پروژه کارساز تلاش ما این است که دوستان به نحو احسن آموزش ببینند و به جایگاهی برسند که کارفرما به دنبالشان باشد، نه این که آنها به دنبال کارفرما بگردند

متفاوت است. معتقدیم که شغل مناسب کارآموزان، باید واجد سه ویژگی باشد؛ اول، علاقه دوم، توانایی انجام کار و سوم، داشتن تخصص در آن حوزه کاری. مورد آخر با آموزش به دست می‌آید، ولی دو مورد اول و دوم را خود شخص باید داشته‌باشد. شغلی مانند ادمین شبکه‌های مجازی، بگونه‌ای است که پارامتر دوم را داراست، چون دورکاری آن بیشتر از شغل‌های دیگر است. در این شغل، هشتاد درصد، دورکارند و بیست درصد، حضوری. خیلی از کارفرماها در چنین حوزه‌هایی فقط نیروی دورکار می‌خواهد. در نتیجه با شرایط جسمی افراد توانیاب و با شیوع بیماری کرونا

هم مجددا ادمین شبکه‌های اجتماعی است، چون این شغل، ظرفیت بالایی برای پذیرش در حوزه کسب و کار دارد.

آیا تسلط بر این حوزه‌ها، برای بچه‌ها درآمدزا است؟

در حال حاضر درآمد مدیر شبکه اجتماعی یک شرکت یا فروشگاه کوچک، چیزی حدود سه تا شش میلیون تومان در ماه است که یک کارآموزان می‌تواند در نصف روز آن را انجام دهند. همچنین یک کارشنای مرکز تماس با امکان دورکاری می‌تواند در حوزه فروش بیش از ۸ میلیون تومان در آمد داشته باشد. امیدواریم تا پایان سال دوکارساز دیگر را هم برگزار کنیم که البته بستگی به استقبال کارآموزان در این حوزه دارد.

ارزیابی شما از بچه‌های توانیاب چیست؟

من مدت زیادی نیست که در خدمت این دوستان هستم ولی با شناختی که در این مدت به دست آورده‌ام، می‌توانم ادعا کنم که ورود به این حوزه، برای بچه‌هایی که دنبال کار هستند، بسیار مفید است و با توانایی آنان همخوانی دارد. در واحد اشتغال رعد فرآیندی به نام انطباق شغلی (job matching) داریم که به معنای پیدا کردن شغل مناسب با شرایط



محمدرضا دشتی از قدیمی‌های دفتر روابط عمومی رعد است. او یک دهه است که به عنوان کارشناس روابط عمومی و عضو تحریریه فصلنامه توان‌یاب مشغول به کار است، دشتی در گفت‌وگو با فصلنامه توان‌یاب از محیط امنی که در کار با آن روبه‌روست می‌گوید، امنیتی که به افزایش بهره‌وری او در محیط کار منجر شد تا جایی که به سرمایه‌ارزشمندی برای مجتمع رعد مبدل گشت.

وی از سال ۷۵ فعالیت‌هایی را در حوزه معلولیت آغاز کرد و در اوایل دهه هشتاد، با راه‌اندازی وبسایت شمعدانی، بزرگ‌ترین پایگاه خبری و اطلاع‌رسانی در حوزه معلولیت در ایران را بوجود آورد. در دهه نود نیز با تولید ۸ اپلیکیشن، حضور مؤثری در فضای مجازی را تجربه کرده است.

بازده کار سازمانی در گروهی فهم متقابل در محیط کار است

و مهارت‌های خود فرد دارای معلولیت، کارفرما، خانواده و همیار شغلی تکیه دارد.

در اینجا با توجه به تجربه شخصی‌ام، به سه محور اول اشاره می‌کنم. نکته مهم در اول صحبت این است که، به نظر من فردی که معلولیت دارد، نباید به دلیل معلولیت انتظارات غیرمنطقی از کارفرما و همکاران داشته باشد. او هم باید مثل بقیه به موقع در محل کار خود حاضر شود و وظایف شغلی محوله را به خوبی به انجام رساند. ارتباطات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی حرفه‌ای برقرار کند و در فرآیند اشتغال تأثیرگذار باشد.

البته با توجه به روحیات انسانی ما ایرانی‌ها ممکن است که در شروع کار، همکاران با همکار دارای معلولیتشان بیشتر همکاری کنند ولی در درازمدت داشتن چنین انتظاری به دلیل اینکه معلولیت دارند، قابل قبول نیست. بدیهی است فردی که محدودیت‌های فیزیکی دارد، در محیط کار با سختی‌های بیشتری نسبت به

به نظر من فردی که معلولیت دارد،
نباید به دلیل معلولیت انتظارات
غیرمنطقی از کارفرما و همکاران
داشته باشد

اتفاقی باید بیفتد که اشتغال فرد دارای معلولیت، با کمترین مشکل و بیشترین بهره‌وری روبه‌رو شود. همان‌طور که می‌دانید رویکرد اشتغال حمایت‌شده که خانم پناهی، مدیرعامل سابق مجتمع رعد، در ایران بنیان‌گذاری و بومی‌سازی کرد، روی چند محور مهم از جمله توانمندی‌ها

آقای دشتی شما حدود ده سال است که با موسسه رعد همکاری دارید، با توجه به تجارب خود از محیط کار و شناختی که از دوستان دارای معلولیت دارید، به نظر شما این دوستان با چه چالش‌هایی در محیط کار روبه‌رو هستند؟

بسم الله الرحمن الرحیم؛ من کمی بیش از ده سال است که در مجتمع رعد مشغول به کار هستم. اوایل در نشست‌های کارشناسی با همراهی آقای مهندس رحمان علاقه‌بند و سایر دوستان مرتبط با امور وبسایت و ... شرکت می‌کردم و بعد هم که با تعامل و دوستی ایجادشده بین من و رعد، با افتخار به‌عنوان خدمت‌گزاری کوچک در خدمت عزیزان مجتمع رعد بوده و هستم.

پس از یک دهه کار مستمر و مداوم، به‌عنوان یک فرد دارای معلولیت که از محیط شغلی خود راضی هست و ارتباط بسیار خوبی با همکارانش در مجتمع رعد دارد؛ در این گفت‌وگو می‌خواهم بگویم در محیط کار چه



سایرین روبه‌روست اما اگر بخواهد از طرف کارفرما و همکاران پذیرفته‌شود، باید بیشتر تلاش کند. هر فردی که بتواند قابلیت‌های خود را در محیط کار به اثبات برساند، موقعیتش در محیط کار تثبیت می‌شود.

از طرف دیگر این کارفرما است که موظف است در ایجاد فضای امن برای افزایش بهره‌وری کارمندان با هرگونه تفاوتی ایفای نقش کند. او باید محدودیت‌های کارمند دارای معلولیتش را بشناسد و او را نه از روی لطف و ترحم که بر اساس توانمندی‌هایش، بپذیرد. متأسفانه کمتر می‌بینیم که هم فرد دارای معلولیت و هم کارفرما به این درک متقابل از هم برسند.

رکن مهم دیگر در بحث اشتغال افراد دارای معلولیت، خانواده است. اعضای خانواده چه پدر و مادر باشند و چه همسر و فرزند، باید بدانند که او در محیط کار چندین برابر فردی که معلولیت ندارد، انرژی می‌گذارد و خستگی‌ها و استرس‌هایش بسیار بیشتر از دیگران است. پس باید انتظارت از او بر اساس توانایی او باشد. از طرف دیگر نباید با حمایت و دلسوزی‌های بی‌جا، در کار او منجر به کاهش بهره‌وری و ایجاد توقع غیر واقعی و در نهایت حذف او از محیط کار شوند.

چه عواملی در بحث ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد دارای معلولیت، مؤثر هستند؟

یکسری قوانین و آیین‌نامه در ارتباط با اشتغال افراد دارای معلولیت، مثل بازنشستگی پیش از موعد وجود دارد. طبق قانون، این افراد چنانچه سابقه بیست سال بیمه داشته‌باشند، می‌توانند از یک تا شش سال سنوات ارفاقی بهره‌مند شوند. در حال حاضر این قانون در بخش‌های دولتی اجرا می‌شود ولی در بخش خصوصی به آن توجهی نمی‌شود. قانون دیگر، کاهش ساعت کاری افراد دارای معلولیت است که شامل مادران شاغل دارای فرزند دارای معلولیت هم می‌شود.

شما در مجموعه‌ای کار می‌کنید که همکاران و مدیران، دیدگاه و شناخت درستی از معلولیت دارند. به آن دسته از افراد دارای معلولیتی که

من همیشه به دوستان توصیه می‌کنم که برای لحظه‌لحظه زندگی و کار خود برنامه‌ریزی داشته باشند. من دفترچه‌ای دارم که برنامه‌هایم را در آن می‌نویسم؛ برنامه روزانه، برنامه کوتاه‌مدت و حتی برنامه چندساله.

وارد بازار کار می‌شوند و با کسانی که هیچ شناختی از قابلیت‌های آن‌ها ندارند، مواجه می‌شوند، چه توصیه‌ای دارید؟

مسئله دیدگاهی که در بدنه مدیریتی و همکاران مجتمع رعده وجود دارد، با سایر محیط‌های کار در بیرون از این مجموعه متفاوت است. اینجا به دلیل نوع فعالیت که توانمندسازی افراد دارای معلولیت، جزو اهدافش است، شناخت درست‌تر و علمی‌تری نسبت به توانمندی‌های افراد دارای معلولیت شاغل و نحوه رفتار با او دارند. هم در حال حاضر و هم در گذشته تعدادی از کارکنان مجتمع رعده از جمله بنده، دارای معلولیت بوده‌ایم.

در بخش روابط عمومی باید بگویم که نحوه تعامل و رفتار همکارانم از جمله؛ مدیر روابط عمومی آقای سخن‌سنج و خانم عسگری و خانم موسوی و سایر همکارانم از دفتر مدیریت تا کل مجتمع در موفقیت نسبی من - اگر بتوان گفت موفقیت - بسیار مؤثر بوده است.

رفتار و تعامل همیشگی آقای سخن‌سنج، نقش پررنگی برای حضور مؤثر من در مجتمع رعده داشته‌است. پیشنهاد می‌کنم تیم روابط عمومی رعده را به‌عنوان یک الگوی موفق در زمینه ایجاد فرصت اشتغال برای افراد دارای معلولیت، سرمشق قرار گیرد. به غیر از من در گذشته نیز چند نفر از همکارانم در روابط عمومی دارای معلولیت بوده‌اند و آن‌ها نیز در

کار خود بسیار موفق بوده‌اند. باید به این نکته توجه داشت که کارفرماها و محیط‌های کسب‌وکار، باید برای پذیرش افراد دارای معلولیت با توانایی انجام کار، آماده شوند. هر چند برای پذیرش این افراد در محیط‌های کسب‌وکار، به فرهنگ‌سازی نیاز است. البته کارجویان هم باید خود را برای حضور در محیط کار آماده کنند و بدانند که فعالیت‌های اقتصادی و محیط‌های کسب‌وکار، محیط‌های جدی و گاهی خشن هستند.

کمی به عقب برگردیم، از چگونگی آشنایی و اشتغال‌تان در مجتمع رعده بگویید.

قبل از آمدنم به رعده، در مجموعه دیگری مرتبط با افراد دارای معلولیت کار می‌کردم ولی با رعده آشنایی داشتم و در برخی مراسم‌ها و جلسات کارشناسی مرتبط با موضوع وب‌سایت و فضای مجازی شرکت می‌کردم؛ در آن موقع اوج همکاری من با رعده مربوط به جشنواره ملی انتخاب جوان نمونه، موسوم به جشنواره علی‌اکبر بود. در یکی از جلسات که آقای مهندس میرزاخانی حضور داشتند وقتی متوجه شدند که من در جایی دیگر مشغول به کار هستم، با تأکید بسیار جدی و بدون تعارف از من خواستند که برای کار به رعده بیایم. این برخورد برای من بسیار ارزشمند بود و باعث شد بعد از آمدنم به رعده، علاوه بر تعهد شغلی، تعهدات درونی دیگری هم نسبت به رعده پیدا کنم. البته بگویم که مدیران مجتمع، همیشه نسبت به من لطف داشته‌اند و ارتباط ما بسیار فراتر از کار و اشتغال است.

نکته مهم این هست که من همیشه سعی داشته‌ام که از فعالیت‌های کاری‌ام لذت لازم را ببرم و در حوزه‌ای که در آن مشغولم، تأثیرگذار باشم. باید بگویم که من و مجتمع رعده، در جهت دستیابی به اهداف مشترکی حرکت می‌کنیم و همسو هستیم. البته منظورم از رعده، تیم مدیریتی و منابع انسانی مجتمع رعده است.

و سخن آخر...؟

در جواب شما، شعری که همیشه برای من سرمشق بوده‌است را می‌خوانم: «زندگی جنگ است جانا،

بهر جنگ آماده شو نیست هنگام درنگ، بی‌درنگ آماده شو».

واقعیت این است آنچه امروز شاهد آن هستیم این است که ساختار شخصیتی جوانان امروز، شکننده‌تر از جوانان هم نسل من است. وقتی زمان خودم را با این زمان مقایسه می‌کنم، می‌بینم که این جوانان چه معلولیت داشته و چه نداشته‌باشند، از چه امکانات بیشتری نسبت به زمان ما برخوردارند.

من ابتدا در مجله پرواز و بعد در مرکز آموزشی توان‌بخشی فرزندان معلول کارگران (خیریه عمل) کار می‌کردم. مرکز عمل در محله زعفرانیه بود و در ابتدای کار که سرویس رفت‌وآمد نداشتیم، باید سه خط اتوبوس عوض می‌کردم و مسافت زیادی را هم پیاده (با استفاده از عصا و کفش‌های طبی) راه می‌رفتم، گاهی در زمستان تا زانو در برف فرو می‌رفتم اما از سختی‌ها خسته نمی‌شدم.

امکانات آن زمان با زمان حال، قابل مقایسه نیست. در آن زمان دورکاری وجود نداشت و باید صبح اول وقت در محل کار حاضر می‌بودیم. استفاده از کامپیوتر و ارتباطات فعلی در شبکه‌های اجتماع رایج نبود و کار دشواری‌های خاص خودش را داشت. من همیشه به دوستان توصیه می‌کنم که برای لحظه‌لحظه زندگی

افراد دارای معلولیت درحالی‌که باید نسبت به حقوقشان در محیط کار آگاه باشند، باید خود را با محیط کار واقعی تطبیق داده و قابلیت‌هایشان را در محیط نشان دهند و انتظار تبعیض و ارفاق بی‌مورد نداشته باشند.

و کار خود برنامه‌ریزی داشته‌باشند. من دفترچه‌ای دارم که برنامه‌هایم را در آن می‌نویسم؛ برنامه روزانه، برنامه کوتاه‌مدت و حتی برنامه چندساله‌ام. هرچند وقت آن را می‌خوانم و اهدافی که برای خود تعیین کرده‌ام را مرور و پیگیری می‌کنم. هر روز در مسیر خانه به مجتمع رعد به کارهایی که باید در همان روز انجام دهم فکر می‌کنم و آن‌ها را اولویت‌بندی می‌کنم تا وقتی به محل کار می‌رسم، بدانم چه کار باید بکنم. افراد دارای معلولیت درحالی‌که باید

نسبت به حقوقشان در محیط کار آگاه باشند، باید خود را با محیط کار واقعی تطبیق داده و قابلیت‌هایشان را در محیط نشان دهند و انتظار تبعیض و ارفاق بی‌مورد نداشته باشند.

ما کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت که اهداف کلی و مفاهیم کلان را مطرح می‌کند و روی سخنش با جامعه و دولت است و قانون حمایت از افراد دارای معلولیت را داریم. خیلی خوب است که دوستان آن را بخوانند. این قانون به دنبال تسهیل شرایط حضور افراد دارای معلولیت در جامعه است دانستن آن برای همه افراد دارای معلولیت ضروری است. ولی در نهایت خود فرد می‌ماند و مسئولیتی که بر عهده‌اش گذاشته‌شده که باید به بهترین شکل انجامش دهد. کارفرما هم باید به همین شکل نگاه کند تا راندمان همکاران در محیط کار افزایش یابد. سود این کار هم برای کارفرماست و هم برای خود فرد که باید تلاش کنند، محصولشان بهترین محصول باشد. نگاهی که در محیط رعد و واحد روابط عمومی وجود دارد، تغییر نگرش در توان‌یابان نسبت به خودشان و در جامعه نسبت به توانایی‌های افراد دارای معلولیت است.



کتایون تاج بخش از سال ۹۷ به طور داوطلبانه با واحد اشتغال مجتمع رعد همکاری می‌کند. با تعطیل شدن بازارچه‌های رعد به دلیل شیوع کرونا، به پیشنهاد او کارهای دستی کارآموزان در یکی از شعبه‌های شهر کتاب عرضه شده و به فروش رسیدند. در مورد طرح خوداشتغالی در شهرکتاب با ایشان به گفت‌وگو نشستیم.



کتایون تاج بخش؛

برای گسترش این فعالیت نیاز به همکاری افراد داوطلب داریم

این فعالیت را مدیریت کنم. بسیاری از کارآموزان رعد توانایی انجام کارهای دستی را در منزل دارند، ولی جایی برای فروش ندارند. البته بعضی از آنها با صفحات مجازی آشنا هستند و در تلگرام و اینستاگرام تولیدات خود را عرضه و به فروش می‌رسانند. با مشورت آقای میرهادی، تصمیم گرفتیم از بچه‌هایی که می‌توانند در خانه کار تولید کنند، دعوت کنیم که به رعد بیایند و در جلسه‌ای شرکت کنند. در این جلسه، آقایان میرهادی و قریشی، توضیحاتی در مورد پروژه ارائه دادند و از علاقمندان به همکاری، تعهد گرفتند که ماهی یکبار کارهایشان را تحویل دهند. از سی نفری که در این برنامه شرکت کردند، حدود یازده یا دوازده نفر، توافق‌نامه را امضا کردند. به مرور تعداد بچه‌ها زیادتر شد و به بیست نفر رسید. بعد از مدتی به دلیل وضعیت کرونایی و روحیه نامناسب بچه‌ها، تعداد کمتر شد. بعضی از بچه‌ها توقع داشتند که خیلی زود با آنها تسویه حساب شود و این درحالی بود که شهر کتاب هر دو ماه یکبار تسویه حساب

خوشبختانه میزان فروش در سال ۹۹، از کل میزان فروش بچه‌ها در بازارچه‌های سال ۹۸ بیشتر بود

خانه کار تولید کنند، تماس گرفتیم و از آنها خواستیم کارهایشان را به دست ما برسانند. تعدادی از بچه‌ها از این کار استقبال کردند. هر محصولی که به دستمان رسید، به فروش رفت.

شما به عنوان مربی شغلی، این فعالیت را شروع کردید؟

خیر. من مربی شغلی نیستم ولی به عنوان یک نیروی داوطلب دوست داشتم در

لطفا خودتان را معرفی کنید.

کتایون تاج بخش هستم و از آبان سال ۹۷ به طور داوطلبانه با مجموعه رعد، در واحد اشتغال همکاری می‌کنم. از طریق خانم چهره‌نگار با این مجموعه آشنا و به واحد اشتغال معرفی شدم. قبل از شیوع بیماری کرونا این واحد به شدت فعال بود و هر کمکی که از دستم برمی‌آمد را انجام می‌دادم. با شروع کرونا، بازارچه‌ها و نمایشگاه‌های رعد که تولیدات دستی کارآموزان در آنها عرضه می‌شد و به فروش می‌رسید، تعطیل شدند. یکی از پیشنهادهای من به واحد اشتغال، ارائه کارهای دستی کارآموزان، به شهرکتاب‌ها بود. مدیر یکی از شعبه‌های شهر کتاب از دوستان من بود و این امکان وجود داشت که تولیدات را با قیمت مصوب شهرکتاب به فروش برسانیم. این فعالیت از دی ماه ۹۸ همزمان با پاندمی کرونا شروع شد. باز بودن شهر کتاب امکان خوبی برای ارائه تولیدات بچه‌ها بود. با شیوع کرونا، کلاس‌های رعد تعطیل و جنس‌ها کم شدند. در اسفندماه سال ۹۸ با کارآموزانی که می‌توانستند در



می‌کند، ولی فروش نسبتاً خوب و دل‌گرم کننده بود.

در حال حاضر با چند شهرکتاب همکاری می‌کنید؟

از شهرکتاب نیوران که با مدیر آن آشنا بودم، شروع کردم و بعد با شهرکتاب الف در خیابان مقدس اردبیلی تماس گرفتم. با یک هتل بوتیک کوچک هم که مدیر آنجا از دوستان است صحبت کردم و فروش اندکی هم داشتیم. در حال حاضر با دو شهرکتاب در تماس هستیم و با آنها همکاری داریم. خوشبختانه میزان فروش در سال ۹۹، از کل میزان فروش بچه‌ها در بازارچه‌های سال ۹۸ بیشتر بود. این اتفاق نشان داد که این پروژه خوداشتغالی، جای کار بیشتری دارد.

این امکان هست که از طرف مجموعه رعد با شهرداری وارد مذاکره شود تا در همه شهر کتاب‌ها چنین امکانی به وجود بیاید؟

قبلاً چنین اقداماتی شروع شده و قول‌هایی هم از طرف شهردار وقت داده شده بود، ولی به سرانجام نرسید. به هر حال من مستقل از شهرداری و از طریق آشنایی با مدیران مراکز شهرکتاب اقدام کردم و به نتیجه رسیدم. استقبال بچه‌ها از این پروژه چطور است؟ آیا انگیزه پیدا کرده‌اند که جدی‌تر به این موضوع بپردازند؟ چند نفر از بچه‌ها خیلی جدی کار می‌کنند و با وجود همین فروش کم، مرتب کار تحویل می‌دهند. گاهی شرمند می‌شوم که بعد از دوماه مبلغ مختصری را به آنها بدهم، چون بچه‌ها واقعا زحمت می‌کشند و هزینه می‌کنند تا کارهای با کیفیتی به دست ما برسانند. بعضی از بچه‌ها هم زود ناامید می‌شوند و کار را رها می‌کنند. هرکدام روحیه خود را دارند. کارهای زیادی به دست ما می‌رسد و به غیر از شهرکتاب، باید مکان‌های دیگری را هم برای ارائه و فروش تولیدات بچه‌ها پیدا کنیم. تعدادی از کارهای سفال را به رستوران "دست" داده‌ایم و یک بازارچه دائمی هم در طبقه پایین مرکز رعد ایجاد کرده‌ایم که کارها در آنجا به نمایش گذاشته شود و به فروش برسند.

کارهای دستی کارآموزان، بیشتر در چه زمینه‌هایی هستند و آیا مشخص

گاهی خودم قیمت را با توجه به کیفیت کار افزایش می‌دهم. خوشبختانه کیفیت تولیدات بچه‌ها روز به روز بهتر شده که نشان می‌دهد از این موضوع خوشحال هستند.

چه برنامه‌ای برای آینده‌ی این پروژه دارید؟

ایده‌های زیادی دارم، ولی دست تنها هستم و به خیلی از کارها نمی‌رسم. دنبال این هستم که با سایر شهرکتاب‌ها صحبت کرده و کار را گسترش دهم. منتظرم با بهبود نسبی اوضاع، کلاس‌های رعد دایر شود و چرخه تولید صنایع دستی از طرف کارآموزان راه بیفتد. برای گسترش این فعالیت نیاز به کمک افراد داوطلب داریم. مدیریت این کار بسیار سنگین است، باید جنس‌ها را ارزیابی کنیم که آیا کیفیت لازم را دارند یا نه؟ باید قیمت‌گذاری مناسبی روی محصول گذاشته شود. اجناس باید کدگذاری شده و در برنامه اکسل، ثبت شود باید روی کارها باید برچسب خورده و به فروشگاه تحویل داده شود. این کارها بسیار زمانبر است. البته دوستان رعد به من کمک می‌کنند، ولی به یک نیروی همراه و همگام نیاز دارم. امیدوارم با برگشتن به وضعیت عادی بتوانیم با مراکز دیگر شهر کتاب و هتل‌ها و نمایشگاه‌ها ارتباط برقرار کنیم. ما یک نمایشگاه کوچک در مرکز رعد ایجاد کرده‌ایم و نمونه کارها را عرضه کرده تا اگر از طرف مراکز برای همکاری یا بازدید به رعد مراجعه کردند، کارها موجود باشد.

سخن آخر:

من از دوستانی که در واحد اشتغال رعد حضور دارند و همچنین از آقای میرهادی بسیار سپاسگزارم. ایشان با اخلاق خوب و انرژی مثبتی که در فضای رعد ایجاد می‌کنند، به همه ما دلگرمی می‌دهند. جا دارد که از زحمات ایشان و همه دوستان دیگر در مجموعه رعد تشکر کنم. من دو سال است که داوطلبانه در این مرکز کار می‌کنم و همان روز اول که با فضای رعد آشنا شدم، انرژی گرفتم و علاقمند به همکاری شدم. امیدوارم با کاهش شیوع کرونا، رعد به شرایط قبلی خود برگردد و کلاس‌ها بازگشایی شوند.

منتظریم با بهبود نسبی اوضاع، کلاس‌های رعد باز شوند و چرخه تولید صنایع دستی از طرف کارآموزان راه بیفتد

می‌شود که این کارها توسط افراد دارای معلولیت ساخته شده‌اند؟

در زمینه‌های مختلف هستند؛ کارهای سفال، کارهای چوب و مشبک، کارهای کاشی شکسته، کارهای بافتنی مثل؛ عروسک‌بافی، خیاطی، کیف‌های کوچک نمدی و پارچه‌ای و جاکلیدی، پاکت پول، زیورآلات و... که همه این تولیدات در کیفیت خوب عرضه می‌شوند. روی تمام این کارها چون از طریق قرارداد رعد با مراکز ارائه می‌شود، برچسب موسسه رعد می‌خورد. وقتی مشخص می‌شود این کارها توسط افراد دارای معلولیت ساخته شده، نظر مردم نسبت به توانایی‌های بچه‌ها عوض می‌شود و از آن استقبال می‌کنند. بسیاری از افرادی که این کارها را می‌خرند، هیچ آشنایی با مرکز رعد و فعالیت آن ندارند و از این طریق با خدمات مجموعه هم آشنا می‌شوند. از طرفی جایی مثل شهرکتاب، بازارچه خیریه نیست که مردم از روی ترحم چیزی بخرند، قیمت‌ها بالاست و کسی که چیزی را می‌خرد، حتماً از آن خوشش آمده و کیفیت مطلوبی داشته‌است.

قیمت‌گذاری‌ها چگونه انجام می‌شود؟

تا قبل از کرونا تیمی شامل؛ دو نفر از خانم‌های همیار رعد و مربی سفال، کیفیت کار را ارزیابی و قیمت‌گذاری می‌کردند. اما به دلیل شیوع کرونا این افراد کمتر دور هم جمع می‌شوند و خود من به همراه یک نفر از دوستان، قیمت‌گذاری می‌کنیم. معمولاً بچه‌ها خودشان منصفانه قیمت‌گذاری می‌کنند و قیمت پایینی می‌دهند تا بفروشند.





بنیان‌گذار شرکت چکاوک شهر؛

ثریا صفرزاده، بنیانگذار و موسس هولدینگ چکاوک شهر است. هولدینگی که در زمینه‌های مختلف آموزشی، به صورت مجازی و حضوری، فعالیت دارد. ثریا به دلیل ابتلا به فلج اطفال از مدرسه رفتن محروم شد اما در خانه درس خواند، دیپلم گرفت و در دانشکده علمی کاربردی رعد، در رشته فناوری اطلاعات ادامه تحصیل داد. ثریا بلندپرواز بود و اهداف بلندی را دنبال می‌کرد، او در آشنایی با حوزه شبکه و تولید محتوا از طریق آقای علیرضا مخمری، مدرس این حوزه، به فکر تاسیس شرکت با موضوع دیجیتال مارکتینگ افتاد و با همکاری ایشان در سال ۹۰ فعالیتش را آغاز نمود. صفرزاده چهار کتاب با موضوعات؛ آموزش تولید محتوا، آموزش فروشگاه اینترنتی، ویراستاری کتاب و ادبیات نگارشی تألیف کرده‌است. با او و پوراندخت خدابخش که در حوزه تولید محتوا، در شرکت چکاوک شهر آموزش دید و در حال حاضر به عنوان مدیر پروژه استادیاری در این مجموعه فعالیت می‌کند، به گفت‌وگو نشستیم.

با ایده‌آل‌هایمان فاصله داریم

خانم صفرزاده لطفا خودتان را معرفی کنید :

ثریا صفرزاده هستم. فارغ‌التحصیل رشته مهندسی فناوری اطلاعات، رئیس هیئت مدیره شرکت چکاوک شهر و سرمایه‌گذار استارت آپ آموزشی استادیاری، کارشناس و مدرس تولید محتوا، سئو و مشاور کسب و کار، ۴ کتاب تخصصی را هم در زمینه‌های طراحی سایت، سئو و تولید محتوا به چاپ رسانده‌ام.

در سن ۳ سالگی به بیماری فلج اطفال (پولیو) مبتلا شدم. همین مسئله باعث شد تا سن ۲۷ سالگی نتوانم تحصیل کنم و نقطه آغاز فعالیت من از همان سن بود که تصمیم به ادامه تحصیلات گرفتم. به دلیل علاقه شدید که به یادگیری داشتم، طی یک‌سال دوران راهنمایی را تمام کردم و پس از اتمام دوره دبیرستان، در آزمون ورود به دانشگاه ثبت نام کردم. در رشته روانشناسی دانشگاه اصفهان قبول شدم که به دلیل مسافت زیاد و هزینه رفت و آمد از ادامه آن منصرف شدم. این مسئله باعث شد تا به کسب درآمد، جدی‌تر

ثریا صفرزاده: هدف اصلی این مجموعه، ایجاد بستر برای اشتغال، خوداشتغالی، مهارت‌افزایی و کارآفرینی جوانان و افراد جویای کار است

تصمیم به تغییر مسیر گرفتم. در سال ۸۸ با یکی از همکلاسی‌ها، مغازه‌ای را اجاره کردیم و شروع به کارهایی از قبیل؛ خدمات ثبت‌نام اینترنتی، ویراستاری کتاب و کپی گرفتیم. نوشتن محتوا را هم شروع کردم ولی پس از مدتی متوجه شدم شریک سو استفاده‌هایی از درآمد به دست آمده انجام می‌دهد. او بدون هیچ توجیهی خرج می‌کرد که منجر به ورشکستگی شد. از او جدا شدم و به دانشگاه برگشتم. در سال ۱۳۹۶ مدرک کارشناسی مهندسی فناوری اطلاعات را از دانشگاه علمی/ کاربردی رعد را دریافت کردم.

در سال‌های آخر دانشگاه بودم که با همکار فعلیم، آقای علیرضا مخمری آشنا شدم، آشنایی که منجر به تحول بزرگی در زندگی شغلیم شد. به دلیل اینکه اهداف و مسیر مشترکی داشتیم، اقدام به دریافت وام کردیم اما با محدودیت‌هایی مواجه شدیم. بعد تصمیم گرفتیم که از خودمان شروع کنیم. پس از فعالیت‌های آزادکاری (فریلنسری) و پروژه‌های و کسب تجربه، تصمیم به تاسیس شرکت

فکر کنم. بنابراین در دوره‌های جامع رشته فن‌آوری اطلاعات (IT) ثبت نام کرده و با تلاش‌هایم موفق به دریافت ۷ مدرک فنی‌حرفه‌ای شدم. به این امید که وارد بازار کار شوم که اینطور نشد. اولین حوزه کاری که به آن ورود کردم، طراحی لباس بود. فکر می‌کردم در این حوزه موفق شوم ولی پس از مدتی متوجه شدم راه موفقیتی در این رشته ندارم و





ثریا صفرزاده: امیدوارم در آینده علاوه بر تأسیس چندین شعبه در کشورهای مختلف، بتوانیم آموزش‌های بین‌المللی را هم ارائه کنیم

دوره‌های آموزشی مانند برنامه‌نویسی یا گرافیک، نیاز به تبادل اطلاعات بین مدرس و دانش‌پذیر دارد، در راستای تعامل بهتر این افراد با هم، مجموعه ما امکاناتی مانند سیستم تیکتینگ را در این زمینه در نظر گرفته است.

در حال حاضر به دلیل اپیدمی کرونا آموزش‌های شما به صورت مجازی هم ارائه می‌شوند؟

ثریا صفرزاده: دانش‌پذیران از سراسر کشور می‌توانند با مشاهده ویدئوهای آموزشی استادیاری یا شرکت در وبینارهای تخصصی که توسط اساتید برجسته و حرفه‌ای برگزار می‌شوند، مهارت‌های خود را افزایش داده و برای ورود به بازار کار آماده شوند. البته شایان ذکر است که بعضی دوره‌ها مانند آموزش طراحی سایت، سئو، تولید محتوا و... همزمان به صورت حضوری هم برگزار می‌شوند. تلاش مجموعه استادیاری بر این است که افراد بتوانند علاوه بر افزایش مهارت‌های فردی و اجتماعی خود، همزمان از آموزش‌های داخلی و خارجی هم استفاده کرده و در نهایت بتوانند وارد بازار کار شوند.

به نظر می‌آید شرکت شما نیروهای ثابتی هم دارد. چند همکار و چند دانشجو دارید؟

ثریا صفرزاده: در حال حاضر ۱۵ نفر به صورت حضوری با ما همکاری دارند که تعدادی از آن‌ها در حال گذراندن

استارت آپ استادیاری در چه زمینه‌ای فعالیت می‌کند؟

ثریا صفرزاده: استادیاری، در زمینه تولید و انتشار ویدئوهای آموزشی، برگزاری دوره‌ها و وبینارهای تخصصی شغل محور و معرفی و فروش کتاب فعالیت می‌کند. در همین راستا با تعدادی از اساتید و انتشارات سراسر کشور به صورت مستقیم همکاری می‌کنیم. نکته قابل توجه اینکه کلیه ویدئوهای مجموعه استادیاری توسط اساتید حرفه‌ای و براساس ساختار مهارتی و اشتغال‌زایی تهیه می‌شوند و دانش‌پذیران، با مشاهده این ویدئوها برای ورود به بازار کار آماده می‌شوند. در زمینه معرفی و فروش کتاب هم با مولفین و مراکز نشر به عنوان صاحب امتیاز اصلی کتاب‌ها همکاری می‌کنیم. فعالیت ما در این زمینه محدود به استان تهران نیست و مراکز نشر در سراسر کشور می‌توانند کتاب‌های خود را در ۲ نسخه چاپی/PDF برای معرفی و فروش در سایت ostadyari.com قرار دهند.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که کتاب‌های معرفی شده، مکمل ویدئوهای آموزشی بوده و کاربران می‌توانند برای افزایش مهارت‌های فردی خود، از ویدئوهای آموزشی و کتاب‌ها هم به صورت همزمان استفاده کنند. در این دوره‌های آموزشی داوطلبان می‌توانند به صورت حضوری یا آنلاین با مدرسین، تعامل داشته و ابهامات خود را برطرف کنند. با توجه به اینکه برخی

گرفتیم و آنجا بود که چکاوک شهر در سال ۱۳۹۰ متولد شد و در سال ۱۳۹۹ به ثبت رسید.

خانم خدابخش، شما هم از خودتان و از فعالیتتان در این شرکت بگویید:

پوران‌دخت خدابخش هستم. در سال ۱۳۹۶ مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه علم و فرهنگ دریافت کردم و فعالیت کاری خود با شرکت چکاوک شهر را از اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۹ آغاز نمودم. در حال حاضر به عنوان کارشناس و مدرس تولید محتوا و همچنین مدیر استارت آپ استادیاری، در این شرکت فعالیت می‌کنم.

در مورد هولدینگ چکاوک شهر و فعالیتش بیشتر توضیح دهید؟

ثریا صفرزاده: من و همکارم آقای علیرضا مخمری از سال ۱۳۹۰ در زمینه‌های تولید محتوا، سئو و طراحی سایت، فعالیتمان را آغاز کردیم و توانستیم شرکت چکاوک شهر را در سال ۱۳۹۹ به ثبت برسانیم. در این مدت کوتاه توانستیم ضمن انجام بیش از ۲۰۰ پروژه موفق، از کسب و کارهای نوپا هم حمایت کنیم. این شرکت، ۴ استارت آپ موفق را راه‌اندازی کرده و هم اکنون به عنوان هلدینگ استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های زیر مجموعه، شناخته شده است. بزرگ‌ترین استارت آپ این شرکت در حوزه آموزش و اشتغال است که با شعار؛ کارخانه تولید نیروی متخصص و کارآفرینی فعالیت می‌کند.



دوره کارآموزی خود هستند. در حال حاضر ۷۵ نفر می‌توانند در بخش‌های مختلف شرکت چکاوک شهر استخدام و به فعالیت بپردازند. هدف اصلی این مجموعه ایجاد یک بستر برای اشتغال، خوداشتغالی، مهارت‌افزایی و کارآفرینی جوانان و افراد جویای کار است.

اطلاع‌رسانی در مورد فعالیت‌هایتان چگونه انجام می‌شود؟

ثریا صفرزاده: هموطنان ما از سراسر کشور می‌توانند با مراجعه به سایت ostadyari.com، از آخرین اخبار و اطلاعیه‌های این مجموعه باخبر شوند. همچنین کلیه فعالیت‌های شرکت چکاوک شهر و مجموعه استادیاری در بسترهای مختلف از جمله شبکه‌های اجتماعی به خصوص در اینستاگرام، قابل پیگیری است.

آیا تمام آموزش‌های پلتفرم استادیاری، آنلاین ارائه می‌شود؟

ثریا صفرزاده: تلاش ما بر این است که فضایی ایجاد کنیم تا دانش‌پذیران و افراد علاقمند به یادگیری بتوانند نیازهای آموزشی خود را به صورت آنلاین و مجازی برطرف کنند. از طرفی افرادی که قصد همکاری با شرکت ما در زمینه‌های مختلف را دارند، ابتدا باید یک دوره آموزشی را به صورت حضوری هم بگذرانند.

پوران‌دخت خدابخش: آنچه پلتفرم استادیاری را از سایر سایت‌های مشابه که در این زمینه فعالیت می‌کنند، متمایز کرده این است که کلیه ویدئوهای آموزشی ما توسط اساتید حرفه‌ای تهیه شده و ساختار همه آنها پروژه محور و براساس اشتغال، خوداشتغالی، مهارت‌افزایی و کارآفرینی است. شخصی را در نظر بگیرید که هیچ دانش و مهارتی ندارد ولی می‌خواهد به عنوان منشی در شرکتی استخدام شود. ما اول مهارت‌هایی که برای منشی‌گری لازم است مثل؛ فن بیان، اصول نامه‌نگاری و حتی نوع پوشش و نحوه صحبت کردن را به او آموزش می‌دهیم تا بتواند به عنوان منشی استخدام شود. از طرفی اگر قصد راه‌اندازی کسب و کار خودش را داشته باشد هم در تمام زمینه‌ها، همراه و مشاور او خواهیم بود. یکی از اهداف مهم شرکت چکاوک شهر حمایت از افرادی است که قصد راه‌اندازی کسب

پوران‌دخت خدا بخش: پلت‌فورم استادیاری برای سه قشر رایگان است: افراد دارای معلولیت، افراد ساکن در مناطق محروم و افرادی که توان مالی برای شرکت در کلاس‌های حضوری را ندارند

و کار خودشان را داشته اما به دلیل مشکلات مالی یا مسائل مربوط به اخذ مجوز، قادر به انجام این کار نیستند. در همین راستا کلیه مباحث مهارتی/ تخصصی از گلدوزی و خیاطی گرفته تا آموزش دروس دانشگاهی، طراحی و توسعه وب و... توسط مجموعه استادیاری پوشش داده می‌شوند. شایان ذکر است ما هیچ محدودیتی برای افراد قائل نیستیم. به عبارت بهتر تمام هموطنان ما در سراسر کشور می‌توانند با مراجعه به سایت ostadyari.com تمام نیازهای آموزشی و مهارتی خود را برطرف سازند.

استفاده از خدمات و امکانات آموزش سایت استادیاری برای ۳ قشر رایگان است:

- ۱- افراد توانیاب که قصد افزایش مهارت‌های فردی خود را دارند.
 - ۲- افراد ساکن مناطق محروم که توان مالی برای شرکت در کلاس‌های حضوری یا خرید بسته‌های آموزشی ندارند.
 - ۳- کلیه افراد جویای کار که مهارت‌های لازم برای ورود به بازار کار را ندارند.
- البته افراد مورد نظر برای استفاده از این طرح باید استانداردهایی داشته باشند که مهم‌ترین آن؛ علاقه، پیگیری، پشتکار و انگیزه است. در این صورت ما هم حمایت‌های لازم از این افراد را به عمل می‌آوریم.

آیا هنرجویان در قبال آموزشی که می‌بینند مدرک دریافت می‌کنند؟

ثریا صفرزاده: طبق صلاح‌دید مجموعه استادیاری و با همکاری اساتید، در پایان هر دوره از شرکت‌کنندگان یک

آزمون گرفته می‌شود. دانش‌پذیرانی که بتوانند در این آزمون نمره قابل قبولی دریافت کنند، مدرک پایان دوره دریافت کرده و برای استخدام معرفی می‌شوند. حتی این افراد می‌توانند بعد از اتمام دوره آموزشی، در شرکت چکاوک شهر یا استارت‌آپ‌های زیر مجموعه آن هم به فعالیت خود ادامه دهند.

چشم‌اندازتان برای آینده این هولدینگ چیست؟

ثریا صفرزاده: برای راه‌اندازی چهار استارت‌آپ دیگر برنامه‌ریزی کرده و امیدواریم در رشد و توسعه کسب و کارها قدمی کوچک برداریم. امیدوارم در آینده علاوه بر تأسیس چندین شعبه در کشورهای مختلف، بتوانیم آموزش‌های بین‌المللی را هم ارائه کنیم.

چشم‌اندازی مجموعه استادیاری، ایجاد یک فضای مهارتی/ تخصصی است که افراد بتوانند علاوه بر تقویت مهارت‌های فردی و اجتماعی خود، همزمان از آموزش‌های داخلی و خارجی هم استفاده کرده و با افزایش مهارت‌های خود وارد بازار کار شود.

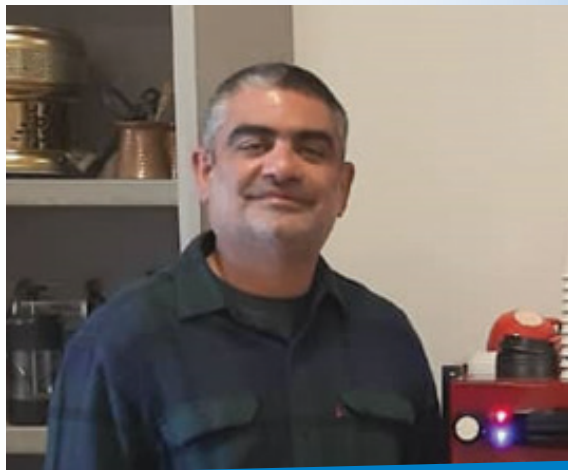
به عنوان فردی که با وجود تمام مشکلات و محدودیت‌ها توانسته‌اید یک فرد موفق در حوزه اشتغال و کارآفرینی باشید، چه توصیه‌ای به دوستان دارای معلولیت دارید؟

ثریا صفرزاده: توصیه من به دوستان این است که اهدافشان را روی کاغذ بنویسند و برای زندگی خود چشم‌انداز تعیین کنند. وقتی اهداف خود را بنویسند، مطمئناً راه برایشان باز خواهد شد. به تمام دوستان پیشنهاد می‌کنم به مستمری‌های ماهیانه بیهیستی یا حمایت‌های افراد خانواده دل نبسته و سعی کنند در زندگی مستقل شوند.

البته ناگفته نماند که در این راه با مشکلات زیادی رو به‌رو هستند، اما هر مشکلی، کلید موفقیت‌های بعدی است. تلاش ما در هلدینگ چکاوک شهر بر این است که کسب و کارها را از طریق پلتفرم آموزش مجازی استادیاری، توسعه دهیم.



خداداد اصلانی رئیس هیات مدیره مجموعه رئیس است. فعالیت این مجموعه که ۹ شعبه در تهران دارد و یک مجموعه خانوادگیست از سال ۱۳۸۰ شروع شد. این مجموعه با خیریه‌های مختلفی از جمله مجتمع رعد، همکاری دارد و علاقمند به همکاری با کارآموزان رعد است.



رئیس هیات مدیره مجموعه رئیس :

مشتاق همکاری با دوستان توانیاب هستیم

ساعت آموزش عملی می‌بینند و بعد از آشنا شدن با روش کار و قوانین حاکم بر مجموعه، به یکی از شعب کافه رییس معرفی می‌شوند. مدیران شعب نیز آموزش‌های لازم را به آنها ارائه می‌دهند. آموزشگاهی هم برای تحقیق و توسعه (R&D) و انجام کارهای پژوهشی دایر کردیم که مدیران شعب مختلف در این آموزشگاه دوره می‌بینند.

چه آموزش‌هایی به افراد علاقمند به کار در این حوزه ارائه می‌شود؟
آموزش‌ها شامل؛ آموزش باریستایی (فرآوری قهوه)، صندوق‌داری، مدیریت شعبه و انبارداری هستند که در قالب یک مجموعه به افراد ارائه می‌شوند. افرادی که این آموزش‌ها را می‌گذرانند، در صورت نیاز مجموعه، می‌توانند در شعب کافه رییس مشغول به کار شوند. افراد دارای معلولیت علاقمند به این حرفه هم می‌توانند در شعب ما مشغول به کار شوند.

رفتار ما با همه افراد، چه دارای معلولیت بوده و چه تندرست باشند، یکسان است و آنها را برابر می‌بینیم

علاقه‌بند (مدیرعامل مجموعه) و سایر دوستان با رعد آشنا بودم ولی جذب بچه‌های توانیاب برای کار در کافه، به پیشنهاد آقای شاهین طبری انجام شد. ایشان دوسال قبل این ایده را مطرح کردند و از این پیشنهاد با کمال میل استقبال کردیم.

افرادی که برای کار به مجموعه شما معرفی می‌شوند، چه آمادگی‌هایی را باید کسب کنند تا مشغول به کار شوند؟
این افراد در شروع همکاری چند

لطفا خودتان را معرفی کنید و در مورد حرفه کافه‌داری توضیح دهید؟
خداداد اصلانی، رئیس هیات مدیره مجموعه رئیس هستم. این مجموعه خانوادگی و متعلق به پدرم، من و برادرم است. ما اولین فرانچیز (franchise) کافه در ایران هستیم، از سال ۱۳۸۰ این فعالیت را آغاز کردیم و امسال بیست‌سالگی آن را جشن می‌گیریم. در این مدت نهایت سعی خود را برای فرهنگ‌سازی در مورد صنعت قهوه، صنعت باریستا، توسعه منابع انسانی و هر صنعت مرتبط با آن انجام دادیم. سال‌هاست که با خیریه‌های مختلفی از جمله موسسه رعد، خیریه بهنام دهش‌پور و خیریه‌هایی در شهرستان‌های مختلف همکاری داریم. علاقمندیم به موسسات و خیریه‌هایی که در تلاشند گروه‌ها و جوامع آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر را وارد اجتماع کنند و در این راه با مشکلاتی مواجهند، کمک کنیم.

آشنایی شما با موسسه رعد از چه طریقی ایجاد شد؟
سال‌هاست که از طریق آقای





قصد داشتیم برای کارآموزان علاقمند در مجتمع رعده، کلاس آموزشی برگزار کنیم که به دلیل نبود امکانات لازم در آن مکان، از این کار صرف نظر کردیم.

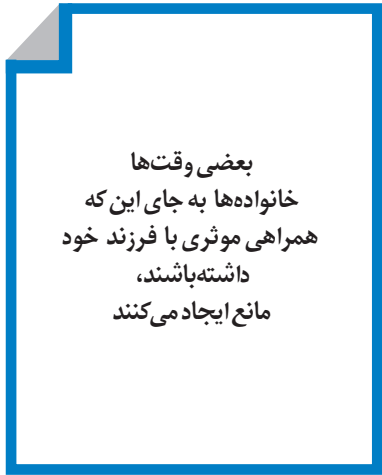
لازم به ذکر است که آموزش‌ها به صورت رایگان در اختیار افراد دارای معلولیت قرار می‌گیرد و افرادی که به مهارت کافی برسند می‌توانند همکار ما شوند.

تا کنون چند نفر از بچه‌های دارای معلولیت در شعب کافه رییس مشغول به کار شده‌اند؟

حدود شش نفر به ما معرفی شدند و آموزش دیدند. ولی فقط دو نفر ادامه دادند. من افتخار می‌کنم که توانستم لاتته (latte) زدن را به این بچه‌ها آموزش بدهم. با یکی از آنها که مشکلات جسمی‌اش، بسیار زیاد بود آنقدر کار کردیم که به یکی از بهترین همکار ما تبدیل شد. لاتته زدن برای کسی که مشکلات شدید جسمی دارد، دشوار است چون به تمرکز بالا و دست قوی نیاز دارد. البته ایشان بعد از ازدواج به شهر کاشان رفت و ما را از همکاری با خود محروم کرد. فعلا فقط یکی از این دوستان (مهدی حجیمانی) با ما همکاری دارند.

به عنوان کارفرما، با چه چالش‌هایی در کار با افراد دارای معلولیت روبه‌رو بودید؟

بیشترین مشکل در همکاری با توانیابان، خانواده‌هایشان هستند. خانواده‌ها گاهی به جای این که همراهی موثری با فرزند خود داشته باشند، مانع ایجاد می‌کنند. آنها انتظارات غیر واقعی همچون کار کمتر و دریافتی بیشتر در فرزندان خود ایجاد می‌کنند. در حالی که رفتار ما با همه افراد، چه معلولیت داشته باشند و چه تندرست باشند، یکسان است و آنها را برابر می‌بینیم. گاهی این دوستان قوانین را رعایت نمی‌کنند و انتظار چشم‌پوشی دارند. این نوع برخورد، مانع ادامه همکاری این افراد با مجموعه رییس می‌شود. ما از همکاری با افراد دارای معلولیت، استقبال می‌کنیم و مشتریان هم از حضور این افراد در شعب ما رضایت دارند. دیدگاه مردم نسبت به افراد دارای معلولیت اصلاح شده و این به دلیل حضور



بعضی وقت‌ها خانواده‌ها به جای این که همراهی موثری با فرزند خود داشته باشند، مانع ایجاد می‌کنند

برندینگ بر اساس اصول اساسی کافه‌داری بود، ولی متوجه شدیم که این دوستان تمایلی برای اداره و راه‌اندازی حرفه‌ای این کافه‌ها ندارند و به همین دلیل همکاری بین این دو مجموعه شکل نگرفت. کارهای اینچنینی دید جامعه را نسبت به افراد دارای معلولیت منفی می‌کند.

خیلی وقت‌ها خانواده‌ها، فرزندان دارای معلولیت خود را از کار در جامعه منع می‌کنند و باور ندارند که آنها قادرند کار کنند و درآمد داشته باشند. این نوع برخورد چه لطمه‌ای به افراد می‌زند؟

متأسفانه گاهی این بچه‌ها در خانواده آنقدر سرزنش و تحقیر می‌شوند که اعتماد به نفس خود را کامل از دست می‌دهند. گاهی هم آنقدر مورد توجه و حمایت قرار می‌گیرند که انتظارات غیرمنطقی در آنها شکل می‌گیرد. اینجاست که آموزش خانواده بسیار ضرورت پیدا می‌کند. ما به شرط دخالت نکردن خانواده‌ها، با روی باز از همکاری با توانیابان استقبال می‌کنیم. در شرایطی که این دوستان را مثل سایر همکاران بیمه می‌کنیم و انتظار همکاری داریم، بعد از مدتی مادر یا پدر زنگ می‌زند و می‌گوید که بچه من خسته می‌شود و نمی‌تواند هفت روز هفته سرکار باشد، به او اجازه دهید که دو یا سه روز در هفته نیاید. چند نمونه از این موارد داشتیم که به قطع ارتباط انجامید. چگونه به افرادی که مایل به همکاری با شما و شرکت در آموزش‌هایتان هستند اطلاع‌رسانی انجام می‌شود؟ از طریق وب سایت به آدرس Raeescoffee.com و صفحه اینستاگرام اطلاع‌رسانی می‌کنیم. همچنین کلاس‌های خصوصی هم برای افرادی که مایل به کار در این حوزه باشند برگزار می‌کنیم، ولی بیشتر تمرکزمان بر آموزش همکاران خودمان است. ما به آموزش و همکاری با کارآموزان رعده، علاقمندیم و منتظر معرفی توانیابان هستیم. مجتمع رعده با داشتن کارشناسان و مربیان شغلی می‌تواند افرادی را که از نظر جسمی، توانایی اشتغال در این حرفه را دارند و از خانواده‌های آگاهی هم برخوردارند را به ما معرفی کند. حاضریم در سالن همایش رعده با بچه‌های

بیشتر این افراد در سال‌های اخیر در جامعه است. خوشبختانه مشتریان ما هم که معمولا از فرهنگ بالایی برخوردارند، ارتباط مناسبی با آنها ایجاد می‌کنند. البته همچنان نیاز به فرهنگ‌سازی در این رابطه وجود دارد.

چه ارزیابی نسبت به حضور افراد دارای معلولیت در محیط کار دارید؟

حضور این دوستان به تیم ما روحیه می‌دهد و مشتاق همکاری به آنها هستیم و از اینکه در هر شعبه، چند نفر از آنها مشغول به کار باشند، استقبال می‌کنیم. این بچه‌ها هم مثل سایر افراد جامعه هستند. بعضی باهوش‌ترند و زودتر یاد می‌گیرند و بعضی کندترند. بعضی از نظر جسمی مشکلات بیشتری دارند و باید بیشتر تمرین کنند و بعضی، مشکل جسمی کمتری دارند. بعضی راحت‌تر با اطرافیان کنار آمده و مهارت‌های ارتباطی بالاتری دارند و بعضی نیاز به تقویت این مهارت‌ها دارند. مثل تفاوتی که همه افراد جامعه با هم دارند. مهدی حجیمانی وقتی فهمید که قادر به انجام کار در کافه است، اعتماد به نفس پیدا کرد و با لذت به کارش ادامه داد. او علاقمند به کار کردن در بیرون از خانه و ارتباط با دیگران است و کسب درآمد باعث بالا رفتن عزت نفس و اعتماد به نفسش شد. چندی پیش، گروهی از افراد دارای معلولیت یک کافه تاسیس کرده بودند که ایده خوبی بود. با آنها تماس گرفتم و حاضر به مشاوره دادن به آنها شدم. هدف ما کمک برای



توانیاب و خانواده‌هایشان در زمینه صنعت قهوه و مسائل کاری این حوزه نشستی برگزار کنیم تا علاقمندان و افراد مشتاق برای همکاری به ما ملحق شوند.

چرا بعضی از کارفرمایان نسبت به استخدام و به‌کارگیری افراد دارای معلولیت مقاومت می‌کنند؟

دلیل اصلی آن نداشتن اطلاعات کافی نسبت به توانایی این بچه‌هاست. قبل از شیوع بیماری کرونا با آقای طبری قرار گذاشتیم که مستندی از دوستان توانیاب شاغل در مجموعه‌های خود بسازیم و آن را برای کارفرمایان حوزه‌های مختلف بفرستیم تا با توانایی آنها آشنا شوند و از همکاری با آنها نترسند. متأسفانه به دلیل تعطیلی کافه‌ها در دوران پاندمی کرونا این اتفاق نیفتاد. خیلی از این دوستان فروشنده‌های خوبی هستند، خیلی از آنان می‌توانند در کارهای یدی مشغول شوند، عده‌ای از آنها به کامپیوتر تسلط دارند، بسیاری از این افراد هم می‌توانند در حوزه بسته بندی، صندوق‌داری، آشپزی و شیرینی‌پزی کار کنند. تعداد زیادی از این دوستان در مراکز مثل رعد دوره‌های فنی‌حرفه‌ای را گذرانده‌اند و مدرک مهارت‌آموزی دارند. بعضی از کارفرماها فکر می‌کنند که اگر یک فرد دارای معلولیت برای همکاری به آنها مراجعه کرد، باید دلشان بسوزد و کمک مالی به او بکنند در صورتی که باید بدانند این فرد توانمند است

بعضی از کارفرماها فکر می‌کنند که اگر یک فرد دارای معلولیت را به کار گیرند، باید دلشان بسوزد و کمک مالی به او بکنند، در صورتی که باید بدانند این فرد توانمند است و توانایی انجام کار دارد

و توانایی انجام کار دارد. توصیه من به دوستان صاحب مشاغل این است که نترسند و این بچه‌ها را با توجه به توانایی و توانمندی‌شان به کار گیرند.

چه چشم‌اندازی برای آینده دارید؟

برنامه ما گسترش کافه رئیس هم در داخل و هم در خارج کشور است. قصد داریم برند کافه رئیس را بین‌المللی کرده و اعلام کنیم که صنعت قهوه، در انحصار اروپاییان نیست و در ایران هم برندهایی در سطح جهانی وجود دارند.

من قبل از این که وارد صنعت قهوه شوم، سال‌ها عضو تیم ملی پرش با اسب بودم ولی وقتی وارد صنعت قهوه شدم به همراه خانواده سعی کردیم با علم روز دنیا پیش‌رفته و فرهنگ جدیدی را وارد حرفه کافه‌داری و صنعت قهوه در ایران کنیم. به

نظرم تا حدود زیادی موفق شدیم. در سال ۱۳۸۰ که کار را شروع کردیم، کافه استاندارد در تهران بسیار کم بود. الآن کافه‌های خوبی در تهران وجود دارد که با علم روز قهوه آشنا هستند. این‌ها همه نتیجه حرکتی است که مجموعه رئیس در سال ۸۰ شروع کرد و به افراد زیادی بدون توقع آموزش داد. در این بیست سال، هزاران نیروی انسانی را آموزش دادیم که در کافه‌های مختلف در شهرها و کشورهای مختلف مشغول به کارند. از سال ۱۳۹۰ بهترین دستگاه‌ها را برای راه‌اندازی کارخانه تولید قهوه وارد کردیم. قهوه تولید می‌کنیم و صادرات هم داریم، چون در تولید قهوه سرآمد هستیم، همیشه سعی در فرهنگ‌سازی و بنیانگذاری استاندارد خاصی مخصوصاً در آموزش منابع انسانی داشتیم. مجموعه رئیس چون مطابق استانداردهای بین‌المللی است، در آموزش نیروی انسانی، سخت‌گیرانه عمل می‌کند، به همین دلیل افرادی که در این مجموعه آموزش دیدند، در کشورهای دیگری مثل؛ ترکیه، آلمان، گرجستان و در خود ایران کار می‌کنند و صاحب کافه هستند. ما ۹ شعبه در تهران و ۱ شعبه در شهر رشت داریم. در این بیست‌سال تبدیل به یک هولدینگ غذایی کوچک شدیم و برندی به نام "سین کافه" و کارخانه‌ای به نام "رئیس رستری" تاسیس کردیم. همچنین برندی به نام "تورینو" داریم که به هتل‌ها و کافه‌ها قهوه می‌فروشد.





موسس رستوران دست؛

علی عطار، متولد سال ۶۱ است. او در رشته علوم سیاسی، کارشناسی در رشته مدیریت کارآفرینی، کارشناسی ارشد و در رشته مدیریت از دانشگاه تهران، دکترا گرفته است. او علاوه بر سینما که از کودکی داور جشنواره اش بوده، در نوجوانی مطلب سینمایی می نوشت و در جوانی فیلم ساخت، به آشپزی هم علاقمند بود. این شد که به فکر تاسیس رستورانی به نام "دست" افتاد. "رستوران دست" در سال ۹۸ در کنار موسسه رعد تاسیس شد و بعد از گذار از دوران رکود ناشی از کرونا، به بهره‌وری رسید. با او در مورد فراز و نشیب‌هایی که این رستوران از آغاز تا کنون طی کرده است، گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

خودباوری واقع‌گرایانه از اصول لازم برای ورود به بازار کار است

مطرح کردم. با موافقت ایشان قرار شد اتاقی را از رعد اجاره و آن را بازسازی کنم. بازسازی مکان از سال ۹۸ شروع و زیرساخت‌های مورد نیاز رستوران و آشپزخانه، ایجاد شد.

با چه چالش‌هایی در این کار روبه‌رو بودید؟
سختی کار از جایی شروع شد که متوجه شدم مکانی که قصد دایر کردن رستوران دارم، تجاری نیست و در اطراف آن مراکز خرید و یا حتی سوپرمارکت هم وجود ندارد. شیوع بیماری کرونا، شرایط را سخت‌تر کرد و کار برای مدتی تعطیل شد. نقطه مثبت این مکان، هم‌جواری با رعد بود اما برای چرخش اقتصادی رستوران، کافی نبود.

تاسیس چنین رستورانی در کنار رعد، انتظار به‌کارگیری توانیابان برای کار را ایجاد می‌کند. این انتظار را پاسخ دادید و از بچه‌های رعد افرادی را به‌کار گرفتید؟
از ابتدا همین قصد را داشتم و تعدادی از بچه‌های دارای معلولیت را هم به کار

به عنوان یک کارفرما باید فرصت ورود به حوزه اشتغال برای توانیابان را ایجاد کنیم، ولی در قبال ایجاد این فرصت انتظاراتی هم داریم

تعدادی از زنان سرپرست خانوار، آشپزخانه‌ای دایر کرده بود که من هم گاهی با آنها همکاری می‌کردم. علاقه به این کار همیشه در من وجود داشت تا اینکه تصمیم گرفتم علاقه‌ام را با راه‌اندازی یک رستوران دنبال کنم. با آشنایی که با آقای علاقه‌بند داشتم، ایده راه‌اندازی رستوران را با ایشان و مدیر عامل قبلی رعد، خانم پناهی

لطفا خودتان را معرفی کنید:

علی عطار، متولد سال ۶۱ هستم. کارشناسیم را در رشته علوم سیاسی، فوق لیسانس را در رشته مدیریت کارآفرینی و دکترای مدیریت را از دانشگاه تهران گرفتم. خواستگاه شغلی من سینما بود. از کودکی تا نوجوانی، داور جشنواره کودک در اصفهان بودم. در روزنامه‌های محلی و مجله چلچراغ هم درمورد سینما مطلب می‌نوشتم. از سال ۸۱-۸۲ وارد حوزه فیلم‌سازی شدم و تا سال ۸۸ دستگیری فیلم و سریال‌های بسیاری را برعهده گرفتم. فیلم‌های کوتاه و بلند بسیاری هم برای جشنواره‌ها ساختم. در سال ۹۴ مدیر بازاریابی و تبلیغات شرکت صنایع شیرایران شدم و مدتی در آن شرکت مشغول به کار بودم.

با همه این تغییر در تحصیلاتتان، چه شد که به فکر تاسیس یک رستوران افتادید؟

از همان دوران کودکی و قبل از ورود به سینما، به آشپزی علاقه داشتم. مادر من مدت زیادی در اصفهان با همکاری



گرفتم، ولی فعالیت اقتصادی، منطق خودش را دارد. اگر معلولیت کارمند، باعث ایجاد حس ترحم در مشتری شود، صحیح نیست. قبول دارم که افراد دارای معلولیت باید در جامعه و در کنار سایرین حضور داشته و کارکنند ولی درست نیست که شائبه استفاده ابزاری از این افراد در مشتری ایجاد شود. از نظر من این که فردی با ویلچر پشت صندوق بنشیند، ایرادی ندارد ولی هنوز به دلیل نبودن فرهنگ‌سازی مناسب در این مورد، مشتری ترجیح می‌دهد که در جایی غذا بخورد که دلش برای کسی نسوزد و غمگین نشود. تغییر در این نگاه، وظیفه من و وظیفه رستوران من نیست. فرهنگ‌سازی باید از زمان کودکی شروع شود که افراد از روی ظاهرشان قضاوت نشوند. متأسفانه هیچ آموزشی عمومی در حوزه افراد دارای معلولیت وجود ندارد و این در حالیست که از رسانه‌های عمومی مثل تلویزیون هم، به بدفهمی‌هایی دامن زده که معلولیت، عقوبت کارهای بد افراد است. روی دیگر سکه هم انتظارات نابه‌جای بعضی از افراد دارای معلولیت است که از معلولیت خود گاهی به عنوان ابزار استفاده می‌کنند. من کارفرما باید بپذیرم که کارمند دارای معلولیت ظرفیت کارکردنش، کمتر از هشت ساعت در روز است ولی خودش هم باید بداند که میزان حقوقش، به اندازه ساعتی است که کار می‌کند. این موضوعی است که باید دیده شود تا من کارفرما بتوانم با خیال راحت با دوستان دارای معلولیت وارد همکاری شوم.

تا کنون چند نفر از توانیابان را در رستوران دست به کار گرفتید؟

در شروع تعدادی از بچه‌های توانیاب از طریق رعد به ما معرفی شدند. اوایل که رستوران خلوت و فشار کار کم بود، مشکلی پیش نمی‌آمد ولی وقتی رستوران رونق گرفت و فشار کار زیاد شد، در همکاری با این بچه‌ها به مشکل برخوردیم، چون آنها توان پاسخگویی به انتظارات را نداشتند. در شروع بیشتر مشتریان رستوران، از آشنایان بودند ولی با رونقی که ایجاد شد، مشتریان افزایش پیدا

توانیابان، هم به آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی و هم به بالا بردن ظرفیت مواجهه با بحران نیاز دارند

کردند و این رستوران تبدیل به یک مکان عمومی شد.

بچه‌های رعد در چه حوزه‌های در این رستوران به کار گرفته شدند و چه تجربه‌ای از کار با آنها به دست آوردید؟

هر کدام از بچه‌هایی که از طریق رعد معرفی شدند، با توجه به توانایی و علاقتشان در جایی مشغول شدند. یکی از بچه‌ها امیرحسین بود که با برادرش به ما معرفی شد. برادرش مدت کوتاهی با ما همکاری کرد و بعد به عنوان نگهبان شب در جای دیگری استخدام شد و رفت. به امیرحسین آموزش‌هایی داده شد و او را در سالن رستوران به کار گرفتیم. او از ناحیه پا مشکل داشت ولی والیبالیست و علاقمند به ورزش بود. او مدتی، هم در آشپزخانه و هم در سالن کار می‌کرد ولی زود خسته می‌شد و باید در حین کار، استراحت می‌کرد. کم‌کم با بقیه پرسنل، مشکل پیدا شد که چرا او می‌نشیند و ما باید کار او را انجام دهیم. من با او مدارا می‌کردم که هم، اعتماد به نفس پیدا کند و هم مستقل شود. من از امیرحسین بدون این که با کسی مقایسه‌اش کنم راضی بودم، بیمه‌اش کردم و حقوق وزارت کار به او می‌دادم. ولی او با این فکر که اگر تمرکزش را روی ورزش بگذارد، درآمد بالاتری خواهد داشت، از پیش ما رفت. متأسفانه توهم و دور بودن بچه‌ها از واقعیت، به آنها ضربه می‌زند. امیرحسین رفت و دوباره بعد از سه ماه برگشت ولی می‌خواست

که سه چهار روز در هفته برای تمرین والیبال سر کار نیاید. از او خواستم، بعد از تمرین بیاید سرکار که گفت، بعد از تمرین خسته‌ام و نمی‌توانم کار کنم. من هم نمی‌توانستم فرد دیگری را به جای او برای سه روز در هفته استخدام کنم. این چالش‌ها وجود داشت تا اینکه به دلیل کرونا تمرین‌های ورزشی او کم شد و تمام وقت به سر کار برگشت. مدتی کار کرد تا محرم و صفر شد. من به پرسنل گفته بودم برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی، به هیات‌های عزاداری که تجمع جمعیت در آنها زیاد است نروند. امیرحسین به هیات رفت و به کرونا مبتلا شد و دیگر سرکار نیامد. یکی دیگر از بچه‌ها رضا بود که داخل آشپزخانه کار می‌کرد. او هم چند بار ترک کار کرد و دوباره برگشت. از ناحیه پا مشکل داشت و راه رفتن کمی برایش سخت بود. مشکلی که با او داشتیم این بود که می‌خواست سه روز آخر هفته را مرخصی بگیرد و به شهرستان برود در حالی که اوچ کار ما سه روز آخر هفته است. او هم هر چند وقت یک بار کار را رها می‌کرد و بعد دوباره پشیمان می‌شد و برمی‌گشت. بار آخر به او گفتم اگر این دفعه بروی و بعد پشیمان شوی، دیگر قبولت نمی‌کنم. او رفت و دوباره برگشت که قبولش نکردم. وقتی فردی در جایی استخدام می‌شود، باید احساس مسئولیت کند و بداند که روی نقش او حساب می‌شود. باید بداند که برخوردهای غیر مسئولانه، به فعالیت اقتصادی لطمه می‌زند. دوست دیگری هم بواسطه رعد به ما معرفی شد که مشکل دوقطبی داشت. او درمان شده بود و بسیار آرام و بی‌حاشیه بود ولی چند بار در محیط کار تشنج کرد که با مرکز رعد و با دکترش تماس گرفتیم و به او دارو دادیم. چند بار دیگر هم حالش بد شد و خودش با ما قطع رابطه کرد. یکی دیگر از بچه‌ها که مشکل شنوایی داشت، در ظرفشویی کار می‌کرد. او با یکی از پرسنل آشپزخانه رعد، درگیر شد و پس از مدتی رفت. به هر حال ما از همکاری با افراد دارای معلولیت که از رعد به ما معرفی شدند، استقبال کردیم ولی تاکنون نتیجه مورد



نظرمان را نگرفتیم.

شما به عنوان یک کارفرما علاقه دارید که افراد دارای معلولیت را به کار بگیرید. چه توصیه‌ای به بچه‌های توانیاب دارید و آنها چه مهارت‌هایی را باید در خود تقویت کرده تا بتوانند در محیط‌های کار موفق باشند؟ آنها دو مسئله را باید مورد توجه قرار دهند. یکی این که خودشان و توانایی‌شان را باور کنند و دیگر این که که واقع‌بین باشند. تلاش برای حضور در جامعه یک طرف قضیه است و طرف دیگر، واقع‌بینی است. باید ببینند که چه کاری را می‌توانند انجام دهند و سعی کنند در آن کار، بهترین باشند. این نکته برای همه افراد، چه معلولیت داشته و چه تندرست باشند، صدق می‌کند. به عنوان یک کارفرما موظفم فرصتی برای توانیابان ایجاد کنم، ولی در قبالت انتظار دارم که آنها هم اصول اولیه در کار را رعایت کنند. بچه‌های توانیاب باید به خودباوری واقع‌گرایانه برسند. البته من کارفرما هم نباید انتظارات بی‌جا از یک توانیاب داشته باشم. هر کسی باید توانایی‌ها و ناتوانی‌های خود را بشناسد و بر مبنای آن حرکت کند. من مشکلات و محدودیت افراد توانیاب را می‌پذیرم، ولی باید به زبان مشترکی برسیم، نه من با ترجمه به او نگاه کنم و نه او در محیط کار، جلب ترجمه کند. این جاست که نقش مشاور شغلی و تیم حمایتی اهمیت پیدا می‌کند. در مواردی می‌بینم که مربیان شغلی، با حمایت‌های غیر منطقی به توهم فرد دامن می‌زنند که باعث حذف او از محیط کار می‌شود.

اگر بخواهید چالش‌های اشتغال افراد دارای معلولیت را بشمارید، به چه مواردی تاکید می‌کنید؟

نیاز این افراد، کسب آمادگی لازم

به نظرم برای رسیدن به اشتغال پایدار، باید مثلث کارفرما، مربی شغلی و توانیاب ایجاد شود که اگر بحرانی در کار برای توانیاب بوجود آمد، قبل از همه مربی شغلی باخبر شود

شود و مشکل را بررسی کند. مشکل در طول یک دوره زمانی ایجاد می‌شود و این وظیفه مربی شغلی است که وقتی انگیزه فرد کاهش پیدا کرد، از شرایط او با خبر و با کارفرما برای حل مشکل گفت‌وگو و به او برای چگونگی برخورد صحیح آموزش دهد، نه این که وقتی ترک کار صورت گرفت، مزایای توانیاب را درخواست کند.

به نظر شما چرا معمولاً کارفرمایان در جامعه ما نسبت به پذیرش افراد دارای معلولیت به کار مقاومت می‌کنند؟

چون کار راحتی نیست، وقتی کارفرما توانیابی را به کار بگیرد، از روز اول با مشکلات او هم درگیر می‌شود. ساده‌ترین مثال این که وقتی برف بیاید، آمدن به سرکار برای این افراد دشوار است. در شرایطی که کارفرما با هزاران مشکل مانند؛ گرانی مواد اولیه، اجاره محل، مالیات و غیره روبروست، ترجیح می‌دهد خود را درگیر مشکلات این افراد نکند. در کشور ما استخدام افراد دارای معلولیت، فایده مادی و مالیاتی هم برای کارفرما ندارد. ولی وقتی بحث مسئولیت اجتماعی مطرح می‌شود، همه ما موظفیم احساس مسئولیت کنیم و افراد دارای معلولیت را به کار بگیریم. اگر کسی به من معرفی شود که بتواند و بخواهد کارش را درست انجام دهد، با کمال میل قبولش می‌کنم چون دیواری در ذهنم بین افراد توانیاب و تندرست نکشیده‌ام.

و سخن آخر:

برای من خیلی جذاب است که بچه‌ها به راحت می‌توانند به کافه بیایند. چون محیط رستوران مناسب‌سازی شده‌است و آنها راحت می‌توانند با ویلچر بیایند و بروند. من این بچه‌ها را دوست دارم واز دیدنشان لذت می‌برم.

برای نقش‌پذیری است. توانیابان، هم به آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی و هم به بالا بردن ظرفیت مواجهه با بحران نیاز دارند. اینها مواردی است که مربی شغلی قبل از معرفی فرد به محیط کار، باید به او آموزش دهد. افراد قبل از شروع به کار باید با قوانین و مقررات آن آشنا شوند. دومین مسئله که در اشتغال توانیابان باید به آن توجه شود، عدم ایجاد یک جهان متمایز برای آنها است. این افراد باید با واقعیت‌ها مواجه شوند و توانایی و محدودیت خود را بشناسند و نسبت به شرایط و توانایی خود واقع‌بین باشند. به کارفرمایان هم توصیه می‌کنم که برای استفاده ابزاری از این افراد، آنها را استخدام نکنند و به دنبال گرفتن وام و ندادن مالیات و ... نباشند. دولت باید چنین حمایت‌هایی را در نظر بگیرد، ولی این که کارفرما با نیت نیروی کار ارزان، بیمه و حقوق کمتر این افراد را به کار گیرد، درست نیست. به نظرم برای رسیدن به اشتغال پایدار، باید مثلث کارفرما، مربی شغلی و توانیاب ایجاد شود که اگر بحرانی در کار برای توانیاب بوجود آمد، قبل از همه مربی شغلی باخبر



چالش‌های اشتغال افراد دارای معلولیت^۱

سعید ضروری، فعال مدنی در حوزه معلولیت

در پنج دهه اخیر چالش‌های اشتغال افراد دارای معلولیت همواره ثابت مانده و آنها با وجود توانایی‌های بی‌شمار، همیشه در رقابت کاری با افراد تندرست قرار داشته‌اند. افراد دارای معلولیت در یافتن کار مناسب با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند و نداشتن اطلاعات کافی در مورد این چالش‌ها و موانع، منجر به هدایت و اجرای سیاست‌های کاری نادرست و افزایش بی‌کاری آنها می‌شود. میزان بی‌کاری افراد دارای معلولیت، بیشتر از سایر افراد است. اگر چه تخمین مقدار آن به دلیل تفاوت در مقیاس و تعاریف مختلف، متفاوت است اما عموماً میزان بی‌کاری معلولان نسبت به افراد غیر معلول تا سه برابر تخمین زده می‌شود (برسکوت-کلارک ۱۹۹۰؛ برتود و دیگران ۱۹۹۳).

شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد دارای معلولیت، خود اشتغالی را نسبت به کار برای کارفرما و سایر ارگان‌ها ترجیح می‌دهند اما آنچه که لازم است به آن اشاره شود، این موضوع است که افراد معلول به واسطه اشتغال ناقص و دریافت مشاغل با رده و درآمد پایین همواره با انواع محرومیت‌ها مواجه هستند (بارنس ۱۹۹۱).

تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که معلولیت دارند، معمولاً یک چهارم افراد غیر معلول در شرایط کاری برابر حقوق می‌گیرند که ارتباط مستقیم با شدت معلولیت آنها نیز دارد (برتود و دیگران). ابعاد دیگر اشتغال ناقص افراد دارای معلولیت نبود مزایای کار، استفاده نکردن از مهارت‌های آنها و آموزش در هنگام کار است. در پاسخ به مشکلات و چالش‌های پیش‌روی افراد دارای معلولیت، سیاست‌ها و قوانین متعددی تصویب شده ولی بر اساس شرایط اجتماعی فرهنگی موجود، بیشتر افراد دارای معلولیت به خود اشتغالی یا اشتغال ناقص، کار پاره وقت و ... روی می‌آورند.

مطالعاتی در انگلستان نشان داده که افراد دارای معلولیت نسبت به افراد غیر معلول به دلیل انگیزی‌های غیر مادی، خود اشتغالی را انتخاب می‌کنند (النا گوسکوا ۲۰۱۲) چون می‌خواهند انعطاف لازم در انتخاب محل و ساعات کار و استقلال در کار را داشته‌باشند، برای همین خود اشتغالی اولین گزینه آنهاست (لامبراد ۲۰۰۱).

از دیگر دلایل افزایش میل به خوداشتغالی، ممکن است شرکت Dupont Corporation، از شرکت‌هایی بود که عملکرد کارمندان دارای معلولیتش را در طی ۳۰ سال بررسی کرد و بطور رسمی اعلام کرد که کارمندان دارای معلولیت در مقایسه با سایر کارمندان از نظر حضور در محل کار، رعایت ایمنی و عملکرد کاری بهتر از بقیه بوده‌اند. گزارش‌های متعدد دیگری در سراسر دنیا، نتایج مشابهی را نشان داده‌اند. شرکت‌هایی که نتوانسته‌اند از تلفیق در نیروهای خود استفاده کنند، به دلیل تصویرهای نادرست، نداشتن اطلاعات کافی و بوده‌است.

با توجه به عدم مناسب‌سازی بسیاری از محیط‌های کاری و عدم توجه به قانون سه درصد استخدام معلولان در دستگاه‌های دولتی که معمولاً رسماً توسط برخی از ادارات دولتی، زیر پا گذاشته می‌شود و نداشتن برنامه‌ای منسجم برای خود اشتغالی افراد دارای معلولیت متناسب با مهارت‌ها و توانایی‌های آنها، نمی‌توان انتظار داشت که کاستی‌های فرهنگی جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت در آینده‌ای نزدیک اصلاح شود.

شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد افراد دارای معلولیت، خود اشتغالی را نسبت به کار برای کارفرما و سایر ارگان‌ها ترجیح می‌دهند اما آنچه که لازم است به آن اشاره شود، این موضوع است که افراد معلول به واسطه اشتغال ناقص و دریافت مشاغل با رده و درآمد پایین همواره با انواع محرومیت‌ها مواجه هستند (بارنس ۱۹۹۱).

تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که معلولیت دارند، معمولاً یک چهارم افراد غیر معلول در شرایط کاری برابر حقوق می‌گیرند که ارتباط مستقیم با شدت معلولیت آنها نیز دارد (برتود و دیگران). ابعاد دیگر اشتغال ناقص افراد دارای معلولیت نبود مزایای کار، استفاده نکردن از مهارت‌های آنها و آموزش در هنگام کار است. در پاسخ به مشکلات و چالش‌های پیش‌روی افراد دارای معلولیت، سیاست‌ها و قوانین متعددی تصویب شده ولی بر اساس شرایط اجتماعی فرهنگی موجود، بیشتر افراد دارای معلولیت به خود اشتغالی یا اشتغال ناقص، کار پاره وقت و ... روی می‌آورند.

مطالعاتی در انگلستان نشان داده که افراد دارای معلولیت نسبت به افراد غیر معلول به دلیل انگیزی‌های غیر مادی، خود اشتغالی را انتخاب می‌کنند (النا گوسکوا ۲۰۱۲) چون می‌خواهند انعطاف لازم در انتخاب محل و ساعات کار و استقلال در کار را داشته‌باشند، برای همین خود اشتغالی اولین گزینه آنهاست (لامبراد ۲۰۰۱).

از دیگر دلایل افزایش میل به خوداشتغالی، ممکن است

۱- تلخیصی از مقاله چالش‌های اشتغال افراد دارای معلولیت



پرونده این شماره نشریه توانیاب، اشتغال است. برای تهیه مطلب به سراغ افرادی چون کارآفرینان و کارفرمایان رفتیم که از خودشان، حوزه فعالیتشان و انتظاراتشان از کارمندان دارای معلولیتی که مشتاق همکاری با آنها هستند، بگویند. با دو نفر از توانیابان موفق در حوزه اشتغال؛ سارا گرشاسبی و مهدی صداقت هم گفت‌وگو کردیم تا آنها هم از خودشان و از مسیری که در حوزه اشتغال طی کردند، حرف بزنند.



برخوردی که با بقیه شرکتها متفاوت است

سارا گرشاسبی، هفت سال است که با شرکت چارگون همکاری می‌کند. او در آغاز در بخش خیریه این شرکت مشغول بود و حالا در حوزه منابع انسانی مشغول است. سارا در رشته روانشناسی بالینی تحصیل کرده و دیپلم کامپیوتر و حسابداری را هم از دانشگاه فنی حرفه‌ای مجتمع رعد گرفته‌است. او دوره‌هایی چون؛ اکسل و فتوشاپ را در کلاس‌های رعد گذرانده‌است. او از سال ۹۰ تا ۹۳ با مدرسه‌ای تحت عنوان مسئول شبکه‌های اجتماعی و مدیریت نرم‌افزار آموزشی همکاری داشته‌است.



سارا با شرکت چارگون در دوره‌هایی که این شرکت با عنوان "آینده بهتر"، با هدف آشنایی با بازار کار در مجتمع رعد برگزار کرد، آشنا شد و بعد از گذراندن این دوره و فرستادن پیشینه کاری، از طرف چارگون برای همکاری در حوزه خیریه این شرکت دعوت به کار شد. او بعد از پنج سال فعالیت در این حوزه، تصمیم به ارتقای موقعیت شغلی خود گرفت و پس از موافقت مدیران، در دفتر مدیریت منابع انسانی، مشغول به کار شد. به نظر او خودباوری و عزت نفسی که در کلاس‌های آموزشی رعد به دست آورد، در ورود او به حوزه اشتغال و پیشرفتش در این حوزه، بسیار موثر بوده‌است. به گفته خودش، قبلاً به خاطر رفتارهای منفی از طرف جامعه، اعتماد به نفس اندکی داشت و از حضور در فضاهای عمومی پرهیز می‌کرد اما معتقد است افرادی که محدودیت‌های جسمانی دارند، نباید روی نقاط ضعف خود تکیه کرده و خود را از ورود به جامعه محروم کنند. آنها باید محدودیت‌های خود را پذیرفته و برای حضور فعال در جامعه تلاش کنند. البته او شاهد رفتارهای نامناسبی از افراد دارای معلولیت در محیط کار که باعث پشیمانی کارفرما از استخدام آنان شده، هم هست. به گفته او، بعضی از دوستان از زیر بار مسئولیت فرار کرده و انتظار ارفاق در محیط کار را دارند که نهایتاً منجر به حذفشان می‌شود. او از کارفرماها انتظار مناسب‌سازی در محیط کار و ایجاد تسهیلات در رفت و

آمد کارمندان دارای معلولیت را دارد و می‌گوید: تعداد کارفرماهایی که درک درستی از معلولیت و نحوه رفتار صحیح با کارمندان دارای معلولیت خود دارند کم است، ولی آنهایی که این موضوع را درک می‌کنند هم گاهی از طرف کارمندان دارای معلولیت اذیت می‌شوند. این مشکلات در زمینه اشتغال معلولان وجود دارد.

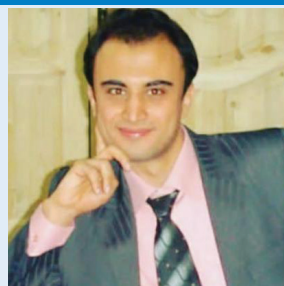
سارا از محیط کار خود بسیار راضی است و می‌گوید: شانس من این است که در محیط کارم، هم از لحاظ فیزیکی و هم از لحاظ انسانی بسیار مناسب است و ارتباط خوبی با کارفرما و همکارانم دارم. اگر مشکلی هم در محیط کار برایم پیش بیاید، با مسئول صحبت کرده و سعی در رفع آن می‌کنم. هیچوقت از موضع ضعف به مشکلاتی که برایم پیش می‌آید، نگاه نمی‌کنم و همیشه قائل به تفاوت میان افراد مختلف هستم. او ادامه می‌دهد، رفتار مسئولان شرکت چارگون، با کارمندان دارای معلولیت خود با بقیه شرکت‌ها کاملاً متفاوت است، بسیار انسانی است و روی توانایی‌های آنها تمرکز می‌کند. در زمان استخدام هم اصلاً به تفاوت‌های فردی و ظاهری آنها توجه نمی‌کند و مسیر پیشرفت را برای آنها فراهم می‌کند. همه ما با رفتارهای تبعیض‌آمیز و ترحم‌آمیز در محیط‌های کاری روبه‌رو بوده‌ایم ولی در چارگون این نگاه‌ها اصلاً وجود ندارد. در چارگون، گاهی وظیفه‌ای را به من محول کردند که به نظر خودم، فراتر از توانایی‌هایم بود، اما صبوری کردند، فرصت آزمون و خطا را به من دادند تا بالاخره موفق شدم.

سارا در ادامه به نقش خانواده در موفقیت فرزند دارای معلولیت خود در محیط کار اشاره می‌کند و دلسوزی و ترحم بیش از حد و انتظارات ناصحیح بعضی از آنها از محیط کار را موجب حذف فرزندانشان می‌داند. او ادامه می‌دهد: خوشبختانه من از خانواده روشنفکری برخوردارم و پدر و مادر هیچگونه تبعیض مثبتی نسبت به من قائل نشدند، به همین دلیل من هیچوقت انتظار دریافت امتیاز بیشتری را نداشتم. توصیه من به خانواده‌ها این است که شرایط معلولیت فرزندانشان را بپذیرند، رفتار ترحم‌آمیز با آنها نداشته و آنها را معمولی بزرگ کنند.

او در خاتمه می‌گوید: رعد به ما یاد داد خود را باور کنیم، مستقل باشیم، روی پای خود ایستاده و توقع ترحم از دیگران نداشته باشیم.

هم آنها مرا درک می‌کنند و هم من آنها را

مهدی صداقت مقدم، کارشناس رشته فناوری اطلاعات (IT) است. او در زمینه فناوری اطلاعات (IT و SEO) در شرکت رهوب (Rahweb) مشغول به کار است. مهدی از سال ۸۵ تا ۹۰ مسئول دفتر یک شرکت بزرگ ساختمانی بوده و مدتی هم در عسلویه و دبی مشغول به کار بوده است. او در سال ۹۰ بعد از تعدیل نیرو، از شرکت خارج شد و بعد از آشنایی با مجتمع رعد، با معرفی رعد در شرکتی به عنوان اپراتورها و سرویس‌های ارزش افزوده روی موبایل همکاری کرد. وقتی در اوایل سال ۹۹ این شرکت هم تعطیل شد، از طریق رعد با شرکت رهوب آشنا و در حال حاضر در حوزه فناوری اطلاعات در این شرکت مشغول به کار است. او می‌گوید: مدیرعامل شرکت رهوب، کلاس‌هایی با موضوع فناوری اطلاعات را در رعد برگزار کرد و بعد از گذراندن این دوره، پیشنهاد همکاری به من داد.



مهدی در محیط کار با مدیر و همکارانش مشکلی نداشته و می‌گوید: نه آنها به دید ترحم‌آمیز با من برخورد می‌کنند و نه من از شرایط سوء استفاده کرده و وظایفم را برگردن بقیه می‌اندازم، هم آنها مرا درک می‌کنند و هم من آنها را. او به افرادی که خود و توانایی‌هایشان را باور ندارند و همیشه منتظر کمک از طرف سایرین هستند، انتقاد دارد و می‌گوید: فردی که معلولیت دارد باید با نشان دادن توانایی‌های خود جامعه را مجاب کند که به جای نگاه کردن به نقص و مشکل جسمی که خودش در بوجود آمدنش دخیل نبوده، به توانمندی‌های او نگاه کنند. مهدی صداقت ادامه می‌دهد: اگر خودمان به خودمان احترام گذاشته و خودمان را کمتر از دیگران نبینیم، دیگران هم به همین گونه به ما نگاه خواهند کرد. یکی از دلایلی که بعضی از دوستان در محیط کار با دیگران به مشکل برمی‌خورند، خودباوری پایین آنها و ناتوانی در ایجاد ارتباط مناسب با محیط است. او به نقش موثر مربی شغلی اشاره می‌کند و می‌گوید: افراد دارای معلولیت وقتی در جایی مشغول بکار می‌شوند، نیاز به کسی دارند که در صورت وجود مشکل در محیط کار بتواند با او صحبت کرده و برای حل مشکل از او مشورت بگیرند. مربی شغلی می‌تواند تعامل بین فرد و کارفرما را برقرار کند. مهدی در محیط کار با مشکلی روبه‌رو نبوده ولی از مربیان شغلی خودش، آقایان قریشی و خانی و خانم جمعه‌زاده در پیگیری کارهایش، سپاسگزار است.



رعنا ایمانی، مدیر روابط عمومی گروه مالی فیروزه است. او قبل از شروع به کار در شرکت فیروزه، از همیاران رعد بوده و اشتغال افراد دارای معلولیت در این شرکت، از دغدغه‌های اوست.



مدیر روابط عمومی شرکت فیروزه؛

از همکاری با توانیابان استقبال می‌کنیم

آیا افراد دارای معلولیت هم در شرکت فیروزه مشغول به کار شده‌اند، در این همکاری با چه چالش‌هایی روبه‌رو شدید؟

ما دو تجربه کاری با افراد دارای معلولیت در مجموعه خود داشتیم. به نظر من بزرگ‌ترین مشکل افراد دارای معلولیت، پیدا کردن کار مناسب و داشتن انتظارات منطقی از محیط کار است. هر کارفرمایی انتظار پیشبرد اهداف سازمانی خود توسط کارمندان و همکارانش را دارد. ولی بعضی از افراد دارای معلولیت، انتظار یک سری امتیازات ویژه در محیط کار را دارند. مثلاً شرکت فیروزه، برای کارآموزی در واحد روابط عمومی که برای آشنایی با محیط کار بود، سه روز در هفته را تعیین و از افراد دارای معلولیت از طریق مرکز رعد دعوت کرد. افرادی از توانیابان که محدودیت‌های شدیدی نداشتند، به ما معرفی شدند. ولی هیچ‌کدام از آنها از حضور در شرکت

در حوزه مسئولیت اجتماعی، تمرکز ما بر اشتغال افراد دارای معلولیت، هم به عنوان کارفرما و هم به عنوان همکار در بخش‌های مختلف است

شرکت فیروزه علاوه بر این که اسپانسر رویدادهای مختلف رعد بوده، اپلیکیشنی را هم با کمک واحد روابط عمومی رعد، برای معرفی محل‌های مناسب‌سازی در سطح شهر تهران تهیه کرد. این شرکت، در راه‌اندازی پروژه آموزش آنلاین هم با رعد همکاری داشت.

خودتان را معرفی کنید و از آشنایی خود با موسسه رعد بگویید؟
رعنا ایمانی، مدیر روابط عمومی گروه مالی فیروزه و کارشناس ارشد بازرگانی و دانشجوی دکترای مدیریت آموزش عالی هستم. شرکت فیروزه در بحث سرمایه‌گذاری در حوزه استارت‌آپ‌ها و سرمایه‌گذاری‌های غیر بورسی در حوزه صنعت و کشاورزی فعالیت دارد. در حوزه مسئولیت اجتماعی، تمرکز ما بر اشتغال افراد دارای معلولیت، هم به عنوان کارفرما و هم به عنوان همکار در بخش‌های مختلف است. من قبل از شروع به کار در شرکت فیروزه با موسسه رعد آشنا بودم و در جریان فعالیت‌هایش قرار داشتم. بعد از ورود به واحد روابط عمومی گروه فیروزه، به همراه آقای روزبه پیروز (مدیرعامل شرکت) که عضو هیات امنای مجموعه رعد هم هستند، رویکرد مسئولیت اجتماعی را در حوزه افراد دارای معلولیت تعریف کردیم.



برای گذراندن این دوره استقبال نکردند، چون ترجیح می‌دادند دورکار باشند. گرچه دورکاری به دلیل شرایط کنونی، رواج پیدا کرده اما نیاز است که افراد با فضای واقعی کار از نزدیک آشنا شده و جدیت آن را درک کنند. حاضر شدیم برای افراد دارای معلولیت به جای هفته‌ای سه روز، هفته‌ای دو روز کارآموزی بگذاریم، ولی باز هم مورد استقبالشان قرار نگرفت.

آیا مشکل اصلی این افراد، رفت و آمد به شرکت نبود؟

خیر. بیشترین مشکل، انتظارات غیر منطقی آنها از محیط کار بود. یکی از آنها از طریق رعد به عنوان کمک حسابدار به ما معرفی شد و چند ماهی هم با ما همکاری کرد، محیط کار را به رسمیت نمی‌شناخت و بیشتر وقتش را به جای تمرکز بر انجام وظیفه، به صحبت با دیگران می‌گذراند و انتظار داشت به دلیل معلولیت، این رفتارش نادیده گرفته شود. ما این تفاوت را قائل شده بودیم که بعد از چند ساعت کار، نیم ساعت استراحت کند ولی انتظار رعایت استانداردهای لازم را هم داشتیم. چون مایل به ادامه همکاری بودیم، او را به بخش دیگری فرستادیم، ولی در آن بخش هم کارآمد نبود و در نهایت منجر به قطع همکاری شد.

آیا خودتان از رعد درخواست نیرو کرده بودید؟

بله. ما درخواست کردیم و بیست و شش نفر از کارآموزان رعد به ما معرفی شدند. از میان آنها یک نفر با توجه به رزومه و مصاحبه، در بخش حسابداری به عنوان کمک حسابدار پذیرفته شد که متأسفانه تجربه موفقی نبود. آنچه افراد بصورت تئوری در دانشگاه یاد می‌گیرند با کار عملی در محیط کار، متفاوت است و تا وقتی که فرد وارد محیط اشتغال نشود، متوجه این تفاوت نمی‌شود.

قرار است یک مرکز تماس تلفنی (call center) در حوزه بازاریابی در شرکت فیروزه راه‌اندازی شود، در این صورت می‌توانیم از کارآموزان رعد بصورت دورکاری استفاده کنیم

با توجه به این که این فرد از طرف رعد به شما معرفی شده بود، آیا هیچگونه آموزشی به شما، در مورد چگونگی رفتار با این بچه‌ها داده شده بود؟

خیر. هیچ آموزشی که با یک فرد دارای معلولیت چگونه باید رفتار کنیم، داده نشد. این وظیفه مربی شغلی است که به کارفرما در مورد انتظارش از چنین فردی آموزش دهد. چیزی که در همکاری با این بچه‌ها به آن رسیده‌ام این است که به دلیل مشکلاتی که از کودکی یا بعدها با آن مواجه شده‌اند، کمی حساس و طلبکار بار می‌آیند و در مواجهه با کوچک‌ترین مشکل، آن را به معلولیت خود ربط داده و خیلی زود قهر می‌کنند. البته نقش خانواده‌ها را هم نباید نادیده گرفت. به همین دلیل معتقدم که معلولیت در ذهن آدم‌هاست، نه در جسم آنها.

آیا باز هم به دنبال جذب نیرو از افراد دارای معلولیت هستید؟

بله. مجدداً برای کارآموزی در واحد روابط عمومی، درخواست دادیم و رزومه‌هایی هم از فارغ‌التحصیلان پروژه کارساز برایم فرستاده شد. با یکی از آنها گفت‌وگو کردم ولی او هم، کار آنلاین را ترجیح می‌دهد. به او پیشنهاد حضور در محیط کار دوروز در هفته به جای پنج روز را دادیم که هنوز جواب نداده‌است. شرکت کردن در دوره‌های کارآموزی،

برای یادگیری است و دستمزدی به آن تعلق نمی‌گیرد ولی ما برای جبران هزینه رفت و آمد کارآموزان، مبلغی هم به آنان پرداخت می‌کنیم.

آیا این امکان وجود دارد که دوره کارآموزی این دوستان هم آنلاین انجام شود؟

می‌توان بخشی از کار به صورت دورکاری و آنلاین انجام شود ولی نیاز است که این افراد دو روز در هفته به عنوان کارآموزی در محل حضور داشته‌باشند و با قوانین کار از نزدیک آشنا شوند. تا جایی که بتوانم سعی می‌کنم ساعات حضوری این افراد را تقلیل دهم، ولی نمی‌توانم آنلاین با آنها مصاحبه کرد و گذراندن دوران کارآموزی در محل کار، الزامیست.

ممکن است که تمایل بچه‌ها به دورکاری، به دلیل شیوع بیماری کرونا و مشکل آنها در رفت و آمد باشد، چون بسیاری از آنها علاقمند به حضور در جامعه به بهانه اشتغال هستند؟

این موضوع را درک می‌کنم که در دوران کرونا، استفاده از وسایل نقلیه عمومی، خطرناک است و در ترجیح آنها به دورکاری موثر است. قرار است یک مرکز تماس تلفنی (call center) در حوزه بازاریابی در شرکت فیروزه راه‌اندازی شود، که در این صورت می‌توانیم از کارآموزان رعد بصورت دورکاری استفاده کنیم. همیشه در برنامه ریزی‌هایمان افراد دارای معلولیت را در نظر گرفته و سعی می‌کنیم از کارآموزان مجموعه رعد استفاده کنیم.

به نظر شما چرا معمولاً کارفرماها نسبت به استخدام افراد دارای معلولیت مقاومت می‌کنند و کمتر تمایل به استخدام این افراد دارند؟
به نظر من علت عمده آن، عدم آگاهی کارفرماها نسبت به توانایی‌های این افراد است. چون این افراد در محیط‌های کاری کمتر دیده می‌شوند، خیلی از کارفرماها به



کردم تا بالاخره به جایی رسیدم که با من مثل افراد عادی رفتار کردند. من می‌خواهم بچه‌ها یاد بگیرند که فشارهای اجتناب‌ناپذیر در محیط کار را بتوانند مدیریت کنند و خود را پشت معلولیت پنهان نکنند. باید یاد بگیرند که یک‌سری سخت‌گیری‌ها و فشارها در محیط کار برای همه افراد چه تندرست باشند و چه معلولیت داشته‌اشند وجود دارد و باید بتوانند با آن کنار بیایند.

توصیه شما به دوستان دارای معلولیت چیست؟

من چند توصیه کوچک دارم؛ یکی این که استفاده از تکنولوژی را خیلی خوب بیاموزند و دیگر اینکه ذهنشان را برای مستقل شدن آماده کنند و وقتی که وارد محیط کار می‌شوند، فقط به فکر کسب درآمد نباشد. مطمئناً در این شرایط سخت اقتصادی درآمدزایی از اولویت‌های زندگی همه ماست، ولی باید این ذهنیت را برای خود ایجاد کنند که باید کار کنند تا مستقل شوند. آغوش ما برای افراد دارای معلولیت همیشه باز است و خود را عضوی از مجموعه رعده می‌دانیم.

هم کارفرماها نیاز به آموزش در مورد چگونگی برخورد با توانتایان دارند و هم آنها قبل از ورود به محیط کار، نیاز به آموزش دارند

آموزشی برای بررسی چالش‌های محیط کار و مواردی که فرد دارای معلولیت باید با آن آشنا شوند و نیز اصولی که برای کارفرما مهم است، گذاشته شود. این کار مربی شغلی است که فرد دارای معلولیت را قبل از ورود به محیط کار آماده کند. البته بعضی از توانتایان هم هستند که به دلیل قابلیت‌ها و عزت نفسشان، دوست ندارند در محیط کار برایشان ارفاق قائل شوند. آنها دوست دارند مانند بقیه با آنها رفتار شود. یک نفر از افرادی که معلولیت داشت، نقل می‌کرد: من بارها کارم را عوض

این باور رسیده که این افراد توانایی انجام کار را ندارند. طبق قانون حمایت از حقوق معلولان در ایران، سه تا پنج درصد از استخدام‌های دولتی باید از بین افراد دارای معلولیت باشد و این درحالیست که خیلی از کارفرماها با این قانون آشنایی ندارند. خود من هم تنها جایی که فرد دارای معلولیتی را به عنوان کارمند دیده‌ام، بیمه سامان بود. پس برای من کارفرما، این موضوع ملموس نیست چون در این مورد، نه فرهنگ‌سازی و نه آگاهی‌رسانی انجام می‌شود. هم کارفرماها نیاز به آموزش در مورد چگونگی برخورد با توانتایان دارند و هم آنها قبل از ورود به محیط کار، نیاز به آموزش دارند. در اینجاست که نقش مربی شغلی اهمیت بسیاری دارد. مربی شغلی، هم می‌تواند اهداف و مقررات سازمانی را به فرد دارای معلولیت یادآور شود و هم، شرایط و رفتار مناسب با فرد دارای معلولیت را به کارفرما آموزش دهد.

چه پیشنهاد یا توصیه‌ای برای مجموعه رعده دارید؟

به نظرم بهتر است قبل از معرفی بچه‌ها به محیط کار، یک دوره

حمایت شغلی در خانواده

علیرضا قلیخانی

آرزوی داشتن زندگی مستقل و یا ازدواج و تشکیل خانواده. آنها هم مثل سایر افراد جامعه، به دنبال این خواسته‌ها هستند. اما برای بیشتر افراد دارای معلولیت، این خواسته‌ها به رویا تبدیل شده‌است. زیرا به دلیل نبودن فرهنگ‌سازی مناسب و وجود موانع شغلی و استخدامی، اغلب این افراد دچار گوشه‌گیری شده و به مرور زمان نا امید و افسرده می‌شوند و رفته رفته انگیزه زندگی را از دست می‌دهند و خودشان را فردی بی ارزش تلقی می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات افراد دارای معلولیت، خجالتی و یا کم‌رو بودن آنهاست که این امر سبب شده نتوانند شغلی برای خودشان ایجاد کنند. در اینجا است که حمایت خانواده و مشاوره روانشناسی می‌تواند بزرگ‌ترین کمک را به آنها برای رهایی از گوشه‌گیر بودن و خجالتی بودن کند.

در صورتی که خانواده شرایط ایجاد شغل را داشته‌باشند، بهتر است خودشان دست به کار شوند و در کنار فرزندشان شغلی را ایجاد کنند. آنها باید مهارت‌ها را خرد خرد به فرزندشان یاد بدهند و کم‌کم خودشان را کنار بکشند و فقط از دور نظارت کنند تا فرزندشان بتواند در نبود آنها مستقلاً به کار ادامه دهد. خیلی وقت‌ها خانواده‌ها وقتی که کاری را به فرزند دارای معلولیت خود می‌سپارند و او کار را درست انجام نمی‌دهد، عصبی می‌شوند و فریاد می‌کشند و کار را از او می‌گیرند. بهتر است آنها در کمال خونسردی و آرامش کار را بسپارند و چندین بار توضیح دهند و از گرفتن کار از دست او پرهیز کنند. واقعیت این هست که برای اشتغال باید در کنار فرزندان خود باشیم، آنها را حمایت کنیم و با حوصله و صبر آنها را آموزش بدهیم و رفته رفته خودمان کنار بکشیم تا مستقل شوند.

افراد دارای معلولیت بیشتر از هر شخص دیگری نیاز به حمایت خانواده دارند و خانواده در صورتی که شرایطش را داشته باشند، باید تلاش خود را برای خود اشتغالی فرزند دارای معلولیت خود انجام دهند.

اشتغال یکی از دغدغه‌های مهم این خانواده‌ها است و مهم‌ترین آرزوی این است که فرزندشان شاغل و صاحب زندگی مستقل شود.

افراد دارای معلولیت هم در آرزوی این هستند که شغلی داشته باشند و دستشان در جیب خودشان باشد اما معمولاً خانواده‌ها آنها را جدی نگرفته و به نیازهای آنها توجه نمی‌کنند. مثلاً زمانی که فرد دارای معلولیت درباره نیازش به شاغل بودن صحبت می‌کند، خانواده صدها دلیل برای مخالفت با او بیان می‌کنند، مثلاً می‌گویند: آدم‌های سالم بی‌کارن، تو کار می‌خواهی چیکار؟

این جمله شاید درست باشد که افراد سالم هم ممکن است بی‌کار باشند اما این را باید بدانیم که اگر افراد دارای معلولیت مشغول به کار نشوند، می‌تواند پیامدهای منفی هم برای خودشان و هم خانواده‌شان در آینده ایجاد کنند.

این در حالیست که خانواده شاهد وابستگی فرزند دارای معلولیت به خودشان هستند و این نگرانی آنها را تا لحظه فوتشان آزار می‌دهد.

نه تنها دولت، بلکه سایر سازمان‌های حمایتی و نیز خانواده‌های افراد دارای معلولیت، باید به فکر فراهم کردن بسترهای شغلی تا تا آنها در آینده دچار افسردگی و مشکلات روحی و روانی نشوند. مناسب باشند

اغلب افراد دارای معلولیت، آرزوهایی دارند؛ آرزوی داشتن شغل،



یلدا

شب یلدا شبی ست به بلندای تاریخ ایران باستان، به دل انگیزی اشعار حافظ و به شیرینی آرزوها. به سردی و تاریکی اش نگاه نکن، در انتظار طلوعی دوباره باش و آتشی در دل برپا کن به گرمی رویاهایت. اگر یک دقیقه بیشتر از هر شب کنار عزیزانت هستی، بیشتر بگو که دوستشان داری. یک دقیقه بیشتر دعا کن، چند لحظه بیشتر آرزو کن و بیشتر از هر شب ایمان داشته باش به خدایی که این شب طولانی را هم به صبح می‌رساند.

یلدا شبی بهاری است در دل زمستان، به روشنی و حرارت قلب‌های ایرانیان.

به قول ابوریحان بیرونی، «میلاد خورشید» است.

در این شب که انار را به نیت برکت و عشق دانه می‌کنند، تو هم عشق را به دانه‌های قلبت سرازیر کن. با پایان پاییز برگ‌های خشکیده‌ی دلت را جارو کن و منتظر دانه‌های زیبا و سفید برف بر صفحه‌ی زندگانی‌ات باش.

حرارت و گرمای تابستان را از دل هندوانه‌ها بگیر و از سرمای زمستان نترس.

یلدا با شعرهای حافظ شاعرانه‌تر می‌شود، با شاهنامه خوانی خاطره‌انگیزتر می‌شود، با سرخی دانه‌های انار زیباتر می‌شود، با روشن کردن آتشی، گرم‌تر می‌شود اما با کنار هم بودن است که یلدا، یلدا می‌شود. یلدا مبارک

#فاطمه_کهنانی



کاش فردا روز دیگری باشد!

نازنین رحیمزاده

عجب روزی است که شرط بودنمان، کنار هم نبودن است! در این روزگار جوانین ریاضی هم به هم خورده اند. اگر جمع شویم به جای زیاد شدن، کم می شویم!

کاش فردا جور دیگری باشد. آفتاب که می دمید، کز کز مغازه ها بالا برود، پیاده روها شلوغ شود و ماشین ها دنبال جای پارک بگردند.

کاش فردا سرنوشت جور دیگری رقم بخورد با آمدن صبح، مردم بدون ترس از ویروس، هوای صبحگاهی را تنفس کنند. به دیدار دوستان و اقوام بروند و عزیزان خود را با خیال راحت در آغوش بگیرند.

کاش فردا روز بهتری باشد روزی که سکوت بیمارستان ها به جای ناله مادران و همراهان در سوگ عزیزان خود، با صدای گریه نوزادان تازه متولد شده، بشکند.

کاش فردا روز دیگری باشد روزی باشد که پزشکان پرستاران از بیماری دور هم جمع شوند و چای بنوشند و مردم به ماسک و دستکش نیاز نداشته باشند.

کاش فردا جور دیگری باشد روزی باشد که تمام مشغلی که به دلیل شیوع کرونا تعطیل شده بودند، دوباره رونق بگیرند.

کاش سرنوشت جور دیگری نوشته شود روزی باشد که مثل گذشته وقتی دهان می گرفت، مهمانی می گرفتیم، مهمانی می رفتیم و با اشتیاق برای مسافرت آماده می شدیم. با خیال راحت به رستوران و ساندویچ فروشی می رفتیم غذا و ساندویچ می خوردیم.

کاش فردا جور دیگری باشد روزی باشد که دوباره صدای خنده و شادی دانش آموزان در مدارس بیجد. روزی باشد که دانشجویان سر کلاس بروند و دشوره کنفرانس جلسه بعد و نگران دفاع از پایان نامه خود باشند.

کاش فردا روز بهتری باشد روزی باشد که دوباره برایمان کثرت دعوت از عرواح بیاید و صدای بوق ماشین های عروس، گوش شهر را کز کند.

کاش فردا روز دیگری باشد روزی که مادران به جای دقتی برای دوری از فرزندان، بتوانند به دیدارشان بروند، آنها را در آغوش گرفته و بوسه بباران کنند.

کاش فردا سرنوشت جور دیگری رقم بخورد روزی باشد که جوانان از انزوا خارج شده و دلمردگی و دقتی ها را فراموش کنند و روزی باشد که همه ای کاش ها تمام شود زندگی، زیستن را از سر بگیرد.

ای کاش!!!





مدرس کلاس موتیف بافی؛

طهورا مدرکیان، مدرس کلاس موتیف بافی رعد است. او که تحصیل کرده رشته ریاضی کاربردی است، دوره های فنی حرفه ای در رشته های هنری را هم گذرانده است. مدرکیان از اواخر سال ۹۹ در پروژه یونیسیف و در بحث آموزش توانیابان، همکاری خود را با واحد آموزش رعد در زمینه آموزش های مجازی آغاز کرد.

تفاوت بین مربی و هنرجو فقط در تکرار آن کار است

بعد از چند جلسه مجازی، برای هنرجویان تندرست هم یک نیاز است و من در آموزشگاه خودم، بعد از چهار جلسه مجازی، یک جلسه دو ساعته حضوری جهت رفع اشکال برگزار می کنم. کارهای هنری، باید در عمل دیده شده و ایرادها برطرف شوند.

اگر بعد از چند جلسه مجازی، یک جلسه حضوری هم برگزار شود، عملکرد هنرجویان ارتقا پیدا می کند

مدت زمان ارائه هر کدام از این کلاس ها چند ساعت است؟

سرفصل هر کدام از این دروس، در ۴۶۰ ساعت که ۶۰ ساعت آن تئوری و ۴۰۰ ساعت عملی است، ارائه می شود. در جلسات حضوری، ایراد کار هنرجویان برطرف می شود.

آیا این پیشنهاد را با واحد آموزش مطرح شده است؟

بله. این پیشنهاد مطرح شده و قرار شد که با بهتر شدن اوضاع کرونا و انجام واکسیناسیون همگانی، امکان برگزاری کلاس های حضوری برقرار شوند. امیدوارم هر چه زودتر این امکان بوجود بیاید. نگاه به دست مربی و پرسیدن سوال و جواب گرفتن، با نگاه کردن به ویدیوهای آموزشی متفاوت است. نکات کوچکی در کارهای عملی وجود دارد که در آموزش مجازی دیده نمی شود.

استقبال کارآموزان رعد از کلاس های هنری مجازی چگونه است؟

اوایل استقبال بچه ها خوب بود، ولی چون این آموزش ها فقط مجازی هستند و ایراد کارها برطرف نمی شود، تعدادی از آنها دلسرد شده و ادامه ندادند. باید بررسی شود که برای هر کدام از بچه ها با توجه به علاقه و توانایی جسمانی، کدام رشته مناسب تر است. به همین دلیل بهتر است که بعد از چند جلسه کلاس مجازی، یک جلسه حضوری گذاشته شود تا هم با علاقه آنها آشنا شد و هم بر نحوه کار آنها نظارت کرد. برگزاری کلاس حضوری

لطفا خودتان را معرفی کنید و بگویید از چه زمانی با رعد شروع به همکاری کردید؟

طهورا مدرکیان، متولد سال ۱۳۶۱ در تهران هستم. تحصیلات دبستان و راهنمایی و دبیرستان را در تهران و کارشناسی در رشته ریاضی را در سال ۷۹ در شهر همدان گرفتم. چون از نوجوانی به بافتنی، قلاب بافی و خیاطی علاقه داشتم، از سال ۹۱، به حوزه فنی حرفه ای وارد شدم و از سال ۹۲ به عنوان مربی در هنرستان ها مشغول به کار شدم. مدتی بعد آموزشگاه "فروغ خورشید" را در زمینه طراحی دوخت، طراحی لباس، قالی بافی و صنایع دستی، تاسیس کردم. از اواخر سال ۹۹ در پروژه یونیسیف و در بحث آموزش توانیابان، همکاری خود را با واحد آموزش رعد در زمینه ضبط محتوا در حوزه آموزش قلاب بافی، تکه دوزی، خیاطی، عثمانی دوزی و بافت فرشینه ها و رشته هایی که قابلیت کار برای هنرجویان داشت را شروع کردم. همه این دوره ها از پایه آموزش داده می شود و نیاز به آشنایی اولیه ندارند.

آیا در رعد آموزش های حضوری هم داشتید یا همه آموزش ها مجازی هستند؟

من از سال ۹۹ که مصادف با شیوع بیماری کرونا بود، همکاری خود را با رعد



کلاس‌های هنری و عملی، چگونه به‌طور مجازی برگزار می‌شوند؟

دقیقاً شبیه کلاس درس است. همانگونه که دو نفر در کلاس درس با هم صحبت می‌کنند، هنرجو هم به شکل آنلاین دست مربی را می‌بیند و یاد می‌گیرد. مربی کار را در مقابل دوربین و با توضیحاتی انجام می‌دهد و هنرجو، سوال و رفع اشکال می‌کند. ولی همین که ارتباط چشمی مستقیم با مربی وجود ندارد، روی حاصل کار تاثیر می‌گذارد. در مواردی هم که محتوا از پیش تهیه و به‌صورت بسته آموزشی ارائه می‌شود، نتیجه ضعیف‌تر است. به همین دلیل نیاز است که هر چند وقت یکبار کلاس‌های حضوری برگزار شوند. من چهار ترم کلاس قلاب‌بافی را به‌طور مجازی به بچه‌های رعد آموزش دادم و بچه‌ها می‌توانستند، چه صوتی و چه نوشتاری، سوال بپرسند و جواب بگیرند.

به نظر شما توانمندی افراد دارای معلولیت نسبت به دیگر افراد تندرست چگونه است؟

هر انسانی دارای یک‌سری محدودیت است. ولی ویژگی افراد دارای معلولیت این است که وقتی کاری را یاد می‌گیرند، پیگیری و تلاش بیشتری نسبت به افراد تندرست دارند. در آموزشگاه، هنرجویان زیادی می‌آیند و دوره‌هایی را می‌گذرانند ولی بعد آن را رها و سراغ دوره‌ی دیگری می‌روند، ولی اکثر هنرجویان دارای معلولیت، وقتی به توانمندی رسیدند، آن را رها نمی‌کنند و تمرین را ادامه می‌دهند. این افراد، هم محدودیت‌ها و هم نقاط قوت خود را می‌بینند و در جهت افزایش توانمندی‌های خود، تلاش بیشتری می‌کنند. دو نفر از بچه‌های رعد که در زمینه قلاب‌بافی بسیار پرتلاش هستند، از مادرشان برای انجام کار کمک می‌گرفتند. در صورتی که اگر کلاس حضوری برای رفع اشکال وجود داشت، من می‌توانستم با ارائه راهکار، مشکل آنها را حل کنم که بتواند مستقلاً و بدون نیاز به بقیه کار کنند.

آیا کارهایی مثل قلاب‌بافی و گلدوزی می‌توانند در نقش کمک درمانی از لحاظ روحی و جسمی برای افراد دارای معلولیت نقش ایفا کنند؟

من در این مورد نمی‌توانم اظهار نظر کنم، چون گاهی انجام کارهایی مثل؛ قالی‌بافی یا قلاب‌بافی در دراز مدت

ویژگی افراد دارای معلولیت این است که وقتی کاری را یاد می‌گیرند، پیگیری و تلاش بیشتری نسبت به افراد تندرست دارند

باعث آسیب به اندام‌هایی مثل دست و کمر می‌شود، ولی می‌توانم ادعا کنم که این هنرها در بهبود روانی افراد نقش ایفا می‌کنند. افرادی که دارای مشکلات روحی، روانی و افسردگی هستند، وقتی به سمت هنر می‌روند و کاری را تولید می‌کنند، اعتماد به نفس پیدا کرده و حالشان بهتر می‌شود.

آیا دوره‌های جدید دیگری هم در نظر دارید؟

هرآنچه در توانم باشد را در اختیار مجموعه رعد قرار خواهم داد. در آموزش‌های من حدود سیصد سرفصل مختلف هنری وجود دارد که فقط بیست سرفصل آن را در رعد آموزش داده‌ام. امیدوارم بتوانیم دوره‌های آموزشی بیشتری را برای هنرجویان رعد برگزار کنیم.

آیا هنرجویان شما می‌توانند با این آموزش‌ها به درآمد و اشتغال برسند؟

حتماً همین‌طور است. بچه‌ها می‌توانند کارها و تولیدات خود را در بازارچه‌هایی که رعد برگزار می‌کند را به فروش برسانند. آموزش‌های ما، کاربردی هستند و هنرجو یاد می‌گیرد که چگونه سبد، کیف، رومیزی، روتختی، کلاه و شال‌گردن و لباس ببافد و در معرض فروش قرار دهد. بسیاری از هنرجویان از طریق فضای مجازی که بسیار رایج است، به درآمدهای خوبی رسیده‌اند. اگر مجموعه رعد شرایطی ایجاد کند که هر کدام از هنرجویان سایتی داشته‌باشند، می‌توانند به درآمدهای خوبی برسند. من به هنرجوها می‌گویم که درآمدزایی، فقط به‌دست آوردن پول نیست، وقتی شما بتوانید برای خودتان لباس ببافید، از پول خرج کردن جلوگیری می‌کنید.

چه پیشنهادی برای درآمدزا شدن

تولیدات هنرجویان رعد دارید؟

پیشنهاد می‌کنم که در کنار کلاس‌های مجازی، سایت فروش هم برقرار شود تا هنرجویان بتوانند تولیدات خود را از این طریق به فروش برسانند. اگر محتوای آموزشی کامل‌تر و افراد بیشتری جذب شوند، لازم است در کنار کلاس‌های آنلاین، کلاس‌های حضوری هم برقرار شوند تا هنرجویان مسلط‌تر شوند. من قابلیت آموزش به افراد بیشتری را دارم ولی نیاز است آنها را رو در رو ببینم و با آنها از نزدیک ارتباط برقرار کنم. توانیابان اگر جذب هنر شوند، توانمندی‌هایشان افزایش پیدا می‌کند و حتی می‌شود به تربیت مربی از خود آنها هم فکر کنیم. وقتی مربی خودش معلولیت داشته‌باشد، در آموزش به توانیابان بازخورد بهتری می‌گیرد و ایجاد انگیزه می‌کند. بهترین حالت این است که تعدادی از افراد دارای معلولیت، آنقدر توانمند شوند که آموزش به هنرجوهای رعد را برعهده بگیرند.

آیا در بین کارآموزان رعد چنین افرادی را می‌شناسید که بتوانند به عنوان مربی آموزش ببینند؟

چون من هنوز با هیچ‌کدام از هنرجوهان از نزدیک ارتباط برقرار نکرده‌ام، نمی‌توانم در این مورد اظهار نظر کنم. ولی این توانمندی که از میان آنها مربی پرورش پیدا کند را احساس می‌کنم. امیدوارم با واکسیناسیون همگانی و برپاشدن کلاس‌های حضوری، ارتباطم با هنرجویان رعد بیشتر شود.

در مورد آموزشگاه خودتان هم یک توضیحی بدهید؟

آموزشگاه فروغ خورشید، در زمینه طراحی دوخت فعالیت می‌کند. من با چندین آموزشگاه دیگر هم در زمینه صنایع دستی، قالی‌بافی و خیاطی همکاری دارم. سایت آموزشی من به نام "حریرسبز" در اختیار علاقمندان است که تمرکز آن بر روی آموزش‌های صنایع دستی و خیاطی است.

چه توصیه‌ای به توانیابان علاقمند به کارهای هنری دارید؟

توصیه‌ام این است که در هر شرایطی از جمله "من نمی‌توانم" استفاده نکنند و بدانند که هر قدر بیشتر تمرین کنند، توانمندی و مهارت‌هایشان بیشتر می‌شود. تفاوت بین مربی و هنرجو فقط در تکرار آن کار است. گزینه نمی‌توانم وجود ندارد؛ می‌توانم، تلاش می‌کنم و به سرانجام می‌رسم.



برای آشنایی و گفت‌وگو با یک خانواده ورزشکار، به سرای محله در یکی از محلات تهران رفتیم. ملیحه حصارخانی، بانویی تحصیل کرده و ورزش‌کاری حرفه‌ای است، او از کودکی به بیماری فلج اطفال مبتلا شد ولی با علاقه‌ای که به ورزش داشت، در رشته‌های مختلفی چون شنا، ویلچررانی و وزنه‌برداری فعالیت کرد و به مقام‌های قهرمانی رسید. بهزاد هنرور نیز رزمی‌کار و مربی ورزش است. این زوج همفکر در سال ۸۱ ازدواج کردند که حاصلش پسری به نام آریان شد. آریان دوازده ساله هم مانند پدرش رزمی‌کار و علاقمند به پیشرفت در حوزه ورزش است. با این خانواده فعال و پرتلاش به گفت‌وگو نشستیم و از مسیری که در زندگی و در ازدواجشان طی کردند سوال کردیم.



با وجودیکه ویلچر جزئی از وجود مادرم است؛

آنچه می‌بینم توانمندی‌های فراوان اوست

به‌دست آوردم. بیست‌ساله بودم که برای ادامه تحصیل، به مدرسه شبانه رفتم و دیپلم را گرفتم.

در مورد آشنایی با همسران و ازدواجتان توضیح بدهید؟

ملیحه: خانواده من و همسرم مدتی در یک خیابان زندگی کرده و هم محله بودند. وقتی خانواده او از محله ما نقل مکان کردند، از هم بی‌خبر شدیم ولی بعد از اتمام سربازی ایشان و وقتی که من به مدرسه شبانه می‌رفتم، به طور اتفاقی یکدیگر را دیدیم و با هم قرار ازدواج گذاشتیم. خیلی زود نامزد شدیم و ازدواج کردیم. پس از ازدواج، هم درس خواندن و هم ورزش را به‌طور حرفه‌ای دنبال کردم. همسرم مشوق من در ادامه تحصیل و ورزش بود.

در چه رشته‌های ورزشی در حد قهرمانی فعالیت کردید و چه مقام‌هایی به‌دست آوردید؟

ملیحه: فعالیت ورزشی خود را با شنا شروع کردم و ویلچررانی را هم تا زمانی که این رشته ورزشی تعطیل شد، دنبال کردم. بعد از تولد پسر، چند سال از ورزش فاصله گرفتم. به مربی‌گری در رشته

بهزاد: پدرم پیشنهاد کرد که در روز خواستگاری با یک حلقه برویم تا همانجا کار تمام شود و سایرین را در عمل انجام شده قرار دهیم

مجبور بودم در زنگ‌های تفریح در کلاس بمانم، دلخور می‌شدم. بعد از دبستان درگیر جراحی‌هایی بسیاری در ستون فقرات و پای راستم شدم. جراحی‌هایی که باعث عقب ماندنم از تحصیل شد. پس از جراحی و فیزیوتراپی، کم‌کم راه افتادم و علاقمند به ورزش شدم.

فعالیت ورزشی را از چه دورانی شروع کردید؟

ملیحه: بعد از عمل‌های جراحی، برای آبدرمانی به استخر می‌رفتم و به شنا علاقمند شدم. همزمان به ویلچررانی هم علاقمند شدم و هر دو رشته را ادامه دادم و در دو رشته ویلچررانی و شنا، مقام‌هایی را

لطفا هر کدام، خودتان را معرفی کنید؟
ملیحه حصارخانی ۴۲ ساله، متاهل و دارای یک فرزند به نام آریان هستم. من از شش ماهگی بعد از تب و تشنج، به فلج اطفال از ناحیه پای راست مبتلا شدم. بهزاد هنرور، مربی و مدیر ورزشی و بنیان‌گذار چند انجمن ورزشی هستم. آریان هنرور، دوازده‌ساله و در کلاس ششم ابتدایی درس می‌خوانم.

خانم حصارخانی در مورد خودتان بیشتر برابمان بگویید؟ دوران دبستان را چگونه گذراندید و چگونه با شرایط جسمانی خود کنار آمدید؟

ملیحه: در کودکی درکی از معلولیت نداشتم ولی وقتی برای رفتن به مدرسه، مادرم مرا بغل کرد و به مدرسه برد و وقتی مدیر مدرسه از مادرم خواست اینکار را نکند و اجازه دهد با پای خودم به مدرسه بروم، تازه با مفهوم معلولیت آشنا شدم. مجبور شدم با دو عصای زیر بغل، یک بریس سنگین به پا و یک کوله‌پشتی، به مدرسه بروم. جثه کوچکی داشتم و به سختی راه می‌رفتم ولی همیشه مادرم پشت سرم بود تا به سلامت به مدرسه برسم. از اینکه نمی‌توانستم مثل بقیه بدم و بازی کنم و



دومیدانی هم علاقه داشتیم و در دوره‌های آموزشی که توسط فدراسیون ورزش برگزار می‌شد، شرکت کردم. وقتی متوجه شدم که دانشگاه علمی کاربردی رعد در رشته تربیت بدنی با گرایش مربی‌گری ورزش معلولان، دانشجو می‌پذیرد در این دانشگاه ثبت‌نام کردم و در این رشته مدرک کارشناسی گرفتم. کارشناسی ارشد را هم در رشته مدیریت ورزشی به طور مجازی در دانشگاه شهید بهشتی ادامه دادم و مدرک را در خرداد ۱۴۰۰ دریافت نمودم. همزمان با تحصیل در دانشگاه، تمرین در رشته وزنه‌برداری را هم شروع کردم و در بهمن ماه ۹۸ در دسته ۷۳ کیلوگرم، مقام دوم پاراوزنه‌برداری را به دست آوردم. در سال بعد هم در همین دسته، مقام دوم را کسب کردم.

قبل از ورود به دانشگاه علمی کاربردی، با رعد آشنا بودید؟

ملیحه: قبلاً یک دوره حسابداری و کامپیوتر را در رعد گذرانده بودم ولی ادامه تحصیل در دانشگاه علمی کاربردی رعد در رشته مورد علاقه‌ام، اتفاق بسیار خوبی برایم بود.

شما در رشته‌های شنا و ویلچررانی فعالیت داشتید، چه شد که رشته وزنه برداری را هم ادامه دادید؟

ملیحه: پس از اتمام دوره کارشناسی، به باشگاه پیام مراجعه کردم تا به عنوان مربی با افراد دارای معلولیت کار کنم. بعد از هشت ماه که در باشگاه پیام بودم، اولین تیم پاراوزنه‌برداری در این باشگاه راه‌اندازی شد. البته وزنه‌برداری از ورزش‌های مورد علاقه‌ام نبود، چون می‌دانستم آسیب‌زاست، ولی ادامه دادم و مقام‌های زیادی به دست آوردم. اولین تیم پاراوزنه‌برداری کشوری، شاگردهای من در باشگاه پیام هستند. متأسفانه تعداد باشگاه‌های ورزشی مناسب افراد دارای معلولیت بسیار کم است و این بچه‌ها از دستیابی به امکانات ورزشی محرومند. در تهران فقط دو باشگاه مناسب‌سازی شده وجود دارد. یکی؛ باشگاه پیام و دیگری باشگاه قمرینی‌هاشم(ع) که دسترسی به آنها برای افراد دارای معلولیت بسیار دشوار است. باید در هرمنطقه یک ورزشگاه مناسب افراد دارای معلولیت وجود داشته‌باشد. روزهایی که به باشگاه پیام می‌روم به خاطر دوری راه بسیار خسته می‌شوم و اگر همراهی همسرم نبود،

بهزاد: مشکل جسمی ملیحه در زندگی ما به چشم نمی‌آید و هیچ‌وقت فکر نمی‌کنم که با یک فرد دارای معلولیت زندگی می‌کنم

ادامه آن امکان نداشت. البته رشته مورد علاقه من، ویلچررانی سرعتی و استقامتی است.

از چه زمانی از ویلچر استفاده می‌کنید؟

ملیحه: پسرم چهارساله بود که هنگام ورزش، زمین خوردم و تاندون دستم آسیب دید. بعد از آن به توصیه همسرم برای سهولت در رفت و آمد روی ویلچر نشستیم. البته توان راه رفتن با عصا را دارم. پنج سال است که دبیر کانون سرای محله بهار هستم و در حوزه معلولیت، فعالیت‌های اجتماعی را دنبال می‌کنم. مثلاً در هفته پارالمپیک برای افراد دارای معلولیت محله، برنامه‌های ورزشی برگزار می‌کنیم. با کمک همسرم دو انجمن ورزشی تاسیس کردیم یکی؛ انجمن ثبت رکوردهاست که با نام انجمن ورزش‌های نمایشی و مهارت‌های فردی به ثبت رسید و دیگری، انجمن ورزشی "حمایت از استعدادهای جوان" است.

آقای هنرور شما هم از خودتان بگویید؟

بهزاد: زندگی من از ابتدا وقف ورزش بوده‌است. من از اولین فارغ‌التحصیلان دبیرستان تربیت بدنی در سال ۷۵ هستم. چون از دانش‌آموزان شاخص بودم، امکان ادامه تحصیل در دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران بدون کنکور را داشتم ولی از آن استفاده نکردم. به خدمت سربازی رفتم و چون ورزشکار بودم جذب نیروهای ویژه در مرزهای شرقی کشور شدم. در همان دوران دو تن از دوستانم که آنها هم فارغ‌التحصیل دبیرستان تربیت بدنی بودند، در حمله اشراک به مرزهای کشور به شهادت رسیدند. دوران خدمت سربازی نقطه عطفی در زندگی من بود و نگرش من به زندگی را عوض کرد. بعد از سربازی در رشته کارشناسی تربیت بدنی قبول شدم ولی ثبت نام نکردم و جذب بازار کار شدم. البته همزمان در حرفه

مربی‌گری فعالیت داشتم. من و ملیحه چون قبلاً در یک محله زندگی می‌کردیم و یک حس عاطفی مشترک بین ما بوجود آمده بود، وقتی که اتفاقی همدیگر را دیدیم، تصمیم به ازدواج گرفتیم. بیست و یک‌ساله بودم که ازدواج کردم. یک‌سال بود که با پدرم که فروشنده تجهیزات و لوازم پزشکی و از موسسین این صنف بودند، همکاری می‌کردم ولی بعد از اینکه به صورت حرفه‌ای جذب ورزش شدم، از ادامه این کار منصرف شدم. ملیحه بعد از ازدواج تحصیلات خود را با دشواری بسیار ادامه داد. هم مدرسه و هم منزل پله داشت و هم باید مسافت‌های زیادی را در ترافیک و سرما و گرما طی می‌کرد. او این دوران را به سختی پشت سر گذاشت. به نظرم به جز مدرک دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد، او مستحق دریافت مدال جداگانه‌ای است. مدارک او بسیار با ارزش و باعث افتخار ما است. ملیحه با وجود مشغله‌ها و سختی‌هایی که تحمل می‌کرد و دیر وقت و خسته به خانه می‌رسید، هیچ‌وقت از زندگی کم نگذاشت.

شما فعالیت ورزشی خود را از چه زمانی

و در چه زمینه‌ای آغاز کردید؟

بهزاد: من از کودکی به ورزش علاقمند بودم و در دبیرستان تربیت بدنی، با رشته‌های مختلف ورزشی آشنا شدم. از ۱۹ سالگی عضو تیم کاراته تهران شدم و مدرک مربی‌گری در ورزش‌های رزمی کاراته را گرفتم. آقای حمید سلجوقی که اکنون وزیر ورزش هستند، آن زمان مربی دو و میدانی من بودند. ایشان چه از لحاظ علمی و چه معنوی، شخصیت برجسته‌ای هستند و هنوز هم رکورددار دوهای استقامت و نیمه استقامت آسیا هستند. آشنایی با ایشان، باعث شد که به ورزش علمی‌تر و حرفه‌ای‌تر برخورد کنم. بعد از دبیرستان مدت کوتاهی رشته تربیت بدنی را در دانشگاه خواندم و رها کردم ولی در سال‌های بعد با همسرم تحصیل در رشته کارشناسی روانشناسی را در دانشگاه پیام‌نور شروع کردیم که او ادامه نداد ولی من تا گرفتن مدرک کارشناسی ارشد ادامه دادم. آشنایی با این رشته، هم بر کار و هم بر حرفه مربی‌گری‌ام تأثیرات مهمی داشت. اکنون در باشگاه شهید کبکانیان مربی هستم و به عنوان یک مدیر ورزشی فعالیت می‌کنم. یک انجمن ورزشی با نام "حمایت از استعدادهای جوان" و یک سبک مدرن ورزشی به



نام "شوت فایتینگ" را هم در فدراسیون ورزش‌های رزمی راه‌اندازی کردم. این سبک، آمریکایی است و پنج سال دوندگی کردم تا توانستم مجوز آن را بگیرم. سبکی را هم به نام "ژیمناستیک مارشال" ابداع کردم که کودکان بتوانند ژیمناستیک را همراه با تمرینات رزمی، بیاموزند. طبق تجربه متوجه شدم بچه‌هایی که سابقه تمرینات ژیمناستیک دارند، در ورزش‌های رزمی، موفق‌ترند. در این سبک بچه‌های علاقمند به ورزش رزمی، همزمان آموزش‌های ژیمناستیک را هم می‌بینند، چون استفاده از ژیمناستیک، به بالابردن قابلیت‌های رزمی آنها کمک می‌کند.

در مورد انجمن‌هایی که تاسیس کردید بیشتر بگویید؟

پهزاد: در سال ۸۶ انجمن "حمایت از استعدادهای جوان" را که انجمنی غیردولتی و زیر نظر وزارت کشور بود را با هدف تولید علم و تولید محتوا برای مربیان ورزشی راه‌اندازی کردم. بخشی از کار این انجمن درحوزه افراد دارای معلولیت است که همسر مستول آن است. ایشان نایب‌رئیس انجمن و مستول بخش تخصصی افراد دارای معلولیت هستند. استعدادیابی و کشف یک استعداد از بطن جامعه، یک پروسه دقیق و علمی است و سعی می‌کنیم با برگزاری سمینار و جمع‌آوری مقالات علمی سهم خود را در زمینه آگاه‌سازی مربیان ورزشی ایفا کنیم. یک انجمن هم تحت عنوان "کانون بدل‌کاران و ورزش‌های نمایشی" که البته غیردولتی نیست را در سال ۸۵ تاسیس کردیم و در سال ۸۶ شروع به فعالیت و عضوگیری از بدلکاران و افرادی که کارهای اکشن انجام می‌دادند، کردیم. در نظر داشتیم این انجمن را زیر نظر وزارت ورزش ببریم چون بیشتر این فعالیت‌ها، ورزشی بودند و هدف این بود که این افراد توسط فدراسیون‌های تخصصی حمایت شوند. این انجمن اکنون تحت عنوان انجمن ورزش‌های نمایشی و مهارت‌های فردی تحت نظر فدراسیون ورزش‌های همگانی در حال فعالیت است و من هم پس از وقفه‌ای، اکنون به عنوان رئیس در این انجمن خدمت می‌کنم. چند انجمن دیگر را هم راه‌اندازی کردیم که فعلا فعال نیستند.

برگردیم به ازدواج شما. خانواده با ازدواجتان چه برخوردی داشتند؟

ملیحه: روزهایی که به باشگاه پیام می‌روم به خاطر دوری راه بسیار خسته می‌شوم و اگر همراهی همسرم نبود، ادامه آن برایم امکان نداشت

ملیحه: پدرم خیلی سخت‌گیر بود و موافق ازدواجم نبود. هرکسی به خواستگاری می‌آمد، به او اعتماد نمی‌کرد. او نگران آینده‌ام بود.

پهزاد: پدرم دید بازی داشت و من مسائل شخصی زندگی‌ام را همیشه با او در میان گذاشته و از مشاوره‌ها و نظراتش استفاده می‌کردم. وقتی قصد ازدواج با ملیحه را مطرح کردم به غیر از پدر، همه خانواده مخالف بودند. پدرم با این موضوع منطقی برخورد کرد و گفت، باید در نظر بگیری که شرایط این دختر با شرایط کسی که معلولیت ندارد متفاوت است، اگر چنین تصمیمی داری باید تلاشت را دو برابر کنی. مادرم با این موضوع به شدت مخالف بود ولی بلاخره راضی شد که به خواستگاری بیاید. پدرم پیشنهاد کرد که در روز خواستگاری با یک حلقه برویم تا همانجا کار تمام شود و سایرین را در عمل انجام شده قرار گیرند. حلقه را خریدیم و چند نفر از اقوام درجه یک را هم برای حضور در جلسه خواستگاری دعوت کردیم. وقتی به یکی از بستگان گفتم که پاهای ملیحه معلولیت دارد، قبول نکرد که با ما به خواستگاری بیاید. همین هم باعث شد که من ارتباطم را با او قطع کنم. درواقع نشان دادم که انتخابم را کرده و اگر کسی بخواهد به همسر و زندگی مشترکمان بی‌احترامی کند، او را حذف می‌کنم. به بقیه اقوام هم قبل از رفتن به مراسم این که این خانم معلولیت دارد و من تصمیم به ازدواج با او دارم را گفتم و از آنها خواستم که به عنوان بزرگ‌تر با ما همراه شوند. کمی مکدر شدند، ولی به انتخاب من احترام گذاشتند و سکوت کردند. این همراهی برای من خیلی ارزشمند بود و همیشه ممنون آنها هستم. پدرملیحه هم چون نگران بود که نتوانم با این شرایط کنار بیایم و بعد از مدتی پشیمان شوم، با این ازدواج مخالف بود. چندین بار با ایشان خصوصی صحبت کردم و گفتم که شرایط

جسمانی هیچ کدام از ما همیشگی نیست و هر کدام از ما ممکن است در اثر یک تصادف و یک حادثه دچار معلولیت شویم، ولی رابطه عاطفی بین ما همیشگی است و ارتباطی با جسممان ما ندارد. حرف‌های من روی پدر ملیحه تاثیر گذاشت و رضایت ایشان جلب شد. نظر مادرم هم در همان روز اول و وقتی با ملیحه و توانایی‌های هنری و ورزشی‌اش آشنا شد، کاملا تغییر کرد. ما خیلی ساده و بدون تشریفات ازدواج و زندگی مشترکمان را شروع کردیم.

در حال حاضر هر دو خانواده حامی شما هستند و پذیرفته شده‌اید؟

ملیحه: مادر همسرم بسیار به من علاقه دارد و به من می‌گوید، به تو افتخار می‌کنم. این علاقه متقابل است و من هم به ایشان بسیار علاقمندم.

پهزاد: ملیحه بسیار اجتماعی است و بسیار راحت با جمع ارتباط می‌گیرد. بارها شده که وقتی ملیحه و مادرم در مراسمی شرکت می‌کنند اگر مادرم احساس کند که ملیحه در جمع معذب شده، فوراً جو را تغییر می‌دهد تا ملیحه ناراحت نشود. البته با بعضی از اقوام، روابط را کم کردیم چون هنوز پذیرش به این موضوع برایشان سنگین است. خیلی از افرادی که من در زندگی خودم با آنها روبه‌رو بودم، معلولیت‌های فراوانی داشته‌چه از لحاظ روحی روانی و چه از لحاظ عدم سازگاری و نداشتن مهارت‌های زندگی، ولی معلولیتشان به چشم نمی‌آید. گاهی من و همسرم برای پیاده به خیابان می‌رفتیم و با افرادی روبه‌رو می‌شدیم که رفتارهایی انجام می‌دادند که باعث ناراحتی ما می‌شد. جوان‌تر که بودم عصبانی شده و برخورد می‌کردم ولی حالا مثل یک چوک به این رفتارها نگاه می‌کنیم و می‌خندیم.

ملیحه: در سال‌های اخیر فرهنگ‌سازی‌هایی انجام شده و با حضور افراد دارای معلولیت موفق و توانمند در سطح جامعه، نگاه‌ها تغییر و رفتارها بهتر شده ولی هنوز، شاهد چنین رفتارهایی هستیم.

آیا از شرایط کنونی زندگی خود راضی هستید و آیا اگر به عقب برمی‌گشتید، دوباره همین انتخاب را داشتید؟

پهزاد: گاهی افراد در حضور ملیحه و گاهی هم پشت سرش از من سوال می‌کنند، چه شد که با یک فرد دارای معلولیت ازدواج کردی؟ می‌گویم، از همسرم بپرسید

چه شد که او با من ازدواج کرد؟ ملیحه انتخاب اول و آخر من و من انتخاب او هستم. همسرم از لحاظ شعور، چهره، پشتکار، اجتماعی بودن و توانایی از من توانمندتر است. من معتقدم که خانمها باید به استقلال مالی برسند تا منتظر نباشند که توسط کسی انتخاب شوند، بلکه خودشان انتخاب‌گر باشند. بانوان چه دارای معلولیت باشند و چه تندرست، باید سعی کنند به استقلال مالی برسند تا کیفیت زندگیشان بالاتر برود این همان مسیری است که ملیحه با سعی کوشش فراوان طی کرده‌است.

چه توصیه‌ای به افرادی که مایلند با فرد دارای معلولیت ازدواج کنند و خانواده‌هایشان دارید؟

بهزاد: هر فردی که می‌خواهد کسی را به عنوان همسر چه معلولیت داشته‌باشد و چه نباشد انتخاب کند، باید بپذیرد که در زندگی مشترک از خیلی از خواسته‌هایش چشم‌پوشی کند. این اولین شرط در زندگی مشترک است و دوم این که، اهداف و آرزوهای خود را به اهداف و آرزوهای شریک زندگیش پیوند بزند. اگر چنین شود، اهداف و چشم‌اندازهای جدیدی رویه رویشان باز می‌شود. بدون شک زندگی کردن با یک فرد دارای معلولیت چه زن باشد و چه مرد، سخت است. نه صرفاً از لحاظ کارهای فیزیکی، از این نظر که باید روی هر حرفی که می‌زنی بیشتر دقت کنی، روی رفت و آمد با دیگران حساس باشی که اگر مهمانی می‌روی و همسرت نمی‌تواند بعضی از کارها را انجام دهد، ناراحت نشوی. چنین فردی باید به سطحی از بینش برسد که بتواند خیلی از برخوردها، انتقادهای دیدگاه‌هایی که از طرف سایرین مطرح می‌شود را تحمل کند. به نظرم افراد شجاع و توانمند از لحاظ شخصیتی می‌توانند چنین انتخابی داشته‌باشند. اگر این توانمندی‌ها را ندارند و از لحاظ روحی به بلوغ نرسیده‌اند، بهتر است که با احساسات طرف مقابل بازی نکنند.

ملیحه: اگر به بیست سال پیش برگردم باز هم انتخابم همین خواهد بود، چون او مرا به خوبی درک می‌کند و همیشه همراه و مشوق من است. اگر همکاری و همراهی ایشان نبود، رسیدن به بسیاری از موفقیت‌های کنونی برایم امکان‌پذیر نبود. من از همسرم و همچنین از پسرم آریان عزیز، تشکر می‌کنم که مسیر زندگی

ملیحه: اگر به بیست سال پیش برگردم باز هم انتخابم همین خواهد بود، چون همسرم مرا درک می‌کند و همیشه همراه و مشوق من است

را برای من هموار کردند.

به دوستان توصیه می‌کنم که محدودیت‌هایشان را عمده نکنند، باورهایشان را تقویت و اهدافشان را دنبال کنند و قهرمان زندگی خودشان باشند. دوست دارم تجربیات علمی که در حیطه ورزش به دست آوردم را در اختیار دوستان قرار دهم تا آنها با انگیزه بیشتری به اهدافشان فکر کنند و با انرژی مثبت به زندگی خوب و با کیفیتی برسند.

آریان عزیز، تو هم از خودت برایمان بگو. تو هم ورزشکار هستی؟

من از همان دوران خردسالی با پدرم به باشگاه ورزش‌های رزمی می‌رفتم و به ورزش رزمی علاقمند شدم. پدرم در نقش مربی، همیشه به من سخت می‌گرفتند. در رشته شوت‌فایتینگ کار می‌کنم و در رده سنی نونهالان، دو مقام قهرمانی کشوری را به دست آوردم. در این رشته به کمر بند قهوه‌ای رسیده‌ام. از چند سال پیش شروع به یادگرفتن شنا کردم و در رشته شیرجه در مسابقات کشوری شرکت کردم و مقام آوردم. مدتی است که آموزش فوتبال هم می‌بینم ولی از همه بیشتر به رشته شوت‌فایتینگ علاقمندم.

برای آینده چه برنامه‌ای داری، آیا می‌خواهی مانند پدر و مادرت ورزشکار حرفه‌ای شوی؟

آریان: اولویت اول من درس خواندن است، ولی دوست دارم در کنار درس، رشته رزمی شوت فایتینگ را هم بطور حرفه‌ای کار کنم.

ملیحه: آریان بسیار مسئولیت پذیر است دارد و خیلی به من کمک می‌کند. اگر کسی در خیابان بخواهد به من کمک کند، اجازه نمی‌دهد و خودش کارها را برعهده می‌گیرد. یکی از امتیازات آریان

روحیه همکاریش است. خیلی زود در بسیاری از کارهای شخصی‌اش مستقل شد و به مهدکودک و مدرسه علاقه داشت. او عاشق حیوانات و گل و گیاه است.

آریان: ما در خانه آکواریوم داریم و عروس هلندی و طوطی برزیلی و همستر داریم. تراس خانه ما پر از گل است که خودم از آنها نگه‌داری می‌کنم. گاهی هم دوچرخه و ویلچر مادرم را تعمیر می‌کنم. یک دوره هم کلاس ربانیک رفتم و به برنامه‌های کامپیوتری علاقه دارم و حتی پاورپوینت‌های دانشگاه مادرم را تهیه می‌کردم. به کارهای دستی با چوب و کتابخوانی هم علاقه دارم و جایزه کتابخوانی گرفته‌ام.

سخن آخر:

ملیحه: من از اساتیدم در دانشگاه علمی کاربردی رعد، آقایان حسن محمود آبادی، محمد پور کیانی، محمد برومند، سید عماد حسینی که همیشه مرا مورد لطف و حمایت خود قرار دادند، تشکر می‌کنم. از مسئولین دانشگاه و مجتمع رعد هم تشکر می‌کنم که چنین محیط دلچسبی را برای آموزش و حمایت برای افراد دارای معلولیت فراهم کرده‌اند. در مقطعی که در دانشگاه رعد درس می‌خواندم، دوستان تندرست بسیاری در دانشگاه پیدا کردم که از دوستی با آنها لذت می‌برم. آنها در اغلب برنامه‌های ورزشی ما شرکت می‌کردند.

بهزاد: کلام همسرم این حقیقت را می‌رساند که افرادی چون معلم یا آموزشگر چقدر می‌توانند در موفقیت و شکوفایی افراد دارای معلولیت نقش ایفا کنند. در طول بیست‌سال زندگی مشترک ما هر موقع که ملیحه به معلولیتش اشاره می‌کند، تازه یادم می‌آید که او در جسمش مشکلی دارد. مشکل جسمی ملیحه در زندگی ما دیده نمی‌شود و اینطور نیست که هر لحظه و هر روز احساس کنم که با یک فرد دارای معلولیت زندگی می‌کنم. همه ما انسان‌ها، یک گوهره وجودی داریم و آن گوهره وجودی همسرم است که برای من دیده می‌شود، نه معلولیت او.

آریان: من هم می‌خواستم بگویم زندگی با مادر دارای معلولیت، سختی‌هایی دارد ولی من ویلچر را جزئی از وجود مادرم می‌دانم و مثل پدرم آن را نشانه ناتوانی او نمی‌بینم. آنچه می‌بینم، توانمندی‌های زیاد مادرم است.





مهدی لشکری، مدیرعامل مجتمع آموزشی و نیکوکاری رعد کرمان است. او از سال ۱۳۸۹ همکاری خود را با رعد کرمان به عنوان حسابدار شروع کرد و در سال ۱۳۹۴ به عنوان مدیرعامل مرکز معرفی شد. به گفته او، آموزش، توانبخشی، اشتغال و پیشگیری از بروز معلولیت‌ها، شعار اصلی مجموعه رعد کرمان است.

مدیرعامل مجتمع آموزشی و نیکوکاری رعد کرمان؛

شعار ما پیشگیری از ناتوانی و افزایش توانمندی توانیابان است

رشته آموزشی و صنایع دستی داریم که شامل کلاس‌های کامپیوتر، زبان انگلیسی، نقاشی، خطاطی، گل‌سازی، فیروزه‌کوبی روی مس، معرق، چرم، شیرینی‌پزی و سایر رشته‌هایی است که برحسب نیاز بازار، به‌روز می‌شوند. تاکنون بیش از هزار نفر از افراد دارای معلولیت جسمی حرکتی، از طریق سازمان بهزیستی به مجموعه رعد معرفی شده و از خدمات این مجموعه، از هزینه ایاب و ذهاب تا وعده، ناهار، و خدمات توانبخشی برخوردار شده‌اند. هزینه‌های این مجموعه توسط کمک‌های مردمی و یارانه‌ای است که سازمان بهزیستی در اختیار مجموعه قرار می‌دهد.

واحد توانبخشی، چه خدماتی را ارائه می‌دهد؟

در حوزه توانبخشی، واحدهای فیزیوتراپی و کاردرمانی راه‌اندازی شده و بسیاری از کارآموزان جسمی حرکتی، با توجه به نیازشان، از این خدمات

با حمایت بنیانگذار مجتمع رعد کرمان، پرفسور محمد حسن کریمی‌نژاد، متخصص ژنتیک، توانستیم مجوز واحد پیشگیری از معلولیت‌ها را از دانشگاه علوم پزشکی کرمان دریافت کنیم

اشتغال، پیشگیری از بروز معلولیت‌ها و سایر خدمات رفاهی به معلولین جسمی حرکتی در حال انجام وظیفه است.

در حوزه آموزش، چه فعالیت‌هایی را دنبال می‌کنید؟

یکی از مهم‌ترین اهداف این مجموعه، بحث آموزش است. بیش از نوزده

لطفاً خودتان را معرفی کنید و بگویید که از چه زمانی همکاری با رعد کرمان را شروع کردید؟

مهدی لشکری، مدیرعامل مجتمع آموزشی و نیکوکاری رعد کرمان هستم. رشته تحصیلی‌ام حسابداری است و از سال ۱۳۸۹ همکاری خود را با رعد کرمان شروع کردم. من با هدف کمک در مسائل مالی و اداری به رعد نزدیک شدم ولی در ادامه همکاری و با نظر لطف پرفسور کریمی‌نژاد و سایر دوستان، از سال ۱۳۹۴ به عنوان مدیرعامل مرکز معرفی شدم.

مرکز رعد کرمان فعالیت خود را از چه زمانی شروع کرد و در چه زمینه‌هایی فعالیت دارد؟

این موسسه از سال ۱۳۸۳ و بعد از زلزله بم، توسط پرفسور محمدحسن کریمی‌نژاد در شهر کرمان تاسیس شد. از همان سال با همت خیرینی که به موسسه پیوستند، این مجموعه توانست فعالیت‌های بسیاری را دنبال کند. مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد کرمان در زمینه‌های آموزش، توانبخشی،



استفاده می‌کنند. بسیاری از افراد، معلولیت‌های ژنتیکی و مادرزادی دارند و عده‌ای هم در اثر حوادث، تصادفات و زلزله بم، دچار معلولیت شده‌اند. خدمات واحد توانبخشی و فیزیوتراپی مرکز، نقش موثری در بازتوانی جسمی توانیابان ایفا کرده تا جایی‌که بسیاری از مددجویان از ویلچر به واکر و از واکر به عصا رسیدند. بعضی از کلاس‌های هنری، مانند؛ گل‌سازی و سفال‌کاری که میان دست و چشم هماهنگی ایجاد می‌کنند، و ورزش‌های خمیر در کلاس سفال هم که به تقویت عضلات دست کمک می‌کند، نوعی فیزیوتراپی و کاردرمانی است. متأسفانه اکثریت افراد دارای معلولیت از خانواده‌های کم‌درآمد و قشر ضعیف جامعه هستند و تامین هزینه‌های توانبخشی برایشان بسیار دشوار است. افرادی که برای آموزش به مجموعه رعد معرفی می‌شوند، با توجه به وضعیت جسمیشان، حداقل هفته‌ای دوبار، از خدمات توانبخشی مجموعه استفاده می‌کنند.

در حوزه اشتغال افراد دارای معلولیت تا چه حد موفق بوده‌اید؟

رسیدن به اشتغال پایدار از مهم‌ترین اهداف ماست، به همین دلیل مرکز رعد کرمان از ابتدای شروع به کار، بر راه‌اندازی کارگاه‌های تولیدی متمرکز شد. این مرکز کارگاه‌های تولیدی بسیاری را با ارزیابی از نیاز بازار راه‌اندازی کرده‌است. کارگاه خیاطی ما، در دوران شیوع بیماری کرونا توانست بسیاری از لوازم بهداشتی مانند؛ ماسک، گان، کاور کفش و ساق دست را در حجم قابل توجهی، بیش از پنجاه هزار دست تهیه و در اختیار مراکز بهداشتی و بیمارستان‌های استان کرمان قرار دهد. در کارگاه شیرینی-پزی، انواع شیرینی‌های محلی و سنتی تهیه و به نقاط مختلف استان کرمان، زاهدان و تهران ارسال می‌شوند. در رابطه با کارهای دستی مانند معرق هم، تفاهم نامه‌هایی با ادارات امضا کردیم تا هدایای خود را از تولیدات و تابلوهای کارآموزان جسمی حرکتی رعد تهیه کنند. واحد اشتغال حمایت شده یا (SE) هم توسط سازمان بهزیستی استان کرمان و سرکار خانم پناهی که بنیان‌گذار آن

کارگاه خیاطی، در دوران شیوع بیماری کرونا توانست بسیاری از لوازم بهداشتی مانند؛ ماسک، گان، کاور کفش و ساق دست را در حجم قابل توجه تهیه و در اختیار مراکز بهداشتی و بیمارستان‌های استان کرمان قرار دهد

بودند، در این مجتمع راه‌اندازی شد و در حال فعالیت است. واحد اشتغال حمایت‌شده، افراد معرفی شده را طی چند مرحله از ارزیابی تا معرفی به کارفرما و پشتیبانی شغلی، مورد حمایت قرار می‌دهد. خوشبختانه این روش، باعث اشتغال پایدار برای تعدادی از توانیابان شده‌است.

با حمایت بنیان‌گذار مجتمع رعد کرمان، پرفسور کریمی‌نژاد، متخصص ژنتیک، توانستیم مجوز واحد پیشگیری از معلولیت‌ها را از دانشگاه علوم پزشکی کرمان دریافت کنیم و با همکاری سازمان بهزیستی توانستیم مشاوره‌های قبل از ازدواج و در حین بارداری را برای پیشگیری از تولد افراد دارای معلولیت راه‌اندازی کنیم. مشاوره‌های قبل از ازدواج توسط خانم‌ها؛ دکتر صباغ (از شاگردان پروفیسور کریمی‌نژاد) و دکتر آریانا کریمی‌نژاد و دکتر رکسانا کریمی‌نژاد به افراد دارای معلولیتی که قصد ازدواج دارند، ارائه می‌شود. تاکنون برای حدود بیست نفر از افراد دارای معلولیت که با افراد تندرست یا دارای معلولیت ازدواج کرده‌اند، مشاوره قبل از ازدواج انجام شده و فرزندان تندرستی به دنیا آمده‌است. البته به بعضی از زوج‌ها بعد از مشاوره، مجوز بارداری داده نشد.

ارائه خدمات رفاهی و برگزاری اردوهای تفریحی، زیارتی و سیاحتی هم از دیگر فعالیت‌های این مرکز است. قبل از شیوع بیماری کرونا، یک تیم ۱۵۰ نفره از مددجویان را به مدت پنج روز به مشهد مقدس بردیم. این حوزه که توسط اعضای هیات

امنا، هیات مدیره، کمیته بانوان و با همکاری جوانان داوطلب مدیریت می‌شود، کمک‌هایی را با تأیید واحد مددکاری، به مددجویان بی‌بضاعت شهر کرمان ارائه می‌دهند. مخصوصاً در ایام شیوع بیماری کرونا که بسیاری از مشاغل تعطیل شدند، واحد مددکاری با تامین سبدهای معیشتی، توانست کمک‌های بسیاری را به خانواده‌های نیازمند انجام دهد. از دیگر فعالیت‌ها، تهیه وسایل کمک توانبخشی است که پس از بررسی، اقلام مورد نیاز تهیه و در اختیار نیازمندان قرار می‌گیرد.

شهر کرمان نیز مانند اکثر شهرهای دیگر، برای حضور افراد دارای معلولیت در اجتماع مناسب‌سازی نشده‌است. با کمک خیرین توانستیم اتوبوس و مینی‌بوس‌های مناسب‌سازی شده را تهیه کرده تا مددجویان بتوانند به راحتی به مرکز، رفت و آمد داشته باشند.

کمیته بانوان و همیاران جوان چه وظایفی به عهده دارند؟

همانگونه که انجمن‌ها به عنوان بازوان کمکی به دولت کمک می‌کنند، کمیته بانوان و همیاران جوان هم بازوهای کمکی مجموعه رعد هستند. این افراد نیروهای داوطلبی هستند که هم جانی و هم مالی به ما کمک می‌کنند که جای تقدیر فراوان دارد. جا دارد از کمک‌های فراوان اعضای هیات امنا، خیرین و کمک‌های مرکز رعد تهران و سایر شهرها تشکر کنم. تا قبل از کرونا هر ساله نشست‌هایی با حضور مسئولان مراکز مختلف در رعد تهران برگزار می‌شد و شرکت‌کنندگان از تجربیات همدیگر در بهبود خدمت به جامعه هدف استفاده می‌کردند. این جلسات بسیار اثرگذار و سودمند بود که امیدوارم با عبور از کرونا، دوباره برقرار شود.

کرونا چه تاثیری بر فعالیت‌ها پتان داشته و آیا کلاس‌های آموزشی در این دوران به‌طور آنلاین برگزار می‌شوند؟

در ایامی که بیماری کرونا شیوع بیشتری داشت، همه کلاس‌ها آنلاین برگزار می‌شدند، ولی اکنون،



می‌کند. برای همین موضوع کلاس‌های آموزشی امروز ما با قبل متفاوت است. مثلاً کلاس آموزش تعمیرات موبایل راه‌اندازی شده که آموزش‌هایی کارآمد و به‌روزی را در این زمینه ارائه می‌دهد. یا در حوزه صنایع دستی، کلاس فیروزه کوبی بر روی مس و کلاس معرق چرم که محصولات بسیار پرفروشی تولید می‌کنند را راه‌اندازی کردیم. براساس سیاست‌های کلی مجموعه، همیشه سعی بر ارتقا کیفیت آموزش‌ها داریم. به دنبال احداث ساختمان جدیدی هم برای درمان افراد دارای معلولیت، هستیم.

**مرکز رعد کرمان،
جزء سه انجمن برتر استان است که
ارتباطات مفیدی با سایر انجمن‌ها در
سطح استان دارد**



استفاده کنند.

آیا در واحد اشتغال مرکز کرمان، مربی شغلی وجود دارد؟

بله. واحد اشتغال ما چهار مربی شغلی دارد که آموزش و دوره‌های مربوطه را گذرانده‌اند. تعداد مربیان آموزشی ما حدود پانزده نفر هستند که براساس موضوع کلاس‌ها در هر ترم، تعدادشان فرق می‌کند. هفده نفر هم همکار ثابت در مجموعه مشغول به فعالیت هستند.

آیا برای آینده، برنامه‌های دیگری را هم در نظر دارید؟

در مجموعه رعد کرمان، اتاق فکری برای به‌روز کردن آموزش‌ها و خدمات وجود دارد که برای آینده هم برنامه‌ریزی

کلاس‌های آموزشی، طبق قوانین اعلام شده از طرف سازمان بهزیستی، با ظرفیت محدود در حال برگزاری است. البته هنوز هم کلاس‌های آنلاین، برقرار هستند تا فرصتی برای افراد دارای معلولیت ساکن در سایر شهرستان‌های استان کرمان، ایجاد شود. یکسری از کارآموزان از کلاس‌های آنلاینی که توسط مرکز رعد تهران برگزار می‌شود هم استفاده می‌کنند. این فرصت‌ها ایجاد شد تا به بهانه کرونا، افراد زیادی از همه جای ایران بتوانند به آموزش‌ها دست بیابند.

چه تعداد مددجو از خدمات رعد کرمان چه در حوزه آموزش و چه در حوزه اشتغال استفاده می‌کنند؟

در حال حاضر، ۱۲۰ نفر در واحد آموزش رعد کرمان مشغول آموزش هستند و ۵۰ نفر هم در حوزه اشتغال حمایت شده (SE) خدمات دریافت می‌کنند. در مجموع، بیش از ۱۵۰۰ نفر از افراد دارای معلولیت به مرکز مراجعه کرده، آموزش دیده و توانمند شده‌اند. بعضی از این افراد به اشتغال رسیده و بعضی هم به شکل خویش‌فرما، مشغول به کار و کسب درآمد هستند.

مددجویان رعد کرمان در چه محدوده سنی هستند؟

کارآموزان جسمی و حرکتی ما بالای چهارده سال و کارآموزان واحد اشتغال، بالای هجده سال هستند. واحد اشتغال رعد کرمان از انواع معلولیت‌های جسمی مثل؛ کم‌بینا و نابینا، کم‌شنوا و ناشنوا و افراد جسمی حرکتی پذیرش می‌کند. افراد دارای معلولیتی که از کمیته اشتغال و توانبخشی سازمان بهزیستی معرفی شوند، می‌توانند از خدمات مرکز

آیا در استان کرمان، انجمن‌های مشابه رعد هم وجود دارد که فعالیت مشابهی داشته باشند؟

بیش از ۲۰۰ انجمن در حوزه‌های مختلف مثل؛ انجمن کودکان مبتلا به اوتیسم، افراد دارای معلولیت کم توانی ذهنی و انجمن‌های حوزه سالمندان در استان کرمان وجود دارد که با مجوز سازمان بهزیستی، فعالیت می‌کنند. مجموعه رعد کرمان، جزء سه انجمن برتر استان است و ارتباط خوبی در سطح استان با سایر انجمن‌ها دارد. در شهر کرمان، انجمن مراکز دولتی هم تشکیل شده که کل مراکز در شهر کرمان را در برمی‌گیرد و من هم به نمایندگی مرکز رعد کرمان، در این انجمن عضو هستم.

جا دارد از تمام خیرینی که با این مجموعه همکاری دارند و از همه اعضای هیات‌امن و هیات‌مدیره و کمیته بانوان و همیاران تشکر و قدردانی کنم. اگر حمایت‌های این نیکوکاران وجود نداشت، مجموعه رعد کرمان نمی‌توانست به جایگاه کنونی خود برسد.





امید کربلایی در سال ۷۲ با ضعف عضلانی مادرزادی متولد شد. به دلیل علاقه به تحصیل، با همکاری خانواده درس خواند و دیپلم گرفت. بعد از دیپلم به فکر شاغل شدن افتاد و دوره‌های برنامه‌نویسی را از طریق سایت‌های مختلف فرا گرفت و به درآمد رسید. امید، در رشته نرم‌افزار کامپیوتر، مدرک کارشناسی ارشد و در رشته مدیریت کسب و کار دکترا دارد. سایت او در اینستاگرام، یکی از فعال‌ترین و پربازدیدترین‌هاست.

گفت‌وگو با کارآفرین و مدیرعامل شرکت گیتی گیت (gitygit)؛

به من برنامه‌نویس یک انگشتی می‌گویند

لطفا در ابتدا خود را معرفی کرده و بگویید چه شد که به برنامه‌نویسی علاقه‌مند شدید؟

امید کربلایی هستم و چون فقط یک انگشتم کار می‌کند، به من برنامه‌نویس یک انگشتی می‌گویند. در سال ۷۲ با ضعف عضلانی مادرزادی متولد شدم، سه سال اول دبستان را در مدرسه عادی و بعد از آن در خانه درس خواندم. خواهر بزرگ‌ترم در درس خواندن کمکم کرد و با کمک او و مادرم توانستم دیپلم بگیرم. بعد از دیپلم، به فکر شاغل شدن افتادم. شغل‌هایی که دوست داشتم را نوشتن ولی چون نشستن پشت لپ‌تاپ و کار با ده انگشت برایم شدنی نبود، برنامه‌نویسی را انتخاب کردم و دوره‌های برنامه‌نویسی را از طریق سایت‌های مختلف یاد گرفتم. از سال ۹۰ به طور جدی فعالیت کاری خود را آغاز نمودم. در شروع تعدادی اپلیکیشن ساختم و در کافه‌بازار ارائه کردم که درآمد خوبی برایم داشت. بیش از هفتاد اپلیکیشن طراحی کردم ولی فقط پنج

از سال ۹۰ فعالیت کاری خود را شروع کردم و به تدریج به عنوان کارآفرین مطرح، در فضای مجازی شناخته شدم

تا از آنها به نتیجه رسید و درآمدزا شد. این اپلیکیشن‌ها شامل؛ برنامه‌های کیبورد فارسی، برنامه بازی آتاری و آنتی‌ویروس بودند.

در چه رشته‌ای ادامه تحصیل دادید؟

در رشته نرم‌افزار کامپیوتر، مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد و در رشته مدیریت کسب و کار، دکترا گرفتم.

اکنون در چه حوزه‌ای متمرکز هستید؟
از سال ۹۹، فعالیت‌های قبلی را رها کرده و تمرکز خود را بر آموزش برنامه‌نویسی گذاشتم. با تعدادی از دوستان، آموزش برنامه‌نویسی را به علاقمندان ارائه می‌دهیم. آموزش برنامه‌نویسی که سه ماهه است، برای افراد دارای معلولیت، رایگان است.
آیا با گذراندن این دوره، افراد می‌توانند وارد بازار کار شوند؟
تسلط در این حرفه، بازار خوبی دارد. چند نفر از افرادی که آموزش دادیم را خودمان استخدام کرده‌ایم. تعدادی از کارآموزان ما هم، مستقلاً کار می‌کنند و به درآمد رسیده‌اند. در سایت‌های کاریابی، درخواست برای متخصص برنامه‌نویسی زیاد است و درآمدی، از هشت تا بیست و پنج میلیون، بسته به مهارت فرد، دارد. از مزایای برنامه‌نویسی این است که در خانه هم قابل اجراست و نیاز به رفتن به جای خاصی ندارد. در حال حاضر ۲۴ کارمند ثابت به طور حضوری و تعدادی هم غیرمستقیم با



ما همکاری دارند. افرادی که از طریق شرکت ما به کسب و کار رسیدند، بیش از دویست نفر هستند.

علاقمندان به این آموزش، چطور می‌توانند با شما ارتباط بگیرند؟
صفحه من در اینستاگرام، به نام خودم وجود دارد و اطلاعات شرکت به نام (گیتی gitygit)، هم در اختیار متقاضیان قرار دارد که بتوانند از طریق آن با ما ارتباط بگیرند. بسته‌های آموزشی برنامه‌نویسی را از صفر تا صد ارائه می‌کنیم که افراد بتوانند برنامه‌نویسی را به طور کامل آموزش ببینند.

این آموزش‌ها فقط در زمینه برنامه‌نویسی است؟

فعلاً فقط برنامه‌نویسی است ولی در نظر داریم در آینده آموزش‌هایی در زمینه مدیریت کسب و کار اینترنتی را هم ارائه کنیم. بعضی از افراد از ما درخواست آموزش‌های ساده‌تری برای کسب درآمد کردند، به همین دلیل به فکر آموزش دوره کسب و کار آنلاین افتادیم و مدتی است که روی طراحی این دوره، کار می‌کنیم. با توجه به شرایط کرونا و محدودیت‌هایی که برای کارهای حضوری وجود دارد، هدف ما این است که افراد بتوانند از طریق آنلاین، کسب درآمد کنند.

برنامه آینده شما چیست؟

من اعتقاد به برنامه‌ریزی برای آینده دور، ندارم. گرچه گفته می‌شود که افراد موفق برای ده سال آینده خود برنامه دارند ولی به نظرم در دنیای کنونی این شدنی نیست. دو سال قبل هیچ‌کسی فکر نمی‌کرد که مدیریت سازمان پدافند غیرعامل بیاید و برای روش شستن دست‌ها و ضدعفونی با الکل، چه در آمریکا و چه در ایران

وجود پروژه‌های زیاد و پروژه‌های زیاد هم از درست‌کاری می‌آید.

خانواده چه نقشی در موفقیت شما داشت؟

خانواده برای همه افراد به خصوص افرادی که از محدودیت‌های جسمی برخوردارند، نقش بزرگی ایفا می‌کند. خانواده من هم در رشد شخصیت و ارتقای توانمندی‌های من بسیار نقش داشتند، تا جایی که من می‌توانم مستقلاً زندگی کنم.

توصیه شما به دوستان دارای معلولیت چیست؟

به نظرم دوستان باید کاری را که نمی‌توانند درست انجام دهند را کنار بگذارند. بلاخره هرکسی کارهایی را نمی‌تواند انجام دهد، مثلاً فردی که معلولیت دارد، نمی‌تواند بسکتبال یا فوتبال بازی کند ولی حتماً کارهایی هم وجود دارد که بتواند انجامش دهد. دوستان دارای معلولیت باید توانایی‌های خود را پرورش دهند و به نقطه‌ای برسند تا کمتر به دیگران وابسته باشند. معلولیت جسمی، مانع کارکردن نیست. من از کودکی کار کردم و حتی یک زمانی دستبند مروارید درست می‌کردم و می‌فروختم. به نظرم کسی که بی‌کار است، خودش مقصر است. هر کسی باید به فکر پرورش توانایی‌هایی که دارد باشد. نیاز نیست که حتماً همه چیز ایده‌آل باشد تا بتوان کاری را شروع کرد. با حال بد هم می‌توان فعالیت را آغاز کرد. دوستان باید بدانند که یک شبه کسی به ثروت نمی‌رسد، باید نقطه قوت خود را پیدا و روی آن تمرکز کنند و وقت خود را روی کاری که در توانشان نیست نگذارند. توصیه‌ام این است که از شکست نترسند، انسان از شکست درس می‌گیرد.

**به قول چانک کلوژ، نقاش معروف،
انگیزه برای مبتدی‌هاست،
حرفه‌ای‌ها بلند می‌شوند و
کار انجام می‌دهند**

برنامه بدهد. بنابراین به آینده دور فکر نمی‌کنم، چون نیازها به سرعت تغییر پیدا می‌کنند.

چگونه با مجتمع رعد آشنا شدید؟

من از طریق یکی از دوستانم، آقای شاهین طبری، با موسسه رعد آشنا شدم و در جلسه‌ای که با حضور ایشان در رعد داشتیم، با فعالیت‌های مرکز بیشتر آشنا شدم.

شما چگونه به مرحله کارآفرینی رسیدید و چه انگیزه‌ای منجر به این تصمیم شد؟

به قولی، انگیزه برای مبتدی‌هاست، حرفه‌ای‌ها بلند می‌شوند و کار را انجام می‌دهند. اگر بخواهم از چگونگی موفقیت در کارم بگویم؛ باید به درست‌کاری، که رمز موفقیت هر کاری است اشاره کنم. اگر کار را درست و سروقت انجام دهید، پروژه‌های بعدی به شما رجوع و این چرخه ادامه پیدا می‌کند. به این ترتیب، حوزه فعالیتتان گسترده شده و مجبور به استخدام افرادی، چه به صورت فریلنسری و چه حضوری می‌شوید. موفقیت در کار، از



توانایی افسانه‌ای و شگفت‌انگیز

یک زن

www.parsnaz.com



افراد دارای معلولیتی که از پا نمی‌نشینند و تسلیم معلولیت و محدودیتها نمی‌شوند. این افراد اعجوبه‌های زمینی هستند. خبرگزاری آسوشیتدپرس در گزارشی، توانایی شگفت‌انگیز بانوی معلول ایرانی که بدون دست و پا نقاشی، خوشنویسی، قالی‌بافی، آشپزی، خرید و حتی پینگ‌پنگ بازی می‌کند را به تصویر کشیده‌است. زهره اعتضادالسلطنه متولد سال ۱۳۴۱ در تهران است و به صورت مادرزادی دچار معلولیت از ناحیه دو دست است. او دوران ابتدایی خود را در مدرسه استثنایی گذراند اما از آن به بعد در مدارس عادی درس خواند. وی در رشته روان‌شناسی تا مقطع کارشناسی ارشد تحصیل کرده است.

او می‌گوید: "من با وجود معلولیت، توانستم درس بخوانم و با همراهی مادر و پدرم و خواهر و برادرهایم، با لذت زندگی کنم و در مبارزه با سختی‌ها، به زندگی لبخند بزنم. اکنون می‌خواهم آنچه آموخته‌ام را در اختیار هم‌نوعان خودم قرار دهم و بگویم که با معلولیت هم می‌توان به زندگی لبخند زد و لذت برد. این بانوی هنرمند ایرانی عضو انجمن بین‌المللی نقاشان آلمان نیز هست و تاکنون در داخل و خارج از ایران نمایشگاه‌های مختلفی از آثار هنری خود برپا کرده است. او خوشنویسی نیز می‌کند و این هنر را به کودکان توانخواه بدون دست نیز آموزش می‌دهد.

او می‌گوید: "باورم این است وقتی آهنی آبدیده شود، باارزش‌تر می‌شود. هر چقدر انسان دچار سختی و مصیبت شود، آبدیده و ارزشمندتر می‌شود. افرادی که با سختی به جایی رسیده‌اند تبدیل به الگو می‌شوند. این بانوی نقاش درباره چگونگی وارد شدن به رشته نقاشی می‌گوید: "در یکی از نمایشگاه‌هایی که انجمن معلولین ایران برپا کرده بود، با خانمی که با دهان نقاشی می‌کشید آشنا شدم. او از من پرسید، دوست داری نقاشی کنی؟ گفتم: بله دوست دارم، ولی باید کار سختی باشد. او گفت: سخت نیست و پذیرفت که به من نقاشی یاد بدهد. دوره‌های مقدماتی را پیش او

یاد گرفتم و بعد در کلاس‌های خصوصی این هنر را کامل کردم.

زهره اعتضادالسلطنه درباره این که چه طور وارد رشته پینگ‌پنگ شد نیز گفت: "یک روز رفتم در یک باشگاه ورزشی و ثبت‌نام کردم و گفتم، من استثنایی‌ام. گفتند چه کمکی از دست ما برمی‌آید؟ گفتم، فقط یک میز اداری در کنار میز پینگ‌پنگ برایم بگذارید، من بازی می‌کنم. بازی کردم و موفق هم شدم.

دوست داشتم در بازی‌های پارالیمپیک شرکت کنم که فدراسیون معلولین و جانبازان با من همکاری نکردند. زهره اعتضادالسلطنه در انجام کارهای روزمره خود مستقل است و علاوه بر انجام کارهای خود، از اعضای خانواده نیز پرستاری می‌کند. او درباره معلولیت معتقد است که وقتی فردی دچار مشکلی می‌شود، باید خود را پیدا کند و به زندگی ادامه دهد.



در آلودگی هوا چه بخوریم؟

مجله پزشکی دکتر سلام

هر روز به تعداد آلاینده‌ها افزوده می‌شود و همین امر موجب آلودگی روزافزون هوا می‌شود. با سرد شدن هوا مشکل جدی‌تر شده زیرا وارونگی دما نیز بر مشکلات خواهد افزود! آلودگی هوا از جمله مواردی است که بشدت می‌تواند سلامت انسان را تحت تاثیر قرار دهد و استفاده از رژیم غذایی مناسب، از جمله مواردی است که می‌تواند شما را در حفظ سلامتی برابر این عامل یاری دهد.

در سال‌های اخیر، همزمان با سرد شدن هوا، آلودگی هوا در برخی از روزها، آن قدر شدید می‌شود که کارشناسان از شرایط هشدار و اضطرار می‌گویند و مسئولان مثل همیشه به‌دنبال راهکاری برای حل مسئله هستند.

آلاینده‌های موجود در هوا، مثل اکسیدهای ازت، دی‌اکسیدکربن، منواکسیدکربن و به‌طور کلی گازهای مخرب، هر کدام به‌گونه‌ای بر هریک از اعضای بدن تأثیر می‌گذارند و باعث اختلال در عملکرد مطلوب دستگاه‌های مختلف در بدن می‌شوند. در چنین شرایطی، باید قدرت دفاعی بدن در مقابل بیماری‌ها را افزایش داد. نوع تغذیه و اینکه از چه غذاهایی بیشتر استفاده کنیم، می‌تواند تا حدی از عوارض خطرناک آلاینده‌های موجود در هوا بر بدن بکاهد.



شماره ۸۱، پاییز ۱۴۰۰

سلامت

تأثیرات آلودگی هوا بر سلامت انسان

موادی که از طریق هوای آلوده وارد محیط شده و برای سلامت بدن به شدت مضر و زیان‌آورند، دارای ترکیباتی هستند که باعث نابودی بافت‌های مختلف بدن می‌شوند. این رادیکال‌های آزاد، از طریق ریه، پوست، مخاط بدن، مثل مخاط چشم، گوش، بینی و دستگاه گوارش، وارد بدن می‌شوند و باعث تخریب تک‌تک سلول‌ها می‌شوند.

با هوای آلوده‌ای که انسان استنشاق می‌کند، مقادیر زیادی رادیکال آزاد وارد بدن می‌شود. به عبارت دیگر، تجمع رادیکال‌های آزاد در بدن در هنگام آلوده بودن هوا، افزایش می‌یابد؛ چرا که رادیکال‌های آزاد، به دلیل آنکه اکسیژن‌های ناپایداری هستند، دنبال جا و مکانی می‌گردند که با یک سلول واکنش نشان دهند و آن را اکسیده کنند. به تعبیر دیگر، رادیکال‌های آزاد، اکسیژن‌های آزادی هستند که به بافت‌ها و سلول‌های بدن می‌چسبند و باعث نابودی و تخریب آنها یا تغییر ماهیتشان می‌شوند. با تجمع رادیکال‌های آزاد در بدن به دلیل آلودگی هوا، یک پروسه تخریبی و التهابی اتفاق می‌افتد و

به دنبال آن، انواع بیماری‌های مزمن از قبیل برونشیت، سرطان‌های خون و برخی دیگر از بیماری‌ها افزایش می‌یابد. ذرات آلوده در هوا، از راه‌های مختلف وارد بدن و پس از آن وارد سیستم گردش خون می‌شود و از آنجایی که خون همه بدن را سیراب می‌کند، این خون آلوده به سلول‌های بدن آسیب رسانده و باعث افزایش بیماری‌های مزمن می‌شود.

در این ایام چه باید خورد؟

آلودگی هوا به هر ترتیب اثرات سوء خود را بر سلامت فرد خواهد داشت؛ به ویژه در زمانی که میزان آلودگی هوا شدید باشد! اما در مواردی که میزان آلودگی کمتر باشد راحت‌تر می‌توان با آن مقابله و اثرات سوء آنرا کاهش داد؛ انتخاب یک رژیم غذایی مناسب می‌تواند بهترین گزینه باشد.

برای کم شدن مضرات آلودگی هوا مصرف غذاهایی شامل؛ ویتامین E و ویتامین D را پیشنهاد می‌کنیم. این ویتامین‌ها می‌توانند اثرات مسموم‌کننده گازهای آلاینده را خنثی کنند. ویتامین E را در روغن‌های گیاهی، گردو، بادام، زیتون، جوانه گندم، جگر و سبزیجات دارای برگ سبز می‌توانید مصرف کنید. منابع مناسب ویتامین D، شیر، کره و زرده تخم‌مرغ هستند که باید در برنامه غذایی روزانه‌تان باشند. البته می‌توانید با تجویز متخصص، مکمل‌های ویتامین E و D را هم مصرف کنید. علاوه بر این ویتامین‌ها مصرف غذاهایی که حاوی آنتی‌اکسیدان‌های سلنیوم و بتاکارون هستند را توصیه می‌کنیم. سبزیجاتی مثل طالبی، انبه، کدو تنبل، فلفل، اسفناج، کلم و زردآلو بتاکارون دارند. سلنیوم را هم می‌توانید در غذاهای دریایی، مرغ، نان و غلات سبوس‌دار پیدا کنید.



میوه و سبزیجات تازه

یکی از مهم‌ترین و مفیدترین گروه‌های غذایی برای محافظت از بدن در مقابل آلودگی هوا، مصرف میوه و سبزیجات می‌باشد. این گروه از مواد خوراکی منابع غنی از ویتامین‌ها و آنتی‌اکسیدان‌ها به‌شمار می‌آیند و مصرف آنها بشدت توصیه می‌شود.

روی

روی از آن دسته مواد مغذی است که در هوای آلوده موجب کاهش جذب فلزات سنگین شده و از این طریق میزان این ترکیبات زیان‌بار را در بدن به حداقل می‌رساند. از این رو، متخصصان تغذیه مصرف غذاهایی که این ماده مغذی را در حد بالایی دارند بسیار توصیه می‌کنند. این مواد غذایی شامل انواع فراورده‌های دریایی، نخود سبز، عدس و جوانه گندم هستند.

منیزیم

مصرف منیزیم به دلیل خواص کاهندگی جذب کادمیوم، در روزهای آلوده، بسیار مفید است و به همین دلیل مصرف انواع سبزیجات با رنگ سبز تیره که از این ماده مغذی غنی هستند، بسیار توصیه می‌شود. بهتر است این گروه از مواد غذایی را به صورت تازه و خام مصرف نمود.

ماهی

محققان دریافته‌اند که مصرف منظم ماهی‌های روغنی نظیر ماهی آزاد و سالمون می‌تواند در تقویت و بهبود فعالیت دستگاه تنفسی موثر واقع شود. مصرف متعادل این گروه از مواد غذایی می‌تواند موجب کاهش ریسک ابتلا به بیماری‌های ریوی به خصوص در افرادی که در محیطی با هوای آلوده زندگی می‌کنند، شود.

مصرف ماهی‌های روغنی که سرشار از اسیدهای چرب امگا ۳ هستند می‌تواند در کاهش تنگی نفس و اثرات زیان‌بار ترکیبات التهاب‌آور مفید باشد.

شیر و لبنیات

در شرایط آلودگی هوا برای کاهش صدمات به دستگاه تنفسی و التهاب دستگاه گوارش ناشی از این آلودگی، باید مصرف شیر و لبنیات را به ۲ دلیل افزایش داد: اولاً شیر و لبنیات به دلیل دارا بودن فسفر، منیزیم و کلسیم به صورت رقابتی مانع از جذب عناصر فلزی موجود در آلودگی هوا می‌گردند، ثانیاً پروتئین لبنیات می‌تواند در دستگاه گوارش با برخی عناصر فلزی ناشی از آلودگی هوا که از طریق تنفس وارد بدن می‌شوند ترکیب شده و به دفع آنها از بدن کمک کند.

برخی از نوشیدنی‌ها مانند؛ چای و قهوه نیز به دلیل داشتن ترکیبات فلاونوئیدی می‌توانند توان دفاعی بدن را در برابر عوامل آلودگی هوا بیشتر کنند.

روغن زیتون

روغن زیتون اثرات مضر آلودگی هوا را کاهش می‌دهد. ذرات معلق موجود در هوا، باعث گرفتگی عروق و آترواسکلروز زودرس می‌شود. عارضه آترواسکلروز بر اثر رسوب پلاک از مواد چربی در دیواره درونی رگ‌های خونی بوجود می‌آید.

روغن زیتون منبع غنی امگا ۹ است و مصرف آن باعث افزایش فعال کننده پلاسمینوژن بافتی می‌شود. فعال کننده پلاسمینوژن، بافتی آنزیمی است که توسط سلول‌های دیواره داخلی شریان‌ها ترشح می‌شود و مهم‌ترین وظیفه آن شکسته شدن لخته خون ایجاد شده در رگ‌هاست. وجود لخته در رگ‌های خونی باعث اختلال در گردش خون می‌شود.

مواد غذایی حاوی آنتی‌اکسیدان

آنتی‌اکسیدان، به ترکیباتی گفته می‌شود که از سلول در مقابل صدمات جلوگیری می‌کند. این ترکیبات می‌توانند طبیعی یا مصنوعی باشند.

آنتی‌اکسیدان‌های اصلی عبارتند از:

لوتئین: این گروه از آنتی‌اکسیدان‌ها در انواع کلم (کلم بروکلی، گل کلم و برگ کلم)، انواع میوه‌ها، سبزیجات نشاسته‌ای (ذرت، نخود فرنگی) تخم مرغ و سبزیجات برگ‌دار وجود دارد.

سلنیوم: یک ماده معدنی موجود در غذاهای گیاهی، تخم مرغ، مرغ، گوشت قرمز، حبوبات و ماهی است.

کاروتنوئیدها: رنگدانه‌هایی هستند که باعث رنگ زرد و نارنجی در میوه‌هایی از قبیل هویج، خربزه و سیب زمینی می‌شوند.

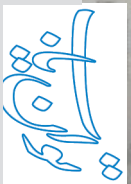
لیکوپین: یک ماده شیمیایی موجود در میوه و سبزیجات قرمز از جمله گوجه فرنگی و هندوانه است.

تحقیقات انجام شده توسط کالج کینگ لندن و دانشگاه ناتینگهام نشان می‌دهد که آووکادو، اسفناج و مواد غذایی حاوی ویتامین E مانع از آسیب ناشی از آلودگی هوا به ریه می‌شوند.

کلم بروکلی

مطالعات محققان دانشگاه جان هاپکینز نشان می‌دهد که کلم بروکلی و جوانه آن ذرات معلق و ازن هوا را دفع می‌کند، علاوه بر این حاوی یک ترکیب به نام سولفورافان است که خاصیت ضد سرطانی دارد.

متخصصان مصرف مکرر و به وفور این اقلام غذایی را به علاوه خودداری از ترندهای غیرضروری در خارج از منزل در روزهای آلوده به شهروندان توصیه می‌کنند.





عطر گل، لطف هوا، آوای یار
دل کند پر خون، در این شهبای تار
کی شود بر من درد صبح سپید؟
ای خدا از رحمت نوری بنبار
همدی صداقت



معرفی کتاب



نام کتاب: آسیب شناسی اشتغال معلولین ایران
نام نویسنده: محمد نوری
ناشر: انتشارات توانمندان، دفتر فرهنگ معلولین
نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۷

این کتاب در شش فصل و در حوزه اشتغال افراد دارای معلولیت تالیف شده است. در پیش‌گفتار این کتاب نگارنده با اشاره به مشکل مهم این افراد یعنی بی‌کاری، عنوان می‌کند که این معضل باعث ناتوانی آنها در تامین معیشت و هزینه‌های زندگی شده و پیامدهای منفی بسیاری چون، افسردگی را ایجاد می‌کند.

نویسنده در این کتاب، در مورد موضوعاتی نظیر؛ بی‌کاری، طبقه‌بندی مشاغل، روش‌شناسی اشتغال این گروه، راهکارهای مناسب، ارائه طرح و برنامه برای اشتغال این افراد بحث می‌کند.

این اثر به آسیب‌شناسی این موضوع پرداخته و بی‌کاری را از مهم‌ترین مشکلات توانیابان معرفی می‌کند. مشکلی که دارای ابعاد اقتصادی و اجتماعی و روانی است.

نویسنده در این کتاب با اشاره به حق برخورداری توانیابان از شغل مناسب، به بررسی مسائلی چون؛ مهارت‌پذیری و نقش آموزش در افزایش توانمندی می‌پردازد و با طبقه‌بندی مشاغل، برخی از آنها را برای این گروه مناسب می‌داند.

نگارنده در ادامه بحث، به روش‌های ایجاد اشتغال برای توانیابان که شامل؛ خوداشتغالی، تاسیس شرکت‌های تعاونی، اشتغال حمایت شده و ... اشاره می‌کند و به ارائه راهکارهای مفیدی برای ایجاد اشتغال و به کارگیری این افراد در شغل مناسب، می‌پردازد.

برگزاری پنجمین دوره رویداد توان تک در بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی کامپ



آغاز ثبت نام پنجمین دوره رویداد توان تک

۲۷ تا ۳۰ بهمن

در بیست و ششمین
نمایشگاه بین المللی کامپ

همزمان با بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی کامپ، پنجمین دوره رویداد توان تک با محوریت مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و مشارکت استارت‌آپ‌ها و انجمن‌های فعال حوزه معلولیت برگزار خواهد شد.

رویداد توان تک با تاکید بر توسعه دسترسی برای افراد دارای معلولیت در کسب و کارهای نوین، فضای مجازی و وب، بر این عقیده استوار است که با گسترش دسترس‌پذیری به فضاهای وب، کسب‌وکارها جدید و استارت‌آپ‌ها، علاوه بر جبران برخی از محدودیت‌ها برای افراد دارای معلولیت، به تحقق عدالت اجتماعی برای این گروه از هموطنان کمک قابل توجهی خواهد شد. بر اساس این گزارش؛ با استفاده از ابزارها و امکانات پیش‌بینی شده، میزان سهولت کارکردن با یک سامانه، فضای اینترنتی و ابزارهای نوین فناورانه که به افزایش تعداد کاربران و استفاده‌کنندگان منتهی می‌شود، تکالیفی بر عهده ارائه‌دهندگان خدمات و سرویس‌های فناوری اطلاعات قرار داد تا با در نظر گرفتن شرایط افراد دارای معلولیت به منظور تحقق حق دسترسی، امکاناتی همچون نرم‌افزارهای خواننده صفحات وب و نرم‌افزارهای بزرگ‌کننده فونت برای کاربران کم‌بینا و دیگر ابزارها را به کار بگیرند که افراد دارای معلولیت با استفاده از این امکانات و فرآیندها، بتوانند بخشی از محدودیت‌های جسمی و حرکتی خود را جبران کنند.

این دسترسی می‌تواند؛ در بخش‌های آموزشی، فرهنگی، کارآفرینی، اشتغال، عدالت اجتماعی، پیشگیری و درمان، امنیت حقوقی و حمایت‌های قانونی، زیست محیطی، حمل و نقل، ورزش و اوقات فراغت، دسترسی‌های فیزیکی، فناوری، پژوهشی و علمی، برنامه‌ریزی و ... قابل اجرا باشد تا بخش وسیعی از افراد دارای معلولیت از قبیل: کم‌توان، جسمی و حرکتی، ذهنی، مبتلایان اوتیسم، ام اس، نابینا، ناشنوا، کم‌بینا، کم‌شنوا، سالمندان، جانبازان، بیماران خاص و آسیب‌دیدگان اجتماعی را در برمی‌گیرد.

بیست و ششمین نمایشگاه بین المللی کامپ، از تاریخ ۲۷ تا ۳۰ بهمن برگزار خواهد شد و بر اساس روال سال‌های گذشته، استارت‌آپ‌هایی که خدماتشان به جامعه افراد دارای معلولیت ارائه می‌شود یا توسط افراد دارای معلولیت تأسیس یا اداره می‌شوند، از تسهیلات ویژه برای حضور در رویداد توان تک بهره‌مند خواهند شد.



آغاز ثبت نام دوره‌های کاردانی و کارشناسی مرکز آموزش علمی کاربردی نیکوکاری رعد



مرکز آموزش علمی کاربردی نیکوکاری رعد

کاردانی و کارشناسی

سیستم آموزش آنلاین

زمان ثبت نام:

۱۶ آذر لغایت ۳۰ آذر ۱۴۰۰

ثبت نام از طریق سایت سازمان سنجش آموزش کشور به نشانی www.sanjesh.org

ارائه مدرک معتبر از وزارت علوم تحقیقات و فناوری پذیرش دانشجو بدون کنکور بدون نیاز به مدرک پیش دانشگاهی ارائه وام دانشجویی مرکز کاملاً مناسب سازی شده برای افراد دارای معلولیت (جسمی- حرکتی) اخذ معافیت تحصیلی حمایت از ایده های نو در مرکز نوآوری تابش رعد

رشته های تحصیلی پذیرش بهمن ماه ۱۴۰۰

کاردانی حرفه ای حسابداری امور مالی
کاردانی حرفه ای روابط عمومی
کاردانی حرفه ای مترجمی زبان انگلیسی- آلمانی- فرانسوی
کاردانی حرفه ای مددکاری اجتماعی-مددکاری خانواده
کاردانی حرفه ای مدیریت کسب و کار
کاردانی حرفه ای مشارکتهای مردمی
کاردانی فنی نرم افزار- برنامه سازی کامپیوتری
کارشناسی حرفه ای حسابداری امور مالی
کارشناسی حرفه ای مترجمی همزمان انگلیسی
کارشناسی حرفه ای مددکاری اجتماعی-خانواده
مهندسی فناوری اطلاعات- فناوری اطلاعات
کاردانی حرفه ای طراحی گرافیک
کارشناسی حرفه ای طراحی گرافیک-تصویرسازی
کارشناسی حرفه ای روابط عمومی- امور رسانه

ثبت نام بدون کنکور



#علمی_شو_کاربردی_شو
شهرک غرب فاز ۲، خیابان هرمزان،
خیابان پیروزان چلوی، کوچه پنجم، پلاک ۷۴
شماره موبایل مرکز: ۰۹۰۵۰۵۰۱۰۴
www.raad-ac.ir @ uni_raad

ثبت نام دوره‌های کاردانی و کارشناسی بهمن ۱۴۰۰ در مرکز آموزش علمی کاربردی نیکوکاری رعد آغاز شد. دانشگاه جامع علمی کاربردی طی اطلاعیه سازمان سنجش کشور اعلام کرد، متقاضیان علاقه‌مند به ثبت نام در مقاطع کاردانی و کارشناسی می‌توانند به سایت www.sanjesh.org یا به صورت حضوری به واحد آموزش مرکز نیکوکاری رعد مراجعه نمایند.

رشته‌های کاردانی

- حسابداری امور مالی
- روابط عمومی
- مترجمی زبان انگلیسی-آثار مکتوب و متون رسمی
- مددکاری اجتماعی-مددکاری خانواده
- نرم افزار- برنامه سازی کامپیوتری
- مدیریت کسب و کار
- طراحی گرافیک
- مشارکت های مردمی

رشته‌های کارشناسی

- حسابداری امور مالی
- مترجمی همزمان انگلیسی
- مددکاری اجتماعی خانواده
- مهندسی فناوری اطلاعات-فناوری اطلاعات
- طراحی گرافیک-تصویرسازی
- روابط عمومی- امور رسانه

امتیازات

ارائه مدرک معتبر از وزارت علوم تحقیقات و فناوری، پذیرش دانشجو بدون کنکور و مدرک پیش دانشگاهی، ارائه وام دانشجویی، مناسب‌سازی شده برای افراد دارای معلولیت (جسمی- حرکتی)، اخذ معافیت تحصیلی و حمایت از ایده‌های نو در مرکز نوآوری تابش رعد

بازدید رئیس هیأت مدیره از مرکز جامع درمانی و توانبخشی رعد

همزمان با پیشرفت پروژه ساختمانی مرکز درمانی و توانبخشی رعد، دکتر مریم رسولیان رئیس هیأت مدیره با حضور در محل احداث این ساختمان از بخش‌های مختلف آن بازدید کرد. پروژه مرکز جامع درمانی و توانبخشی رعد که مراحل اجرایی آن با اهداء ساختمانی قدیمی-ساز در محله قصرالدشت توسط نیکوکار گرامی، مرصل پیرمعجز آغاز شد با مسؤولیت مهندس سیدقاسم لواسانی عضو و نماینده هیأت مدیره عملیات ساختمانی آن در ۶ طبقه و ۴۱۰ مترمربع زیربنا آغاز شد. بودجه پیش-بینی شده ساخت و تجهیز بخش‌هایی از این ساختمان حدود ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است که پس از تکمیل در این مرکز خدماتی همچون: فیزیوتراپی، گفتاردرمانی، کاردرمانی، مددکاری، دندانپزشکی و ... به جامعه افراد دارای معلولیت ارایه خواهد شد. دکتر مریم رسولیان ضمن ابراز خرسندی از پیشرفت مراحل فیزیکی پروژه، اشاره کرد: هیأت مدیره در تلاش است با تأمین بودجه مورد نیاز پروژه از محل کمک‌های مردمی خیریه رعد، زمان ساخت پروژه را کاهش داده و بهره‌برداری از آن را سرعت بخشد.



شماره ۸۱ پاییز ۱۴۰۰

حمایت مؤسسات مردم نهاد از رویداد آنلاین ۱۲ آذر



تحصیل کودکان بازماندگان تحصیل نهال، مهر گستر پرهام تهران (اتیسم)، حمایت از بیماران مبتلا به سرطان قزوین، آسیب نخاعی تهران، برنا، معلولان پارس، باور، ضایعات نخاعی ایران، جامعه معلولان ایران، معلولین ایرانیان، زندگی دوباره طبیعت، پویبش سه‌شنبه‌های بدون خودرو، صلح و دوستی برای تونیک، نابینایان ایران، انجمن علمی و آفرینش‌های هنری معلولان ایران، انجمن دفاع از حقوق معلولان، اریگامی ایران، احیای شنوایی، حمایت از قربانیان اسیدپاشی، انجمن علمی روانپزشکی ایران، حمایت از توان‌خواهان جسمی و ذهنی فردا، اتیسم ایران، دوستداران کودک پویبش، تربیت اتیسم کارآمد (تاک)، سلول طلایی، سندرم داون ایران، پلتفرم مپینو، رعد الغدیر تهران، رعد پاکدشت، رعد پیشوا، رعد سنندج، رعد شرق تهران، رعد کرمان، رعد طالقان، رعد کرمانشاه، رعد یزد، رعد کرج، رعد فاطمیه قم، رادیوتوان، روزنامه شرق، روزنامه مردم‌سالاری، مردم‌سالاری آنلاین، روزنامه همدلی، روزنامه اطلاعات، روزنامه گل، رادیو شش و تیک نیک.

مجتمع رعد ضمن قدرانی از همراهی و همدلی تک‌تک این سازمان‌ها، امیدوار است با این سرمایه اجتماعی گسترده‌ای که برای انتقال مفهوم «فرصت‌های برابر» پای کار آمده‌اند، شاهد توجه بیشتر جامعه به وظایف فردی و گروهی در حوزه مسؤلیت اجتماعی باشیم.

کمپین «فرصت‌های برابر» مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد با حضور ۷۸ سازمان مردم‌نهاد فعال در عرصه‌های نیکوکاری، توانمندسازی و رسانه‌های مطبوعاتی در حوزه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی راه‌اندازی شد.

در این کمپین که به دعوت مجتمع رعد برگزار شد، گروهی از انجمن‌های همکار و مؤسسات همگرا به همراه تعدادی از مطبوعات با واگذاری اجازه انتشار نشان اختصاصی خود در کنار پوستر رویداد ۱۲ آذر، حمایت معنوی خود را از این حرکت اجتماعی اعلام کردند.

اسامی مؤسسات، مراکز، خیریه‌ها و روزنامه‌های حمایت‌کننده از رویداد ۱۲ آذر عبارت‌اند از: محک، کهریزک، نیکان ماموت، بنیاد کودک، بچه‌های سیب سرخ، بهنام دهشپور، نیک گامان جمشید، مرکز آموزش علمی-کاربردی رعد، خانه عماد، دبیرخانه ترویج کار داوطلبانه، پیام امید، قرار سبز، انجمن سرطان پستان، شبکه ملی ناشنوایان، گابریک، شبکه کمک، شبکه ملی سمن‌ها، هموفیلی، شبکه ملی سمن‌های ورزش همگانی (شمس)، شبکه‌تشکل‌های نابینایان و کم‌بینایان چااووش، دفتر فرهنگ معلولین (قم)، پیام‌آوران ساحل امید، توانمندسازی ام.اس، مهرانه قلب سفید، دوستداران طبیعت جهان نما، حمایت از کودکان بی‌پناه، کودکان فرشته ایرانیان، ماهان کرمانشاه، نیکوکاری دات، حمایت از افراد با افت شنوایی، حمایت از



رونمایی و جشن امضای کتاب «چوب خیس نیست خم نمی شود»



سرودن غزل دارد، نغمات آیینی و سروده‌های دینی محتوای غالب آثار این شاعر جوان است. او دستی هم در شعر آزاد دارد که غالباً نثر وارهاوند. اما تبجرش در غزل نو است. در انتخاب کلمات و ترکیب‌ها، به سنت‌های غزل متعادل پایبند است، نه گذشته‌گرا و نه آوانگارد است و طبع ملایمی دارد که دغدغه‌اش انتقال محتوا و موضوع شعر است. این دفتر نخستین اثر این شاعر جوان است. در خاتمه مراسم، مولود مولوی شاعر کتاب گفت: دوست داشتم قبل از مطالعه کتاب «چوب خیس نیست خم نمی‌شود» احساسم را در رابطه با این اثر با شما به اشتراک بگذارم. تعهد من نسبت به این موضوع که معلولیت، محدودیت نیست مهم‌ترین دلیل برای نگارش این کتاب بود. این کتاب سرشار از ابیات نورانی و عشق است. امید، توانمندی و نهراسیدن از شکست، آینه‌ی تمام‌نمای وجود خودم هست که در غزل‌ها و اشعار سپید این کتاب با کلامی ساده و دور از تکلف منعکس شد. خواستم عنوان کتاب، این حس را القا کند که می‌توان با وجود سختی‌ها همواره مقاوم بود و ایستاد.

وی در پایان افزود: تک‌تک اشعار این اثر از عنایت پروردگار و خالق هستی و لطفی است که ائمه اطهار (س) به بنده کوچک داشته‌اند. این مراسم به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی در فضای باز محوطه مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد و با تعداد محدود برگزار شد.

مراسم رونمایی و جشن امضای اولین اثر مولود مولوی شاعر جوان با عنوان «چوب خیس نیست خم نمی‌شود» در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار شد.

این کتاب که توسط انتشارات دالاهو و با حمایت مجتمع رعد منتشر شده با حضور استاد عبدالجبار کاکایی، اعضای هیئت‌مدیره و هیئت‌امنا مجتمع رعد، امیرحسین کاکایی مدیر انتشارات دالاهو، دوستان و اعضای خانواده شاعر در مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد برگزار شد.

در ابتدای مراسم رضا سخن‌سنج مدیر روابط عمومی مجتمع رعد با خوشامدگویی به میهمانان حاضر، حمایت‌های مجتمع رعد از فعالیت‌های فرهنگی و هنری کارآموزان را جزو محورهای اصلی و تأثیرگذار خیریه رعد برای توانمندسازی افراد دارای معلولیت دانست. در ادامه، آذر صادق‌پور مدیر دفتر مشارکت‌های مردمی با ابراز احساسات بی‌پایان خود نسبت به موفقیت‌های توان‌یابان رعد گفت: من امروز از مسیر دوری صرفاً برای حضور در مراسم رونمایی کتاب دختر خوب و پرتلاشمان مولود به اینجا آمده‌ام. وی افزود: حمایت‌های دفتر مشارکت‌های مردمی و گروه همیاری بانوان از تلاش‌های فرهنگی کارآموزان، کمک به توسعه و گسترش فرهنگ‌سازی در جامعه است که مایه مباهات و افتخار برای ماست. سپس استاد عبدالجبار کاکایی با قرائت شعرهایی از کتاب چوب خیس نیست خم نمی‌شود، سخنان خود را آغاز کرد و گفت: مولود مولوی طبع روانی در



برگزاری مرحله دوم مسابقه انتخابی رشته عکاسی ابی لمپیک ۲۰۲۲



آزمون مرحله دوم مسابقه انتخابی ابی لمپیک در رشته عکاسی در فضای باز با حضور نفرات منتخب مرحله مقدماتی در تهران برگزار شد. در این مرحله داود عامری از گرگان، محمود بیات از تهران و حامد راستی از شیراز که در مرحله مقدماتی حائز بیشترین امتیاز شدند با حضور در بازارچه کارآفرینی بوستان لاله تهران زیر نظر داوران، مرحله تهیه عکس مستند اجتماعی برگزار کردند.

براساس این گزارش فرآیند انتخاب نفرات اعزامی به مسابقات ابی لمپیک مسکو ۲۰۲۲ پس از حضور در مسابقات انتخابی و کسب نظر موافق هیأت داوران، دروهای آماده‌سازی را طی خواهند کرد و در نهایت نفر یا نفرات منتخب هر رشته انتخاب خواهند شد.

شایان ذکر است آزمون انتخابی رشته‌های عکاسی در محیط باز مهرماه سال جاری با حضور شرکت‌کنندگان به مدت ۶ ساعت در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد.

آزمون انتخابی مسابقات ابی لمپیک به منظور انتخاب نفرات برتر برای اعزام به روسیه در رشته‌های طراحی پوستر، طراحی صفحات وب، برنامه‌نویسی کامپیوتر و عکاسی در محیط باز در نظر گرفته شده است و نفرات منتخب پس از شرکت در اردوهای آموزشی و آماده‌سازی با برگزاری آزمون نهایی سال آینده به روسیه اعزام خواهند شد.

مجمع آموزشی نیکوکاری رعد با هدف معرفی توانایی‌های جوانان ایران، زمینه حضور آنها را با شناسایی افراد صاحب‌تجربه و متخصص از طریق برگزاری آزمون انتخابی، اردوهای آماده‌سازی و اعزام تیم به مسابقات بین‌المللی مهارت افراد دارای معلولیت هر ۴ سال یکبار فراهم می‌آورد. طی دوره‌های قبلی این رقابت‌ها در کشورهای هندوستان، کره جنوبی و فرانسه برگزار شد و منجر به حضور موفق از طرف افراد دارای معلولیت ایرانی شد.



اعلام نتایج رشته‌های آزمون انتخابی مسابقات ابی لمپیک روسیه



بیشترین امتیاز برگزیده شدند. بر پایه این گزارش از بین نفرات منتخب پس از حضور در اردوهای آماده‌سازی، طی دوره آموزش تکمیلی و شرکت در آزمون نهایی، برترین نفرات هر رشته انتخاب می‌شوند و در صورت تأمین شرایط عمومی و بهداشتی مطلوب، در سال ۱۴۰۱ به این مسابقات اعزام خواهند شد. شایان ذکر است، کمیته داوران این دوره با حضور داوطلبانه اساتید مجرب هر رشته تشکیل شد که عبارت‌اند از:

رشته عکاسی در فضای باز آقایان: آرش عاشوری‌نیا، پوریا مددی، محمدحسن کاظمینی

رشته طراحی پوستر آقایان: سیاوش یعقوبی، احسان مقدم پور و خانم فاطمه اکبرپور

رشته طراحی صفحات وب سایت آقایان: هومن صنعتکار، سپهر صفایی و آروین کریمی

رشته برنامه‌نویسی کامپیوتر آقایان: هومن صنعتکار، سپهر صفایی و آروین کریمی

اعضای کمیته اجرایی مرکب از کارشناسان مجتمع رعد خانم‌ها: نسرين اکبرپوربرنجی، شیما مرکباتی، نگین موسوی و آقای محمدرضا دشتی مسؤولیت ثبت‌نام، مسؤولیت ارتباطات و برگزاری آزمون را بر عهده داشتند.

نفرات منتخب آزمون انتخابی مسابقات ابی لمپیک روسیه در رشته‌های عکاسی در فضای باز، طراحی پوستر، برنامه‌نویسی و طراحی صفحات وب اعلام شد. پس از ماه‌ها برنامه‌ریزی و تلاش به‌منظور شناخت نفرات واجد شرایط رشته‌های ثبت‌نام شده مسابقات ابی لمپیک ۲۰۲۲ روسیه با انجام مصاحبه‌های تخصصی توسط اعضا تیم داوران و دعوت از نفرات واجد شرکت در مسابقات مقدماتی، آزمون‌های مرحله انتخابی برگزار شد.

بنا بر اعلام کمیته داوران اسامی نفرات منتخب آزمون‌های انتخابی مسابقات ابی لمپیک ۲۰۲۲ روسیه به شرح زیر است:

رشته عکاسی در فضای باز؛ آقایان: محمود بیات از تهران، داود عامری از گرگان و حامد راستی از شیراز

رشته طراحی پوستر؛ آقایان: داود موسوی از تهران، احسان رشیدی فرد از اندیمشک و خانم نازیلا صادقی از تهران

رشته طراحی صفحات وب؛ آقایان مانی رضوی زاده از تهران، سعید بقایی‌راوی از شهرستان کرمان، میلاد حضرتی از شهرستان بجنورد

رشته برنامه‌نویسی؛ آقایان: مجید فرهنگ‌فر از شهرستان یزد، علی کوثری از مشهد و سیدعلی حکمی از زنجان و رضا ترابی از شهرستان از تهران که با کسب



بازدید مسوولان اشتغال وزارت کار و سازمان بهزیستی از مجتمع رعد



با هدف توسعه همکاری‌های مشترک، مشاور وزیر کار در امور اشتغال و دبیر کارگاه اشتغال قرارگاه رفاه به اتفاق مدیرکل دبیرخانه اشتغال و کارآفرینی سازمان بهزیستی ضمن بازدید از مجتمع رعد، با مسوولان مجتمع دیدار و گفت‌وگو کردند.

در این نشست که مهندس رحمان علاقه‌بند، مدیرعامل سیدمهدی میرهادی معاون آموزشی و رضا سخن‌سنج مدیر روابط عمومی و منابع انسانی رعد در آن حضور داشتند، ابتدا تاریخچه‌ای از تاسیس و فعالیت‌های مؤسسه طی ۳۷ سال گذشته توسط مدیرعامل ارائه شد و سپس به موفقیت‌های آموزشی دوران کرونا که گسترده‌گی خدمات آموزش را از شهر تهران به سراسر کشور تعمیم داده، اشاره شد.

در ادامه معاون آموزشی مجتمع با اشاره به عملکرد واحد اشتغال حمایت شده (SE) در دوران کرونا و افزایش کارجویان اشاره کرد و در مورد بوت کمپ‌های کارساز که ابتکار جدید رعد برای توسعه اشتغال کارآموختگان آموزش دیده است، گزارشی ارائه کرد.

همچنین رضا سخن‌سنج مدیر روابط عمومی و منابع انسانی مجتمع رعد گزارشی از برگزاری آزمون‌های انتخابی رشته‌های تعیین شده و نحوه انتخاب تیم ملی مهارت افراد دارای معلولیت برای اعزام به مسابقات ابی‌لیمپیک ۲۰۲۲ مسکو ارائه کرد.

در ادامه، دکتر رستم‌آبادی مشاور وزیر کار از تجارب موفق و پیوند نیروهای داوطلب و جهادی در کمیته امداد امام خمینی (ره) برای توانمندسازی مددجویان مطالبی ارائه داد و افزود: نذر خدمت از طرح‌های ارزشمندیست که نیروهای متخصص با میل و شوق زیاد برای توانمندسازی جامعه مددجویان و مخاطبان در آن مشارکت می‌کنند و ما این تجربه موفق را که هیچ نیاز به پرداخت کمک‌های مالی هم ندارد در آستان قدس رضوی و کمیته امداد امام شاهد بودیم.

در این نشست، سید محمد صافی مدیر دبیرخانه اشتغال و کارآفرینی سازمان بهزیستی کشور ضمن تأکید بر توجه بیشتر به فرصت‌های شغلی جدید که در دوران کرونا همچون تولید محتوا، کارشناس فروش اینترنتی و ... به‌وجود آمده، افزود: از آنجا که جامعه هدف سازمان بهزیستی به جامعه «سخت اشتغال» شناخته می‌شوند، باید از شیوه‌های جدید مانند دور کاری و برون‌سپاری برای حل مشکل اشتغال جامعه هدف کمک بگیریم تا برای اشتغالزایی این گروه خدمتی کرده باشیم.



14. What we see is her great capabilities



A conversation with a sporty family about the difficulties they have faced in life

Melihe Hesarkhani has poliomyelitis. She developed an interest in sports in her teens, and having pursued her athletic activities, she won championships in several fields on a national level.

Her husband and her twelve-year-old child are both athletes and martial arts sportspeople

15. Our slogan is preventing disability and boosting ability



A conversation with Mahdi Lashkari - the managing director of Ra'ad institute in Kerman, about the activities of this institute since 2004

According to Lashkari, this institute was established by geneticist professor Kariminejad after Bam earthquake took place, and managed to carry on with its activities with support of the benefactors of the province.

According to the managing director of this institute, empowering persons with disabilities and achieving persistent and stable employment are among the main objectives of Ra'ad institute in Kerman.

16. I am a programmer with only one finger



A conversation with Omid Karbalayi, holder of DBA

Having been born with muscular dystrophy, he got his diploma studying at home. He has BA and MA in computer software, and he also holds a DBA.

Since 2020, his main focus has been teaching programming, and he has trained lots of students.

17. Luminaries with disabilities

The fabulous and amazing abilities of a woman

18. Murmur

I wish...

19. Health

20. A look into the problems with regard to creating

employment for persons with disabilities

Introducing a book

21. What's up in Ra'ad?



6. We are delighted to be working with persons with disabilities

A conversation with Khodadad Aslani - the chairman of the board of the family business Raees

According to him, this business which was launched in 2001, is the first coffee shop franchise in Iran.

This business is cooperating for years with various charities that aim to assimilate disadvantaged groups and societies into the society.

7. Realistic self-esteem is the main and necessary principle of entering the job market



A conversation with Ali Attar - the founder of Dast restaurant - about the ups and downs that this restaurant has faced since its inception.

Dast restaurant began working in 2019. It did, however, go through a rough patch for a while because of the coronavirus outbreak.

Because of Dast restaurant's adjacency to Ra'ad institute, its owner has always been keen to work with people with disability in Ra'ad. However, he has run into difficulties in this regard.

8. Along with the trainees in the workplace

A report of people with disability in Ra'ad who have a job

9. We welcome collaborating with people with disability

A conversation with Rana Imani, the director of public relations at Firouzeh company

Rana Imani is the director of public relations at Firouzeh company, she has studied MBA, and she is

now a student of PhD in higher education.

According to her, the focus of Firouzeh company is on creating jobs for persons with disabilities, in the forms of both employers and colleagues in different sections. Having begun working with Firouzeh company, Rana Imani, along with Rouzbeh Pirouz - the managing director of the company, who is also a member of the board of trustees at Ra'ad - defined the social responsibility approach in the sphere of persons with disabilities.

10. Job support in the family



A note from the heart by Alireza Gholikhani about the expectations that persons with disabilities have of their parents with regard to their parents' support for them in their jobs.

11. The difficulties of employment for persons with disabilities

A note by Saeed Zarouri about the difficulties that persons with disabilities face in Iran and all over the world in order to get employment.

12. Murmur

13. What differentiates between a trainer and a trainee is only the repetition of the work

A conversation with Tahoura Madrakian, crochet trainer in Ra'ad

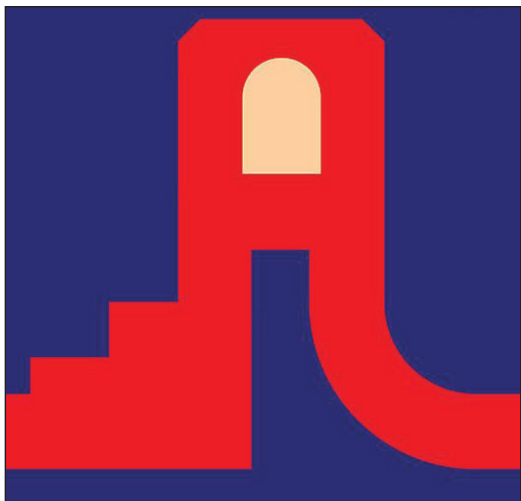
Madrakian is a trainer of knitting, crocheting and handicrafts. She has been working online with Ra'ad since last year for providing these trainings.

She believes that in order for the trainees to learn more, it is necessary to have face to face classes besides online ones.



1. Editorial

2. Equal opportunities



A report of the online ceremony of the International Day of Persons with Disabilities

3. In the Karsaz project, the education we provide is in accordance with the needs of the market



A conversation with Omid Ghorayshi - the supervisor of the employment unit of Ra'ad institute - about the Karsaz 1400 project

According to him, Ra'ad institute has turned to online education and transcending geographical boundaries ever since the Coronavirus broke out.

This goal was pursued by devising the Karsaz 1400 project and, having detected the appropriate jobs with job market, the required education was planned and pursued accordingly.

4. The increase in the efficiency of organizational performance rides on the presence of mutual understanding in the workplace

A conversation with Mohammad Reza Dashti - the employee of the public relations department at Ra'ad

Dashti has been working with Ra'ad for about a decade. In this conversation, he talks about the safe environment his workplace provides for him, a thing that has boosted his efficiency.

5. Our ideals are a long way away



A conversation with Soraya Safarzadeh - an entrepreneur, and the founder of Chakavakshahr company - and Pourandokht Khodabakhsh - the manager of the assistant professorship project

Chakavakshahr is a holding company which is involved in various educational fields, in the forms of both online and face to face.

Soraya didn't get the chance to go to school because she had poliomyelitis. She did, nevertheless, study at home and managed to get her high school diploma and pursue her education in IT in the college of applied sciences at Ra'ad for institute.

Soraya was always ambitious, and she had always been pursuing high ambitions. Having gotten acquainted with the field of network and content production through Alireza Mokhameri - the instructor in this field - Soraya's attention turned to starting a company in digital marketing which she did in 2011 with Mokhameri's collaboration.

